

A close-up, slightly angled portrait of a woman's face. She has dark, curly hair pulled back from her forehead. Her eyes are brown with dark eyeliner. She is smiling broadly, showing her white teeth. The lighting is warm and focused on her face.

Ketabton.com

اختصار وقایع ۵ مهر هفته

قرارداد فروش پنجهزار تن یخته محلج

به قیمت پنج میلیون و سه صد هزار دالر بین

بابیام شاغلی محمد داود رئیس دولت و سین زرشکت و کمپنی وستک انترک اتحاد
صدراعظم سیمینار بین المللی مرکز بین المللی سوروی روز ۲ قوس به اهتماء رسید.

درکشور

تحقيقات پشتون رو باول قوس درادیتوریم
پوهنتون کابل افتتاح گردید.

تاروان حامل حاجج پېښتون وبلوچ شامل
ده بس قبل از ظهر روز قوس از کابل رهسپار

بیت الله شریف گردید.

در خارج کشور

خبر تکار بی بی سی از تبر اطلاع میدهد که

اکنون اوضاع در پر تکال بشکل دراماتیک رو به
و خامت گذاشته و راه حل مصالحتی که بین
دھیران نظامی برای خاتمه دادن به بحران
حاصل شده بود موثریت خود را از دست داده
است.

غده از رهبران و نهایندگان رهبران خارجی
شب شنبه به مادرید و فتنه تادره راسم بغاز

سپردن جسد چنزا فرانکو شرکت جویند.
نهاینده رویتر اسلام آباد خبر داده است

که با بر طرف ناگهانی عنایت الله گند پور

صدراعظم سابق از عفویت حکومت در
امتحانات سالانه شاگردان مکاتب تانسوی
ولیسه های مناطق سردسیر کشور روز اول

پشتونستان این حکومت تکان شدیدی خورد
است.

باوصفت بیست و یکمین بار موافقه درمورد

متارکه جریان اوضاع در بیرون شب دوشنبه
 فقط از صد اهالی هتوار هاشیندار و هاوان بخوبی

آنکه آیات چنداز قرآن کریم تلاوت شد که در
تشخیص داده میشد.

دکتر والدهایم سر منشی موسسه ملل
متعدد در اولین مرحله سفر خود به شرقیان

دیشب با عبدالحليم خدام وزیر خارجه سوریه
و با سرعت رهبر موسسه آزادی فلسطین

مرحله اول پروزه دستگاه برق آبی کجکی

دردمشق ملاقات گردید.

سیمینار روسای یکده از محکم ولایات

روی پاره مسائل مشترک اداری و قضایی روز
دو قوس در روز اول عذریه دایر گردید. بعد از

عبدالمجید وزیر عدلیه ولی خارنوال سیمینار
روسای محکم ولایات نزدیک کابل رادر مقر

اداره عالی فضا افتتاح نمود.

ولایت هلمند ضمن مراسم افتتاح گردید.

درکشور

تحقيقات پشتون رو باول قوس درادیتوریم
پوهنتون کابل افتتاح گردید.

محلل پس از آنکه چندایت از قرآن عظیم الشان
تلاوت گردیده و سرود ملی نواخته شد بالغات

پیام بنغلی رئیس دولت و صدراعظم توسط
پوهاند عبدالقیوم وزیر عارف افتتاح گردید.

در خارج کشور

خبر تکار بی بی سی از تبر اطلاع میدهد که

بنغلی ستیان رادوسلاوو سفیر کبیر
جمهوریت مردم بلغاریا مقیم کابل قبل از ظهر
شنبه اول قوس پایوهاند دکتور نوین و ذیر
اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی نموده و ضمناً
راجع به همکاری کلتوری و اطلاعاتی بین دو

کشور مذاکره گردید.

اوین کاروان حاجج افغانی ساعت یک بعد
از ظهر ۳۰۰۰ عقرب از کابل ذریعه ده بس برای

ادای فریضه حج عازم بیت الله شریف گردیدند.

امتحانات سالانه شاگردان مکاتب تانسوی
ولیسه های مناطق سردسیر کشور روز اول

پشتونستان این حکومت تکان شدیدی خورد
است.

باوصفت بیست و یکمین بار موافقه درمورد

متارکه جریان اوضاع در بیرون شب دوشنبه
 فقط از صد اهالی هتوار هاشیندار و هاوان بخوبی

آنکه آیات چنداز قرآن کریم تلاوت شد که در
تشخیص داده میشد.

دکتر والدهایم سر منشی موسسه ملل
متعدد در اولین مرحله سفر خود به شرقیان

دیشب با عبدالحليم خدام وزیر خارجه سوریه
و با سرعت رهبر موسسه آزادی فلسطین

مرحله اول پروزه دستگاه برق آبی کجکی

دردمشق ملاقات گردید.

سیمینار روسای یکده از محکم ولایات

روی پاره مسائل مشترک اداری و قضایی روز
دو قوس در روز اول عذریه دایر گردید. بعد از

عبدالمجید وزیر عدلیه ولی خارنوال سیمینار
روسای محکم ولایات نزدیک کابل رادر مقر

اداره عالی فضا افتتاح نمود.

ولایت هلمند ضمن مراسم افتتاح گردید.

در خارج کشور

خبر تکار بی بی سی از تبر اطلاع میدهد که

بنغلی ستیان رادوسلاوو سفیر کبیر
جمهوریت مردم بلغاریا مقیم کابل قبل از ظهر

شنبه اول قوس پایوهاند دکتور نوین و ذیر
اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی نموده و ضمناً
راجع به همکاری کلتوری و اطلاعاتی بین دو

کشور مذاکره گردید.

اوین کاروان حاجج افغانی ساعت یک بعد
از ظهر ۳۰۰۰ عقرب از کابل ذریعه ده بس برای

ادای فریضه حج عازم بیت الله شریف گردیدند.

امتحانات سالانه شاگردان مکاتب تانسوی
ولیسه های مناطق سردسیر کشور روز اول

پشتونستان این حکومت تکان شدیدی خورد
است.

باوصفت بیست و یکمین بار موافقه درمورد

متارکه جریان اوضاع در بیرون شب دوشنبه
 فقط از صد اهالی هتوار هاشیندار و هاوان بخوبی

آنکه آیات چنداز قرآن کریم تلاوت شد که در
تشخیص داده میشد.

دیشب با عبدالحليم خدام وزیر خارجه سوریه
و با سرعت رهبر موسسه آزادی فلسطین

مرحله اول پروزه دستگاه برق آبی کجکی

دردمشق ملاقات گردید.

سیمینار روسای یکده از محکم ولایات

روی پاره مسائل مشترک اداری و قضایی روز
دو قوس در روز اول عذریه دایر گردید. بعد از

عبدالمجید وزیر عدلیه ولی خارنوال سیمینار
روسای محکم ولایات نزدیک کابل رادر مقر

اداره عالی فضا افتتاح نمود.

ولایت هلمند ضمن مراسم افتتاح گردید.

در خارج کشور

خبر تکار بی بی سی از تبر اطلاع میدهد که

بنغلی ستیان رادوسلاوو سفیر کبیر
جمهوریت مردم بلغاریا مقیم کابل قبل از ظهر

شنبه اول قوس پایوهاند دکتور نوین و ذیر
اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی نموده و ضمناً
راجع به همکاری کلتوری و اطلاعاتی بین دو

کشور مذاکره گردید.

اوین کاروان حاجج افغانی ساعت یک بعد
از ظهر ۳۰۰۰ عقرب از کابل ذریعه ده بس برای

ادای فریضه حج عازم بیت الله شریف گردیدند.

امتحانات سالانه شاگردان مکاتب تانسوی
ولیسه های مناطق سردسیر کشور روز اول

پشتونستان این حکومت تکان شدیدی خورد
است.

باوصفت بیست و یکمین بار موافقه درمورد

متارکه جریان اوضاع در بیرون شب دوشنبه
 فقط از صد اهالی هتوار هاشیندار و هاوان بخوبی

آنکه آیات چنداز قرآن کریم تلاوت شد که در
تشخیص داده میشد.

دیشب با عبدالحليم خدام وزیر خارجه سوریه
و با سرعت رهبر موسسه آزادی فلسطین

مرحله اول پروزه دستگاه برق آبی کجکی

دردمشق ملاقات گردید.

سیمینار روسای یکده از محکم ولایات

روی پاره مسائل مشترک اداری و قضایی روز
دو قوس در روز اول عذریه دایر گردید. بعد از

عبدالمجید وزیر عدلیه ولی خارنوال سیمینار
روسای محکم ولایات نزدیک کابل رادر مقر

اداره عالی فضا افتتاح نمود.

ولایت هلمند ضمن مراسم افتتاح گردید.

در خارج کشور

خبر تکار بی بی سی از تبر اطلاع میدهد که

بنغلی ستیان رادوسلاوو سفیر کبیر
جمهوریت مردم بلغاریا مقیم کابل قبل از ظهر

شنبه اول قوس پایوهاند دکتور نوین و ذیر
اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی نموده و ضمناً
راجع به همکاری کلتوری و اطلاعاتی بین دو

کشور مذاکره گردید.

اوین کاروان حاجج افغانی ساعت یک بعد
از ظهر ۳۰۰۰ عقرب از کابل ذریعه ده بس برای

ادای فریضه حج عازم بیت الله شریف گردیدند.

امتحانات سالانه شاگردان مکاتب تانسوی
ولیسه های مناطق سردسیر کشور روز اول

پشتونستان این حکومت تکان شدیدی خورد
است.

باوصفت بیست و یکمین بار موافقه درمورد

متارکه جریان اوضاع در بیرون شب دوشنبه
 فقط از صد اهالی هتوار هاشیندار و هاوان بخوبی

آنکه آیات چنداز قرآن کریم تلاوت شد که در
تشخیص داده میشد.

دیشب با عبدالحليم خدام وزیر خارجه سوریه
و با سرعت رهبر موسسه آزادی فلسطین

مرحله اول پروزه دستگاه برق آبی کجکی

دردمشق ملاقات گردید.

سیمینار روسای یکده از محکم ولایات

روی پاره مسائل مشترک اداری و قضایی روز
دو قوس در روز اول عذریه دایر گردید. بعد از

عبدالمجید وزیر عدلیه ولی خارنوال سیمینار
روسای محکم ولایات نزدیک کابل رادر مقر

اداره عالی فضا افتتاح نمود.

ولایت هلمند ضمن مراسم افتتاح گردید.

در خارج کشور

خبر تکار بی بی سی از تبر اطلاع میدهد که

بنغلی ستیان رادوسلاوو سفیر کبیر
جمهوریت مردم بلغاریا مقیم کابل قبل از ظهر

شنبه اول قوس پایوهاند دکتور نوین و ذیر
اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی نموده و ضمناً
راجع به همکاری کلتوری و اطلاعاتی بین دو

کشور مذاکره گردید.

اوین کاروان حاجج افغانی ساعت یک بعد
از ظهر ۳۰۰۰ عقرب از کابل ذریعه ده بس برای

ادای فریضه حج عازم بیت الله شریف گردیدند.

لئک ژوندون

خېړې

شاملین سیمینار بین‌المللی مرکز
بین‌المللی تحقیقات پیشتو قبل از ظهیر
و بعداز ظهیر دیروز در کتابخانه پوهنتون
کابل تشکیل جلسه داده و پیرامون
زبان و ادب پیشتو مباحثات علمی بعمل
آوردن.

در جلسه قبل از ظهیر دیروز که
پریاست داکتر لویی دوپری داشتمد
امریکایی و معاونت خیر ندوی عبدالله
خدمتکار دایرسیده چهار تن از داشتمدان
شامل سیمینار مقالات علمی شائرا
قوانین نسودند که در زمینه بحث
و تحلیل علمی از طرف اعضا سیمینار
صودت کردن.

در این جلسه پوهاند پیرحسین شاه
درباره تحول پیشتو در دو قرن اخیر
داکتر مکنزی داشتمد انگلیس پیرامون
مقالات زیانهای خا نواه پیشتو
پروفیسور هار گسترن داشتمد
نارویزی درباره جستجوی ریشه‌های
زبان پیشتو و تدقیق پیدایش عویت
فرهنگی و زبانی پیشتوها و داکتر شاول
کیفر داشتمد فرانسوی پیرامون
تفصیلات لجه‌های پیشتو به اساس
اطلس زبان‌شناسی افغانستان مقالاتی
ایراد کردن.

همچنان در جلسه بعداز ظهیر دیروز
که پریاست داکتر شاول کیفر داشتمد
فرانسوی و معاونت پوهاند عبدالشکور
رشاد دایرسیده، دوکتور استعلام
داشتمد ایرانی درباره علاقمندی
مرسات علمی ایران به پیشتوانی
دوکتور زرخونه درباره تاریخچه گرام
زبان پیشتوانی اشرف نسی پیرامون
تحلیل مختص نظریات سراف کارو
راجع به زندگانی کس قیایل افغانستان
محترمہ دو کنور بدرازمان فریب
داشتمد ایرانی درباره مقایسه زبان
سندي و فرس قند سیم و پیغامی
محمد ابراهیم عطایی راجع به سوم
نوشته های شفاهی در ادبیات پیشتو
مقالات ایران تولدند.

خبر تکار آزادی پا خبر علاوه‌یکند
که شاملین سیمینار درختم هر یا یانه
سوالات و پیشنهاداتی مطرح نموده
و پیرامون چرم موضوع بحث و تحلیل علمی
صودت گرفت.

برای استماع بیانات داشتمدان
در جلسات دیروز پوهاند عبدالشکور
وزیر معارف و پیغامی فیض محمد وزیر
سرحدات عده از رؤسای استادان،
محصلان پوهنتون کابل و تمدداز زیادی
از علاقمندان اشتراک کرده بودند.

دولت به دعلمی او تاریخی خیر نود بر احتیا په منظور دهیوادتیر مدنیت
او دلرغونو آثارو او دلرغون پیژندی دتحقیقات او دعلمی موزیم نود تاسیس
په باب لازم اقدام و کری.

د پشتو خیر نود بین‌المللی سیمینار

پنجشنبه ۶ آقوس ۱۳۵۴ - ۲۳ ذی‌قعده ۱۳۹۵ - ۲۷ نومبر ۱۹۷۵

داغنا نستان دجمبوریت مو سس بین‌المللی مرکز دیونسکو له خوا په خصوصیاتو، په افغانستان کښی د
رسومیت پیژندل شوی اود پیشتو قبیلوی ژوند او مرکزیت دخیرنی،
ددولت رئیس او صدرا عظم بناغلی
محمدداد داغنانستان خلکو ته په
انکشاف کری او دیوی اجراییه خانگی
او رېښی پیدا پیشتو دخیرنی پیشتو
په لرلو اود یو علمی کمیسیون په
سلا او مشوره خیلی وظیفی سر ته
علمی پیشتوالی، داغنا نستان درب
رسوی.
ددغه مرکز دکار دبه والی او
له جو دویش، دپیشتو د ګړي دو دونو،
دسعدي ژبی او زبی یا په سو مقایسی
دپیشتو دقلمی نسخو، په پیشتو
ادب کښی دپیشتو بشخی دمو فف
او برخی په باب یو لو ګیور مطا لب
او دپیشتو ژبی په خیرنی با نسی
نظری او پیشتمها دونه وها نسی
شول.

پیشتو اویا بله هره ټبه دولسو نو
دبوهید لو او یو هو لویوازیتی و سیله
ده که ووا یو چه دنی یه سرد ساینس
او تکالوژی دغه ټول خیر اونونکی
پر مختکونه ڈرې دعلمی کولو، ودی،
انکشاف او غنی کولو په بر کمت
را منځ ته شوی دی تو په حقیقت
پیشتو پیژندنی، د پیشتو قا مو سس
المملکی روان سیمینار کی خبری روانی
په ده ټولو ته په عمل کښی دتحقق
خیر نو دینالمللی مرکز بین‌المللی
سیمینار دی چه ددی اوی په سر
کښی دپیشتو تولنی په جو کا ت کی
دیونسکو په مرسته دکابل پو هنتون
په ادیتوریم کښی پر استقل شو او
علمی غونډی پی تراوسه په مرسته
په یولپه اړخیزو اقدا ماتو لاس پوری
شوجه ده ټولو جملی نه یو هم دپیشتو
خیر نو دینالمللی مرکز بین‌المللی
سیمینار دی چه ددی اوی په سر
کښی دپیشتو تولنی په جو کا ت کی
دیونسکو په مرسته دکابل پو هنتون
په شفا هی ادب اویه تیره بیا لنډیو
کښی دپیشتو خیر نو دینالمللی مرکز
په مر بو طو مو ضو عاتو اویه هفو
نورو لارو چارو خیر نه کوی چه
زمونز دملی ژبی پیشتو دودی او
انکشاف اویلی کلتور اویلی ممیزانو
در زیاتی معنی سره مرسته کو نی
لیکلوا علمی مو ضو عاتو، په پیشتو
حکمکه په خیله زبه و لس ته دعلمی او
گتورو کتا بونو برابرول اویه علمی
اساس د ژبی دودی او انکشاف په
لاره کښی ګام اخیستل ټولو ته
موقعور کوي چه خانونه دروا نی
پیپری دخیرانو توکو بر مختکو تو په
حکم دو افعی پر مختبا په لاره سېخ
کړی خوکه ټبه دو افعی ودی خخه
کو بشه ساتله شوی وی هله بیا
عسکرو دتکتیکونو دمقابلي، دپیشتو
رېښی دمنشاء په آرایی ژبی کښی
دپیشتو دمقابلي، دپیشتو ژبی داحسانیوی
لکه چه دپیشتو تولنی یو منبع
خونکه کړیده دپیشتو خیر نو
خر ګنډه کړیده دپیشتو خیر نو

شوروی تبلیغات بروپاگاندی علیه آینده دیانت. سرنوشت معاهده صلح هلسنگی و آینده روابط ذات-البینی این دو مملکت متوط و مربوط به نتیجه معاہده سال است. هرگاه بعد از تعطیل موجوده این مذاکرات ناکام گردد یقین است

تشنج وسیع دائمگیر روابط این دو مملکت خواهد گردید زیرا هم امریکا و هم اتحاد شوروی مجبور خواهند شد مسابقات تسليحاتی شان را شدت بخشد. این خود ایجاب مصارف هنگفت را خواهد نمود.

در حقیقت روابط امریکا و اتحاد شوروی پناه موضوع سال است که این دوراهی زمینه است که یامنچ به صمیمیت بهتر و نزدیکی زیادتر میگردد و با تمام بایه های دیانت که

امیریکا راکت های (کرون) را که از طیارات در حال پرواز فیر میشود و حکم راکت قاره بیما را دارد شامل راکت ها بسازد.

همچنان اتحاد شوروی امریکا را هتمم به شدت رسیرج بیشتر برای اکشاف اسلحه جدید گردانیده. حینیکه مذاکرات سال دوم که به تعقیب ملاقات جراحت فورد رئیس جمهور امریکا و بریزنتیف در ولادی واستک صورت گرفت در جریان بود شیلز نکروزیر دفاع امریکا از اول - فورد اعلام کرد که حاضر است با بریزنتیف برای حل مشكلات

سال دوم ملاقات کند. دوم - کیسنجر دریک مصاحبه مطبوعاتی گفت هرگاه ایجاب کند میتواند برای مذاکرات سال به اتحاد شوروی سفر نماید.

عکس العمل مسکو در مورد این پیشنهادات معلوم نیست. سکوت موجوده نشان میدهد که زعمای اتحاد شوروی این پیشنهادات را با دقت

تام مورد مطالعه قرار داده است آنچه حالا واضح است اینست که یا سال دوم و دیانت وی آغاز مجدد جنگ سرد.

شوروی تبلیغات بروپاگاندی علیه آینده دیانت. سرنوشت معاهده صلح هلسنگی و آینده روابط ذات-البینی این دو مملکت متوط و مربوط به نتیجه معاہده سال است. هرگاه بعد از تعطیل موجوده این

مذاکرات ناکام گردد یقین است

دو مملکت خواهد گردید زیرا هم امریکا و هم اتحاد شوروی مجبور

خواهند شد مسابقات تسليحاتی شان را شدت بخشد. این خود ایجاب مصارف هنگفت را خواهد نمود.

در حقیقت روابط امریکا و اتحاد

شوروی پناه موضوع سال است که این دوراهی زمینه است که یامنچ به صمیمیت بهتر و نزدیکی زیادتر میگردد و با تمام بایه های دیانت که

امیریکا راکت های (کرون) را که از طیارات در حال پرواز فیر میشود و حکم راکت قاره بیما را دارد شامل راکت ها بسازد.

همچنان اتحاد شوروی امریکا را هتمم به شدت رسیرج بیشتر برای اکشاف اسلحه جدید گردانیده. حینیکه مذاکرات سال دوم که به تعقیب ملاقات جراحت فورد رئیس جمهور امریکا و بریزنتیف در ولادی واستک صورت گرفت در جریان بود شیلز نکروزیر دفاع امریکا از اول - فورد اعلام کرد که حاضر است با بریزنتیف برای حل مشكلات

سال دوم ملاقات کند. دوم - کیسنجر دریک مصاحبه مطبوعاتی گفت هرگاه ایجاب کند میتواند برای مذاکرات سال به اتحاد شوروی سفر نماید.

عکس العمل مسکو در مورد این پیشنهادات معلوم نیست. سکوت موجوده نشان میدهد که زعمای اتحاد شوروی این پیشنهادات را با دقت

تام مورد مطالعه قرار داده است آنچه حالا واضح است اینست که یا سال دوم و دیانت وی آغاز مجدد

جنگ سرد.



وقایع معاہدۀ سال

از شفیع «داخل»

تعطیل در مذاکرات سال

تعطیل در مذاکرات سال دوم که دکتور کیسنجر وزیر خارجه هفتاهی خبر آن اعلام گردید یک امریکا اعلام گردید که تا زمانیکه قدم عقب در اکشاف سیاست دیانت اختلاف در مورد سال دوم حل نشود و بهتری روابط بین اتحاد شوروی و امیریکا ببودی در روابط اتحاد امریکا محسوب میگردد.

این تعطیل باعث بروز چند واقعه ایجاد شد این تعطیل تا حال افشاء نشده یقین است مهم گردیده است:

۱- سفر مجوزه لیوند بریزنتیف مذاکرات با چنان اشکالی روبرو شده سرمنشی حزب کمونیست اتحاد که طرفین را مجبور ساخته تا باقی بود شوروی به اصلاح متحده امریکا که عاقب آن آنرا به تعویق بیاندازند.

۲- از وقت تعطیل مذاکرات با این طرف مطلع عات امریکا و اتحاد بگیرد به تعویق اندخته شد.

پامربخوانندگان

با خوشن باید باد کرد که با تزده سال پیش
از امروز نهضت نسوان بنابر ضرورت عصر و
زمان برای سهم گیری فعالانه خواهان افغانی
در انکشاف کشور اساس گذاشتند آرزوی
یکانه از این اقدام آن بود تاهمه خواهان
افغانی همدوش برادران شان در خدمات اجتماعی
سهم بکر ند و در حدود عدالت انسانی و قوانین
اجتماعی از حقوق مدنی خویش برخوردار باشند.
خوبیخانه اکنون می بینم این نهضت به
همکاری زنان متور به موقوفیت دنبال میشود
در حدود امکان ، زنان افغان همدوش برادران
شان در ساختات مختلف انتشارات ملی مشغول
کار و خدمت اند.

خواهان و دختران عزیز!

باید ناگفته گذاشت که افراد در هرچه
باشد نتیجه خوب ندارد تقليد ظاهري و بجاو
تجمل یستدي بعد بالغه که متناسب بسویه
اقتصاد و روحیه انقلاب ملی هائمه باشد تمور
نمیکنم بسیار عقول و یستدیده باشد لذانور
و تعمق داوطلبانه شما خواهان و دختران با
احساس و وطن پرست را در این موضوع که
باید بسیار کوچک و بی اهمیت تلقی شود
جلب میکنم و امیدوارم راه معقولی برای اصلاح
آن جستجو نمائید .

یقین دارم ساحة این همکاری روز بروز
و سعیت می باید وزنان افغان با نجابت و مقام
خاص شان درگردانیدن جرخ اجتماع با مردان
سهم فعالانه می گیرد .
در جامعه ماجون سایر جوامع رو بانکشاف
در بیهلوی سایر موانع موضوع بیسادی وجود
یک سلسله رسم و رواجهاي بینا هنوز در برابر
تشییت حقوق زنان و سهمگیری واقعی شان در
خدمات اجتماعی قرار دارد .
اما محقق طرح یلانهای جامع و تنویری بهم
و وسیع اجتماع ، مشکل ما و جوامع متسابه را در
این زمینه حل خواهد کرد .

دولت جمهوری ارزو دارد بانتوی هم زید طبقه
نسوان از نیروی آنها در ساختمان جامعه نوین
افغانی بیشتر استفاده شود و خدمات آنها در
انکشافات جامعه زیادتر جلب گردد . درین
حال آرزوی های این است که زمینه بیشتر کار
برای زنان پیدا شود زنان از حقوق مدنی خود
برخوردار و عدالت انسانی موفق بازرسیای
ملی و نیاز مندی های اجتماعی بین زن و مرد
تامین گردد .

امروز که عراسم تجلیل از سال بین المللی
زن تحت شعار بزرگ مساوات، انکشاف و صلح
افتتاح میشود صمیمانه ارزو هی بزم همکاری
تمام هموطنان و موسسات بین المللی موقوفیت
هایی در زمینه بیرونی داشتند حال زنان و تشبیه موافق
و تأمین حقوق ایشان سویه های ملی و بین المللی
نصیب گردد و این سال، آغاز خوبی برای سهم
گیری داییه ایها در خدمات اجتماعی رفع عسر
گونه تعییض در برابر زن و برخورد دارشدن
آنها از حقوق انسانی و مدنی باشد .



یک تن از حجاج افغانی هنگام خدا حافظی

دیرین شماره

- | | |
|---|-------------------------------|
| د پشت خبرنو دین المللی مرکز ۰۰ ص ۷ | دسرود زوی لیکته |
| بس های که هر یک ۳ میلیون افغانی ۰۰ ص ۸ | راپور ایگل احمد زها ب نوری |
| حاصل پخته درسال جاری ص ۱۰ | راپور ازهار یم محبو ب افسری |
| گزارش خبر نو یسان جهان ص ۱۲ | ترجمه: میر حسام الدین برو هند |
| جمهوریت لبان ص ۱۴ | ترجمه: عزیز الله کوه گدا |
| هر در لابلای فرنیا ص ۱۶ | تبیع از حامد نوید |
| قتل عام فیلها در کشور رواندای افریقا ص ۲۰ | ترجمه: س، علوی |
| زمن دیگر جهان و تشریع دیگر ۰۰ ص ۲۲ | ترجمه: دکتور جیلانی فو همند |
| طفل و مادر ص ۲۴ | ترجمه: میر جمال الدین فخری |
| تصادف عجیب ص ۳۰ | ترجمه و تکارش ابراهیم سایق |
| فرازیکه نز دیگر به دوسال ۰۰ ص ۳۲ | ترجمه: رهپو |
| شبه موسیقی راک در پس کوچه ها ص ۵۲ | |
| دزوند یمه ص ۵۴ | دمنت بار زباره |
| زبان آریایی ص ۶۲ | نویسنده: فاروق نیلاب رحیمی |
| شرح عکس روی چلد: بروین هوسا هنرمند تیاتر که اخیراً با بازی در درام رشته ای نقره بی خوب درخشید . | |





دېپېستو خېر نو دېين املللى مرکز بین املللى سیمینار دعلمى غونئیو یوه منظره

سروز ڏوی

د پشتو خیرو نو د بین المللی مورگز
بین المللی سیدمینار پروانسیل شہ

په دی سیمه مینار کېنى د پېشەودو دی او انکشاپ په عەملى لار و خير نه كېرى

پیشتو یولنی تر او سه پوری خلور بین المللی سیمینارو نه جوب کری دی

دېپېستو دودي او انکشاف دېا وړه دېپېستو ټولنې له خوا یو شپږ ګلن پلان برابر شویدی چه دیونسکو په مالی او تخنیکي هر سته عملی کړوي

کاپل خینو او سیدو نکو کور دیدیلو
ماتیکو او یو زیات شمیر نوزیر
علا قه لرونکو برخه اخیستی ده
دبرانستلو په غو نیوه کبیسی دزیری
جریده چه په خاصه او فوق العاده
تو گه په اتو مخونو کبیسی خپره شوی
وهود پشتو زېبی او ادب په باب بی د
بیزې یو په او بزدو کبیسی کھور او په
زېه پوری مطا لب لول دبرو ګرامد
بانو سره یو خای په ګډون کوونکو

له دی وروسته دیبو هنی وزیر
دیمینیار دکورنیو او باندیبو گورن
کوونکو پو هانو په ملګر تیا دکا بل
پو هنتون کتا بتون تهلاپ او هلتنه
پی دخیرونکو، محققینو، متبوعینو او
محصلانو داستفا دی دیاره دېښتو
پی دکتابونو برخه پرانسله اود

انگلیسی متن بی دنطاق له خوا
وراندی شو ورپسی دېښتو تو لئی
رئیس خیبرنوال محمد صدیق روھی
دانغانی پوهانو به نمایند گی به
ېښتو او انگلیسی رېبو اونارو یېرى یو
ېرو فیسر گیورگ مور گسترن د
دوستو هیوادو د پوهانو به وکالت
به ېښتو ټبه او دغه راز داکتر معظم
حسین دیوتسکو په نما یند گی به
انگلیسی رېبه ویناوی وکړي اړهیا
انګلیسی کېږي

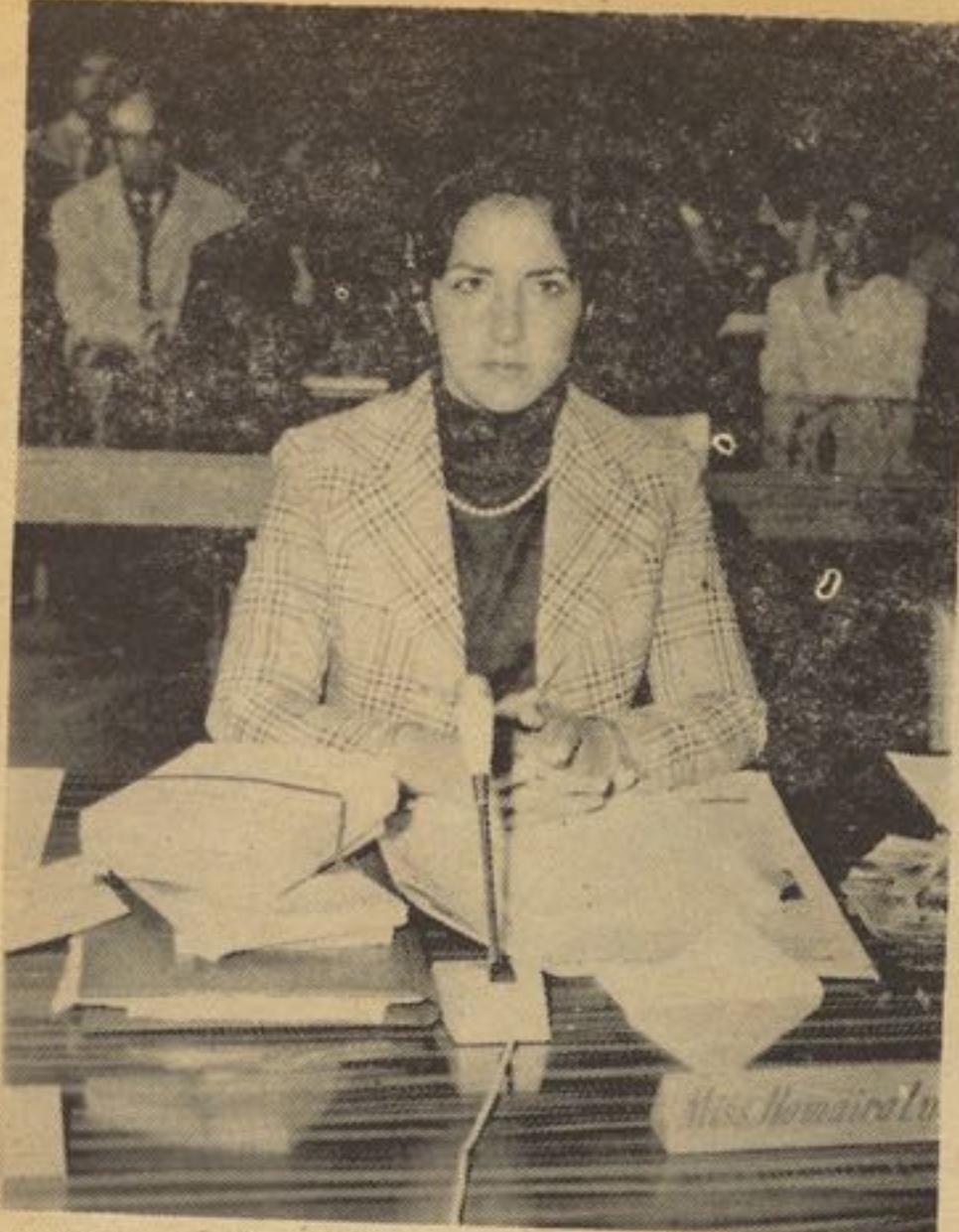
بی حر تندی نزی چند سیمینار
 نتیجی دپنستو رئی په پراختیا اود
 نزی ددغی سیمی دکلتور یه رو بنانه
 کیدو کتبی گیوری ثابتی شی.
 دسیمینار دپرائستل کیدو په
 غونه کتبی دکا بینی یو شمیر غر یو
 یو شمیر عسکری او ملکی عا لی رتبه
 هامورد یو هانو او عالما تو او یه

متن یی بیناغلی اشرف غنی ولوست
ددولت بیناغلی رئیس او صد را عظم
به خیل پیغام کنی ویلی دی:
....پنستو ژبه دفغا نستان د-
غرونو په لمنو کنی پیدا شوی اود
پیر یو په اوردو کنی روژل شویده
اوله دی امله پیره مناسبه ده چه
بونسکو افغانستان دپنستو دعلمی او
ادبی خیرنو دهر گز په حیث پیزندلی
دی، لکه خرنگه چه افغانستان ددری

زبی او ادب نوهرنی دالکو ده، دپښتو
دملی زبی اودهغی دادب په پا لنه
کښی یې دپښتو په ترڅ کښی زیار
ایستلی اود زړه له کومی هیله فرو
چه په نننی علمی نړی کښی دیونسکو
به مرسته دی خدافت تهدواام ورگړی.^۰
وروسته دپوهنی وزیر پو هاند
ښدالقیوم خلله ونا واوروله ځاه

دېپېستو خېړنې دېښېنار چه مقد مات يې
بین المللی سېمینار چه مقد مات يې
۱۳۵۲د کال دچنګا يې میا شت
کېښی دیونسکو لهخوا دباریس په
تر تېب شوی غور نويه کېښی برایسر
شوی و ۱۳۵۴د کال دلیندی دمیاشتني
يې لوړۍ نیټه دکابل پو هنټون په
ادیتوریم کېښی دیوی هفتی دباره د
جمهوریت د مؤسیس ددولت درئیس او
صدراعظم بناغلی محمد داود په

بیغام سرہ پڑا سمتل سو،
دغونوی بہ سر کی دقرآن عظیم۔
الشان خو مبارک آیتونه و لوستل
شول اوملی سرود و غنول شوله دی
وروسته دپوهنی وزیر پو هاند
عبدالقیوم ددولت دیناغلی رئیس او
صدراعظم عھہ بیغام چہ په دی مناسبت
قادار شوی و لوست چه انگلیسی



محترمہ حمیرا چہد پینستو خیر نو دینیں المللی مرکز پہ بین المللی
سیمینار کتبی غریب یوب لری

پینستو ادبیاتو کتبی دشغا هی لیکنی به دی سیمینار کتبی محترمی دوکتورس بدر الزمان قریب دایران دبرخی پینستو زبی په خیر نی باندی دنظریاتو، پینستو دللمی نسخو، په خخه بروفسر مکنزی دانگلستان پینستو ادبیاتو کتبی دشتناکی دنخه دوکتور شارل کیفر دفرانسی دمو قف او برخی، نازو انسا او دنمارک خخه بروفسرمار گنی سترن په بیلو بیلو ارخو تو ریا واجوله او په دی دیکتو ارخه کتبی په خمل پیشنپ دونه او زبی پارسو دمغا یسی په دادی او تلری خرگندی کری پاتی په ۲۸ هنگ کی

سیمینار گذون کوونکو هغه و کتلہ دهمدی ورخی له غرمی نه وروسته دیمینار گذون کوونکو افغا نی راپورریه بوکه و تاکل شول اود یوهاند مجروح، برو فیسر رامرا هشول دنمورس بدالزمان قریب دکتور روان فرعادی، یوهاند میر حسین شاد، سیری و کری.

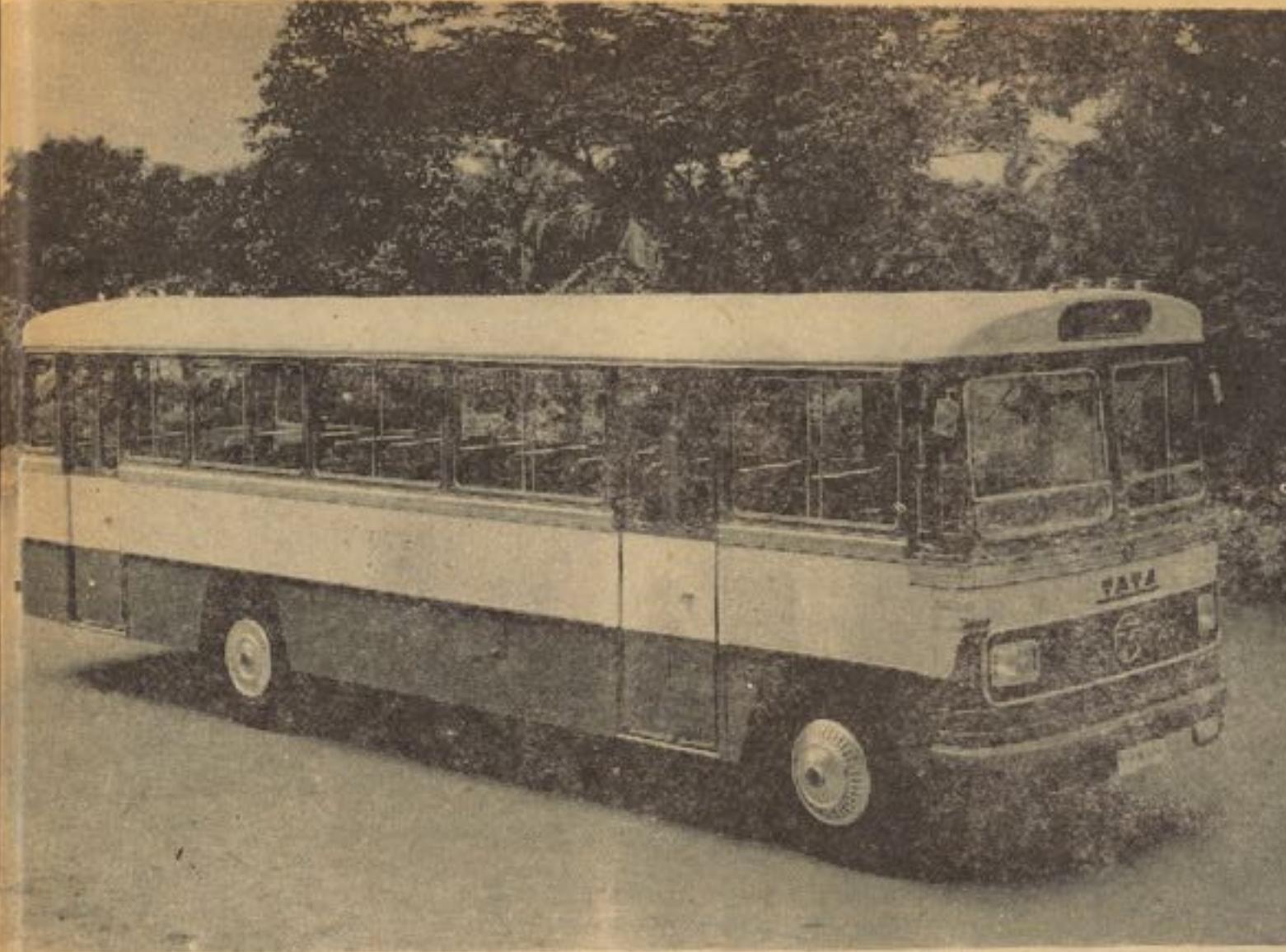
سیمینار اساسی غونه دیکتبی په ورخ دلیندی دمیاشتی په دوھمه پیبه دسمینار په نہو بجو دکابسل پوھنتون په کتا پتون کتبی پیل

سوی. داومری غونه دیکتبی چه په کتبی جه ددوشتبی، سهشنی اوچار شنبی په ورخو و شوی یوشمیر افغانی او دباندیو دوستو بروفسر مور کسترن په غاره در وده بروفسر کیورت مور گنسترن ن ۱۸۹۲ کال دجنوری په دریا نیمه چیا لنډیو کتبی دېنخو دبرخی په لنډیو کتبی دینستی میر منی دیوی حاصی خیری، په پینتو لنډیو کتبی دېنستون داجتماعی زوند دانعکاس، دانکریز او افغان په لوړی جکړه کتبی د پینستو او بر تانوی عسکر و دنکتیکو تو دعقا بلی، پینستو زبی دهنشا، په آزیابی زبیو کتبی دېنستو د مقام د پینستو زبی دیکتبی دېنستو د مصباحی تو په غونه کتبی دېنستون کتبی دېنستونی زوند او عزیز دخیر نی په باب دسرالف کارو د نظر یانو دلنډ تحلیل، د چه د پینستو دکلتور دخیر نی، دېنستونی دزینبو دلمونی، دېنستو دفر هنکی او زبی دیکتبی دېنستونی دخیلوا نو زبود خیر نی دیونظر، دېنستو دخیلوا نو زبود خیر نی دعلمی پینستونالی، درېب په هنی د اطلس په اساس دېنستو دلمجسو دویشن، دېنستو دکردو دونو، دسعدی زبی او زبی پارسو دمغا یسی په دیکتبی دېنستونه دخیلی مقاله ولو ستله او دخیلی مقالی په ترڅ کتبی نی د پینستو زبی دودی او انکشاف په باب یولې پیشنهادونه وړاندی کړل.

وریسی پو هاند عبد الحی حبیبی د پینستو زبی او ادب هو قف دمر گزی ایشیا دخلکو په تمد نونو کتبی او بشاغلی عبدالجلیل وجدی «دېنستو د نعمیم او انکشاف ارتقای سیر» تر عنوان لاندی خپلی مقالی ولو ستله دغرمی نه وروسته غونه دیوھاند حبیبی په مشري وشه او پو هاند صدیق الله ربیتین د «پینستو پیزندنه» او دکتور روان فر هادی «دېنستو قاموس لیکلوا علمی مو ضو عات» تر عنوان لاندی خپلی مقالی وړاندی کری وریسی دېنستو پولنی هرستیما ل خیر ندوی عبدالله خدمتکار په پینستو ادب کتبی د تاریخی پینستو انعکاس تو می او بشاغلی قیام الدین خادم د علمی پینستو نوالی فومی مقاله ولو ستله وروسته بیاد دکتورس زرغونی دېنستو زبی د ګرامر تاریخچه بیان کړه د سیمینار په لوړی علمی غونه کتبی پوهاند دکتور سید بیه او البدین د



دیمینار گذون کوونکی په مربوطو موضوعاتو باندی دخیر نی په حال کتبی
(مقیم) عکاسی



در لین های مختلف شهر کابل این

- ایستگاه های دور دست کابل، با همین بس های سریع، بهم از تبادل داده نی شوند.
- تو رید سا مان بس های برقی، نایکهاد دیگر آغاز میشود.

+++++

بس های مد رنی که در آن ها
همه و سایل ضروری تعبیه شده،
برای سفر های دور دست، عنقریب
در افغانستان بکار می افتد، درین
بس ها کولر، یخچال، تشناب های
عصری و سایر لوازم سفر های
طلولانی مد نظر گرفته شده است.

از زیش هریک ازین بس ها بیش
از سه میلیون افغانی است، که توسط
کمپنی ایران ناسیو نال ساخته
می شود.

آنچه در طی سالها ای اخیر،
تصویرت عموم در افغانستان

از گل احمد زهاب نو رو

بس های که هر یک ۳ میلیون افغانی

سر ماشه و تعداد عرده جات این
مشکلاتی بو جود آورده است: مژده میگوید:
- در آغاز ناسیس هم میشه
سر ماشه ابتدایی آن در حدود پنجصد
هزار افغانی بیش بینی شده بود،
ولی همین اکنون سر ماشه ما به
یکهزار هزار افغانی افزایش
و تا اطمینان برو گرام های ایجاد شده
تصدی علی بس، سر ماشه آن به
یکهزار پنجصد هزار افغانی
متوجه خواهد شد.

در مرحله نخست یکصد و هفتاد
و سه عرده سرویس از کمپنی تاتا
هنند و دو صد هزار عرده بنز از
کمپنی ایران ناسیو نال، در چوکات
ملی بس فعالیت خواهند نمود. علاوه
بر آن هشتاد و شش بس بر قی
تصویرت دورانی، در جاده های عمومی
شهر نیز توسط این همین سیمه
بکار آمد.

قرارداد تو رید بس های برقی
با چکو سدوا کیا به امضاء رئیس
و تو رید سا مان آلات آن تایکماه
دیگر آغاز می شود.

مرکز شبکه بس های بر قی در
رئیس تصدی ملی بس در مورد ساحة ۲۵

جایی که برای نسیپور تی، برای خدمت
شبکه دورانی بس برقی و فرا هم
که از دحام، عادم برو گرام منظم،
رویه نگران ها و مو جودیت مو تر
های کمپنی، همیشه برای شهریان
کابل، گرفتاری ها و سر گردانی
های را بوجود می آورد.

دکتور عبدالباباقی سمند روی
این منظور تورید بس های شهری
از کمپنی تاتای هند تا همین اکنون
ادامه دارد و قرار است تا مینی
بس ها و سرویس های بنز ۳۰۲ از
این نیز وارد شود.

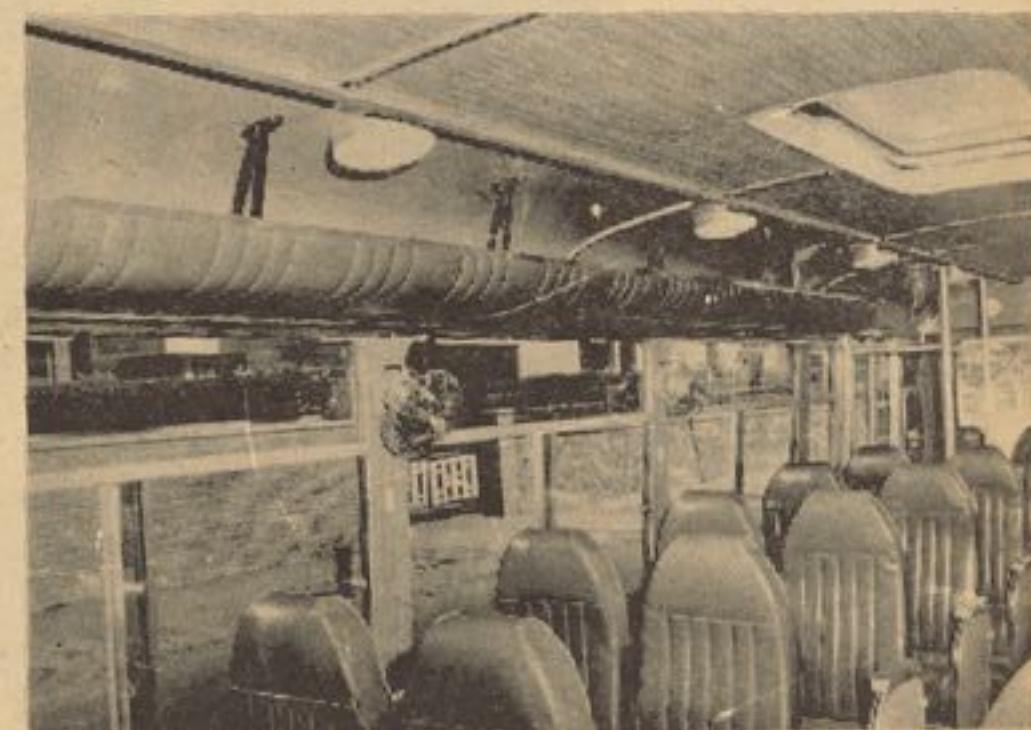
دکتور سمندروی می افزاید:

- مرحله دوم بلان تصدی ملی
بس را، بکار اندختن سرویس های
ولايتی تشکیل میدهد و در اخیر
نیز فراهم آوری زمینه سفر به کشور
های خارج تو سط بس های مد رن
ملی بس است.

وی علاوه میکند:

- قرار است تا ختم امسال بس
هایی که برای سفر های دور دست
خریداری شده، از ایران به افغانستان
بررسد.

رئیس تصدی ملی بس در مورد ساحة ۲۵



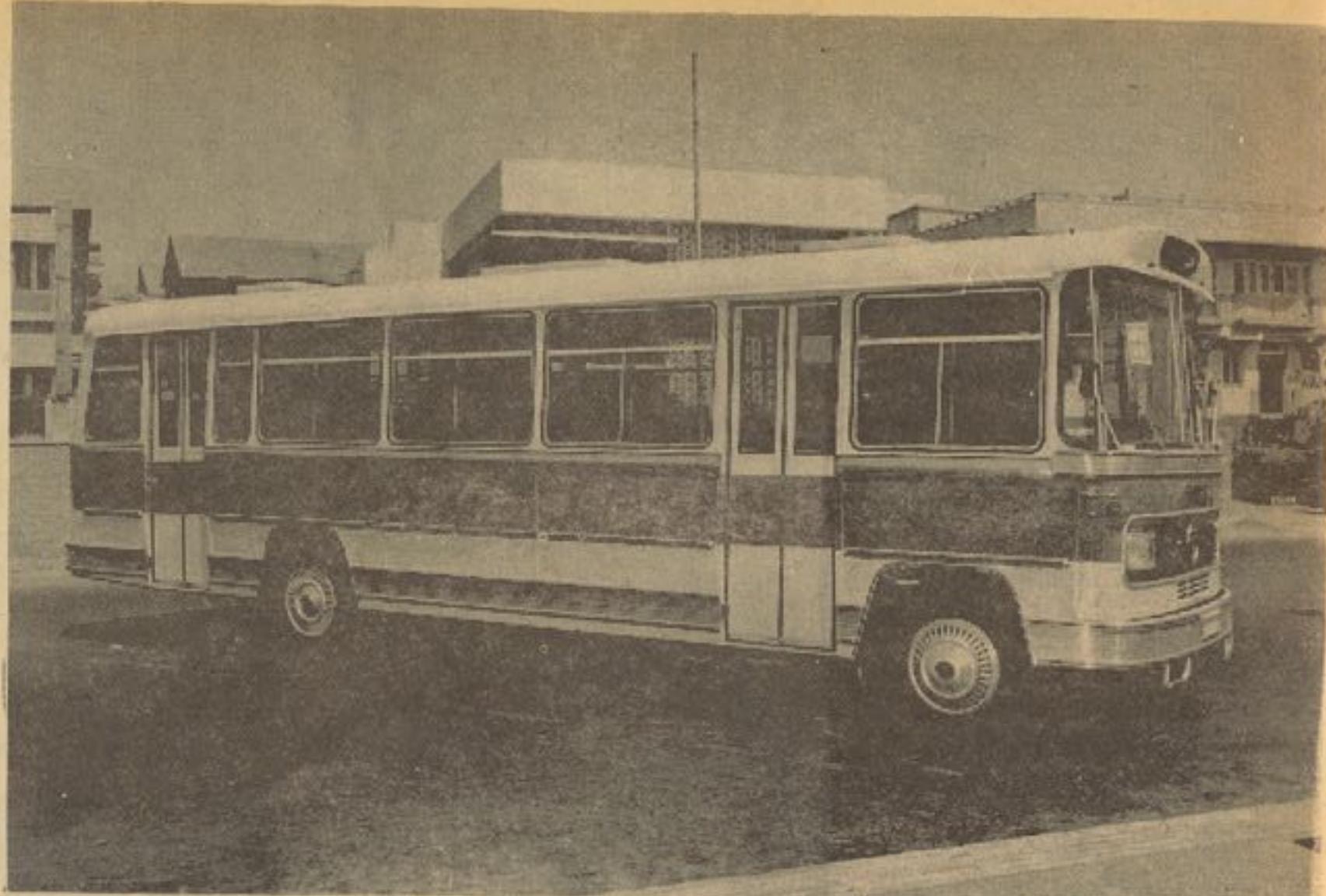
نمای داخلی بس های لینی

البته به این ترتیب معضله تو زیع
تکت در داخل سر ویس ها رفع
شده و تسهیلات دیگری برای
شهریان فراهم می شود.

برو گرام بس های تصدی ملی
بس و باس برای متعلمان و محصلان،
مو ضموم دیگری بود، که با دکتور
سمندری مطرح نمودم. وی در پیاره
گفت:

- در برو گرام حرکت بس های
این مؤسسه سعی شده، تا را کمین
به سرعت ممکنه انتقال داده شوند،
علاوه بر آن مفتشین سیار مان
بمجرد یکی در یکی از لین ها اندکی
از دحام را مشاهده کنند، تیلفو نی
به مرکز اطلاع میدهند و بس های
فوق العاده، در آن لین همراه با بس
های داخل برو گرام به فعالیت می
پردازند.

در مورد شاگردان معاشر
امسال برو گرامی داشتم تا پاس
توزیع کنم. این پاس ها برای
شاگردان صنف اول تا صنف سوم
دوازده افغانی قیمت داشت و بدین

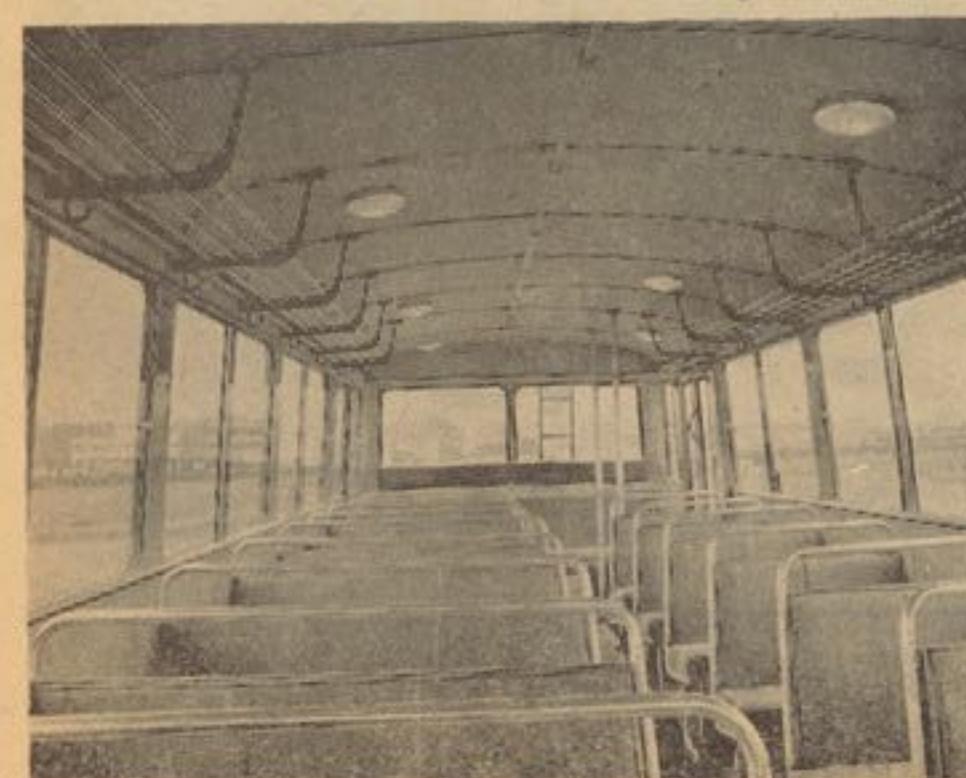


ل این
بس ها مصروف فعالیت اند

اردشدار ند، عنقریب بکار می افتد

ترنیب به شاگرد هم تلقین حسن
شخصیت می شد وهم تسهیلات
لازم فراهم میگردید. برای متعلمان
ینچه فیض و برای محصلان پوهنتون
با توقف سر ویس ها ما موریس
موزلف در قسمت در واژه های
سر ویس تکت را کمین را باطل ساخته
بود.

البته تسبیت بعضی معاذیری
امسال برو گرام تو زیع پاس بکلی
به کنترول تکت ها می پردازند.
بقیه در صفحه ۴۸



داخل بس های شهری

در ایستگاه های سر ویس گذاشته
می شود و تکت فروشان، از داخل
این غرفه ها، تکت را توزیع میکنند.

بنده ایستگاه های سر ویس ها ما موریس
موزلف در لین های میدان هوا بی
و میر ویس میدان نیز بکار اند اخته
شده است.

وی میگوید:

- پاورود هر چه عراده مینی بس
در نظر داریم تا نقاط دور کا بل را،
یکی بدیگر توسط بس های کوچک
بنز ارتباط مستقیم بدھیم، طور یکه
مینی بس ها مثلًا فاصله خیر خانه
و شهر را، یا فاصله سید نور محمد
شاه مینه و شهر را، بصورت مستقیم
بدون توقف مر تبط ساخته، به انتقال
را کمین که مستقیماً به این مناطق
می روند، پردازد.

وقتی پر سش دیگر م رابار نیس
تصدی ملی بس، در بازار سیستم
توزیع تکت مطرح میکنم، میگوید:

- اخیراً با صنایع محبس
ولايت کابل، قراردادی در مور د
ساختن ینچه و شش پایه غرفه های
چوبی عقد نمودیم. این غرفه ها که
هر کدام گنجایش سه نفر را دارند،

خان مینه استملاک شده وقرار است
تادیبو و سایر ملحقات آن در جریان
امسال اعمار گردد.

دکتور سمندری در برابر سیشی
بیرا مون بس های بر قی می افزاید:

- شبکه این بس ها، بصورت
حلقی بوده و خطوط اصلی آن از
میر ویس میدان، کار ته چهار، جاده

میوند، نادرشاه مینه و با قطع جاده
۲۶ سر طان به امتداد مسجد شیرپور

انصاری وات، کار ته پران و دوباره
به مرکز در خوشحال خان مینه

مد نظر گرفته شده است. همچنان
دو خط فرعی از سینمای یا میر

بسیوی شاه دو شمشیره (ع) تا
آسمایی وات و دیگری از طریق
سالنگ وات تا سرای شمالی تمدید

می شود، که به این ترتیب تمام
حوزه شهر تو سط بس های بر قی
بیوم از تباطط پیدا میکند.

وی در مورد لین های که فعلاً
به انحصر تصدی ملی بس در آمده،
میگوید:

در لین های قلعه فتح الله،
بوهنتون، نادرشاه مینه و دارالامان

افغا نستان کشور یست زراعتی
از این رو سعی برآنست که فیضهای
نیاز مندی های مادی و اسعاری خود
را از طریق صدور حاصلات و تولیدات
زراعتی تأمین نماید لهذاز آن جاییکه
نقش سکتور پخته در رشد اقتصاد
ملی و بلند بردن تو لیدات صادراتی
کشور رول ارزنه واسنا سی را دارد
دولت جمهوری باطرح و تطبیق بلان
های مقید و تصریخ خوش بین داشته
بذر پخته را در مملکت بسط و توسعه
داده است که حاصل یکصد و هشتاد
هزار تن پخته و بهره گیری از اراضی
بذری در جریان سال جاری خود
نمایانگرایی کو شش و تلاش است
همچنان برای تسهیلات بیشتر
زارعین واستفاده بهتر از زمین عای
ارضی دراین اوخردو لت برای دادن
کریدت به مؤسسات پخته کار قدام
نمود یک منبع وزارت معادن و صنایع
دراین هم میگوید: منظور کریدت
دادن دو لت برای مؤسسات
و هدف نهایی آن فراهم
آوری تسهیلات مالی برای
خریداری پخته و فراموش آوردن تسهیلات
وزمینه بیشتر برای دهائقین و موئی
سیاست جن و پرس بوده تا حاصلات
پخته زارعین بوقت و زمان معینه آن
خریداری ودها قین دچار مشکلات
نشوند.

همچنان کریدت که از طرف دولت
منظور شده برای مؤسسات پخته
کار برداخته میشود تا مؤسسات
مذکور به منظور خریدا ری پخته از
زارعین از آن استفاده نمایند که دراین
صورت از پخته عای محلوج که
متعباً قبا از پخته دانه دار بدمست می
آید یک مقدار زیاد احتیاجات نساجی
های کشور من نوع گردیده و مازاد
آن به خارج صادر میگردد.

منبع افزود:

در نظر است که در سال ۱۳۵۴
مقدار «۵۱۵۰۰» تن پخته محلوج
قرار بیشینی گردیده به حوزه های
بار تر و آزاد صادر گردد.

منبع ادامه داد:

یک مقدار قلیل پخته طبی از-
طریق وزارت صحیه جهت ضرورت
شفاخانه های مربوط وارد و طرف
استفاده آن قرار می گیرد ولی برای



سعی برآنست تا فیضی نیازمندی های مادی از طریق صدور مواد زراعتی تأمین گردد.

گزا دش: م، محبوب

حاصل پخته در سال جاری یکصد و هشتاد هزار تن است

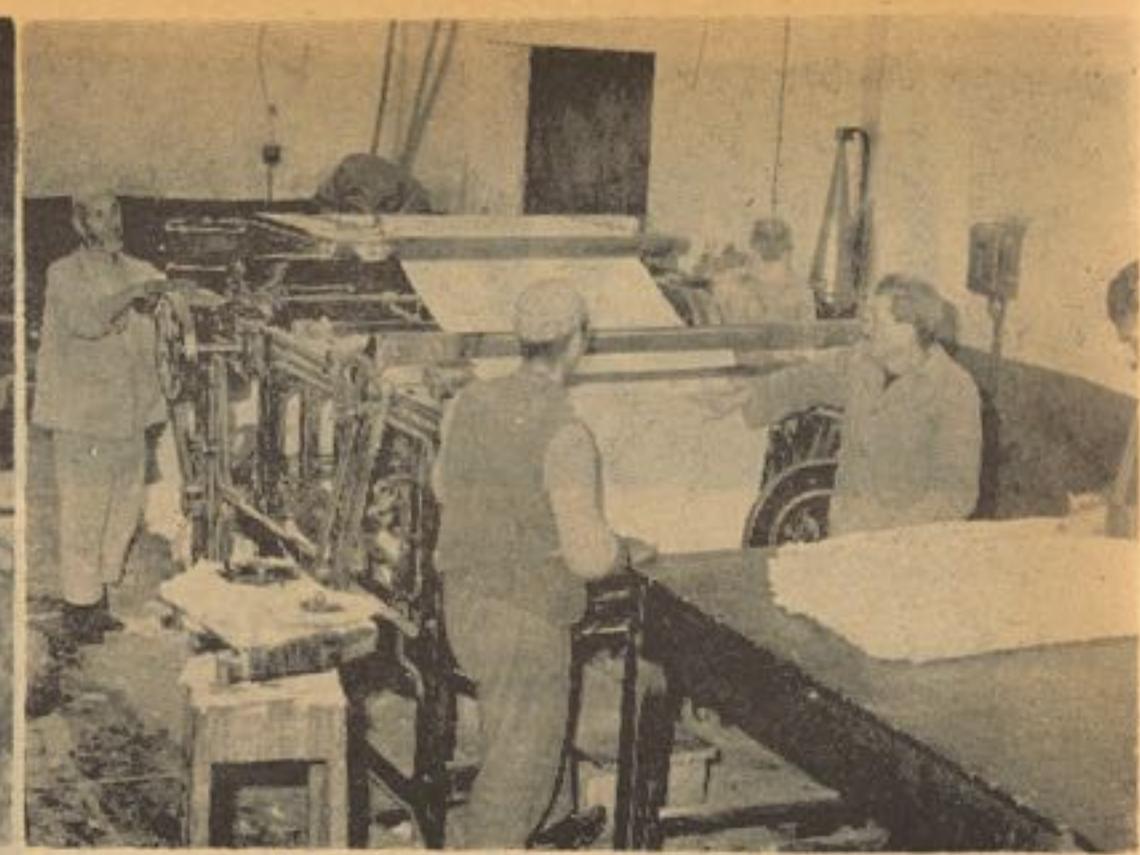
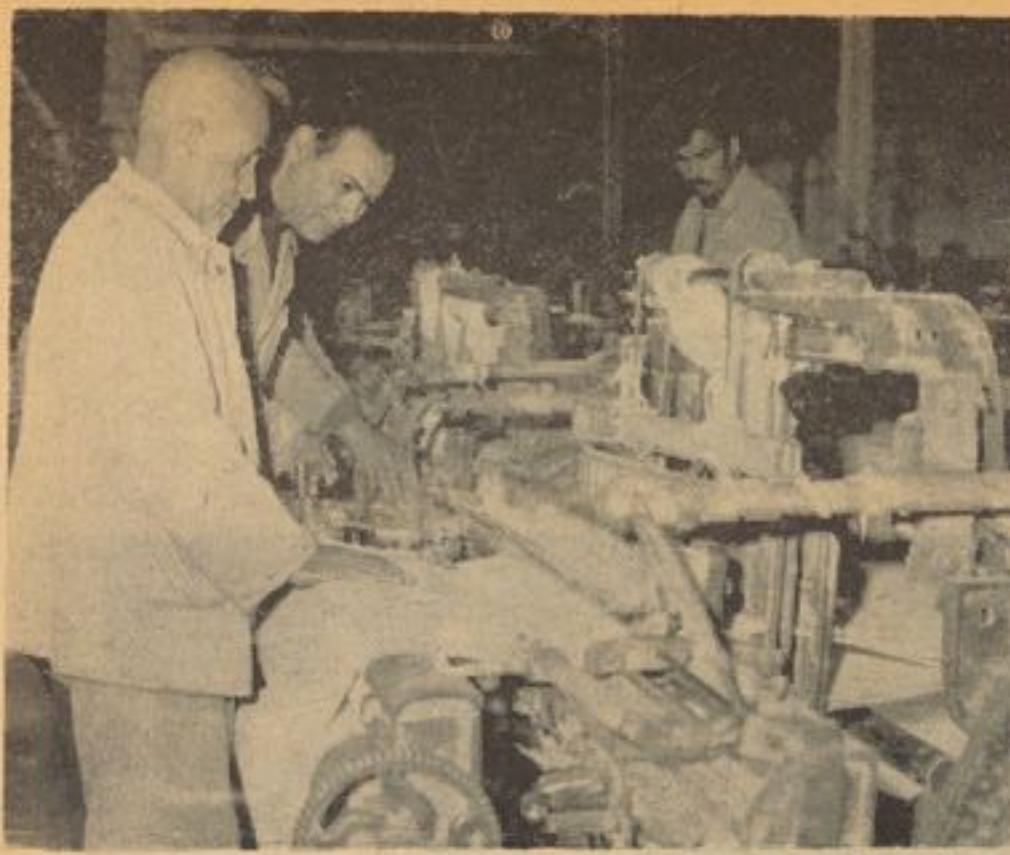
افزایش حاصلات پخته نه تنها باعث رفع نیاز مندی های مردم است بلکه عواید اسعاری چشم گیری را در قبال دارد.

پخته از خارج احسا س نمیشود.

منظور کریدت دو لت برای مؤسسات پخته کار فراهم آوری تسهیلات بیشتر برای دهای قیمت

می باشد

صفحه ۱۰



گوشه‌ای از فابریکه سپین زر که از پخته حاصله برای تو لید پارچه جات استفاده می‌کند.

قبال دارد زمینه تولیدات منسو جات رفته کریدت در سال گذشته و فابریکات داخلی را بیش از پیش میباشد. افزایش یافته است. ازدیاد حاصل پخته در پهلوی رانیز به پیمانه وسیع تری نقویت افزایش حاصلات پخته روی هم اینکه عواید اسعاری چشم گیری رادر می‌بخشد.

صنایع در پاسخ سوالی گفت: شرکت های پخته محلوج در نساجی های سالانه پخته محلوج در نساجی های فصل پخته همه ساله از دولت کریدت دریافت می نمودند ولی بالآخر ازدیاد حاصل پخته در پهلوی اینکه عواید اسعاری چشم گیری رادر می‌بخشد.

وصنایع در پاسخ سوا لیکه مصرف سالانه پخته محلوج در نساجی های داخلی چقدر است چنین گفت:

استفاده از پخته محلوج در فاابریکات نساجی های کشور در حدود «۱۰-۸» هزار تن تخمین گردیده است. که امید است در دوران سال جاری و سال های بعد با پیرامون کیری بیشتر از زمینه های بذری و بلند رفته حاصلات پخته مقدار این استفاده به پیمانه ای وسیع تری صورت گیرد. منبع در مورد قیمت و نرخ پخته گفت:

در این اواخر نرخ پخته برای خریدار از طرف دولت افزایش یافته که این موضوع گسترش و توسعه زرع پخته رادر کشور بار آورده و علاوه بر رفع احتیاجات نساجی های داخلی یک مقدار زیاد پخته محلوج سالانه به خارج صادر می گردد. همچنان منبع افزود:

باروی کارآمد رژیم جمهوریت در کشور چهار شرکت پخته و لایت بلخ که قبل اینکه صنعتی مزار، سخن لمیند، صناعتی با خطر و امین لمیند مسما بودند بشکل صدی دولت تشکیل و به اسم تصدی جن و پرس ولایت بلخ نامگذاری گردیده که مستقیماً تحت اثر دولت تعالیت می نماید.

منبع ادامه داد:

نهاده و سیاست متباقی پخته گره و طایف جن و پرس پخته را به عهدہ درند عبارت انداز سپین زر شرکت جن و پرس ولایت بلخ، مو سسه بنده و روغن نباتی هلمند، و شرکت پخته هرات می باشد.

مدیریت اقتصادی وزارت معدن و



ازدیاد حاصل پخته در زمینه تولید بیشتر منسو جات نقش فعالی را بازی می‌کند.

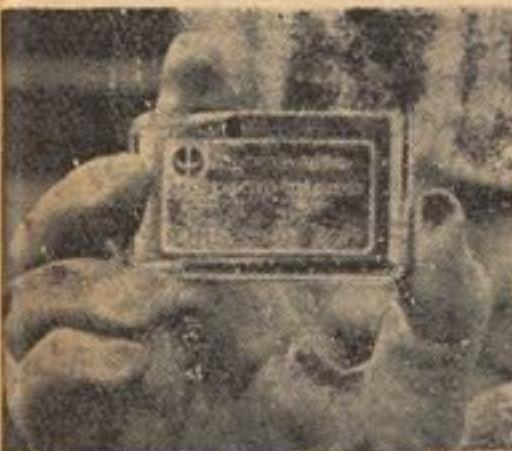
گذاشتن خبر نویسان

طفلیکه قلبش باطری کار نمیکند

فون محر که قلب چیزی جز یک باطنی

کوچک گذر بغل چپ طفل نصب نموده نمیباشد. بقول خبر نویسان این نوع عملیات واین طرز فعال ساختن قلب بغرنج ترین موفق ترین و متمکملترین نوع عملیا تیست که بالای اطفال مصاب به تکلیف قلب صورت گرفته این باطری هفتاه یکیاربوسیله جانیس و بلکر زون مادر طفل بدون آنکه آنرا از داخل جسم طفل

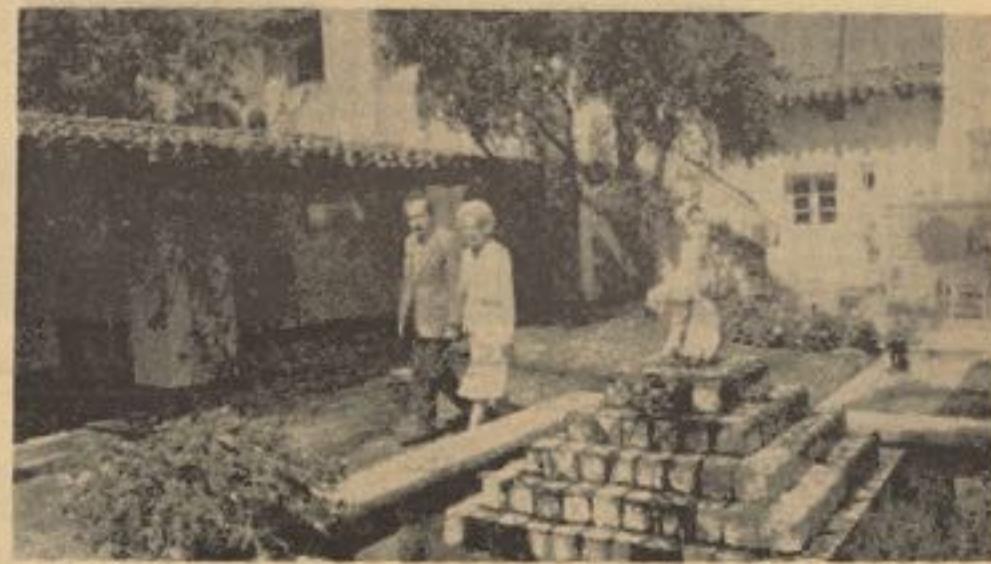
وقتی جانیس ویکر زون در جاسکون و پلی واقع فلوریدا طفل سو مش را بد نیا آ و رد طفلش مانند همه نوزادان دیگر و فسح عادی داشت اما بکساعت بعداز تو لد این طفل بیشتر حالت مرگرا داشت تازنده گی بلا تامل دکتوران بسروفتش رسیدند و تکلیف او را مرض قلبی تشخیص گردند قلب این نوزاد قادر دستگاه یعنی گننه بود و خون نمیتوانست در شریان ها جریان پیدا کند، عملیات دکتوران ۲۴ ساعت رادر بر گرفت و این عملیات باعث گردید که طفل برای یکسال زنده نماید بتواند بعداز یکسال دکتوران عملیه دیگر جراحی قلب را با لای طفل مذکور انجام داده و وظیفه تقسیم گردن خون را در شریان های بوسیله یک فون محر که تنظیم نمودند



مادر طفل باطری قلب بوسیله راچارج میکند.

برون آرد چارج مرسود و گرفتنی آن برای ده سال می باشد با آنهم تحقیقات دامنه داری در قسمت بیرونی صحت این طفل که تا کنون سوینین بهار عمرش را گذشتانده ادامه دارد، این پرسه ساله (اسکوت) و بلکروزن نام داشته و برای فعلاً صحش خوب است.

صرفی در تالیش صورت یکنید زیرا این کتاب در واقع اسرار نکسن را تواند فانس سازد و کجا معلوم که نکسن در طرح پلانس گردیده اخیراً بدست دختر آیزنهاور افسیده و وی در مورد این کتاب نظر بخصوص دارد نهاید.



نکسن وزنش در حال قدم زدن



ریچارد نکسن در اتفاق کارش مصروف طرح

یک پلان جدیدی باشد.

ریچارد نکسن در قلاش طرح سیاست

جدید است

در جریان هفته های اخیر عکسها ریچارد نکسن رئیس جمهور سابق امریکا در بازار های امریکا بعدی نایاب شده بود که یک عکاس اخبار (زون پست) کلیفورنیا برای تهیه گلیشه بی مجبور شد یکروز و قشن را صرف نموده و یک هزار مدرن و حساس عکاسی اس (تبلیوو بیکنف) فو تویی از ریچارد نکسن که در مقرش سانسلیمیت اقامت داشت بردارد. قرار اطلاعات واصله درین روز ها ریچارد نکسن وزنش بگشت و گذار های خوبش شکل (رسمی و تشریفاتی) داده اند علاوه از در برخورد ها یشان روش دیگری ایجاد گرداند بقول خبر نویسان نکسن اخیراً می خواهد عیناً همان رو حیه را که در زمان سلطه و اقتدارش در امریکا داشت اکنون هم داشته باشد و معلوم می شود که تشن اقتدار است. نکسن که بادخراج شش میلیون مارک تلویں از جند که نکسن بظاهر راضی بمنظمه آید هر در اصل امر جنین نیست زیرا در آخرین عکسها بی گذیس از از داشت دادن اقتدارش



از زندگانی جوان

بیوی و شر، را ور شکست سازد بیمهن
دور زندگانی برای خارجی ها بحسابی آیا
ملحوظ صرف نظر از علاوه که بامارینا
شیران دارد، ماه عسل را که شمرین ترین

استاد قهرمان شطرونچ جهان، ماهی سل را نادیده گرفت

هدیه یک جنرال افرویقایی به سفیر آمریکا



مارینا ازدواج کند، اما گنفر انس منع شده
هنست کی که در آن نهایتندگان بیسمازی از همکار
دیگر حضور بیهم رسانیده بودند این وصلت
را به عنوان قرع قرار دادند بعد از آنکه اسپاسکی
پایان بدمین زودی ها ازدواج کند و احیاناً
اگر ازدواج هم میکند بعضی از هارینا که تبعه
درگیر است، پسند چه در هر دو صورت
این وصلت قهرمان جوانی را در گمنامی خواهد
گذاشت، ادامه لفت ها جایی را تکریت و
هراسم عقد نکاح اسپاسکی ۳۸ ساله
استاد قهرمانان شطرونچ جهان بامارینا اشر
با شف در سالون نکاح مسکوبیدون تشریفات
آنهم در غارف در دیفیقه انجام ندارد.

- اسپاسکی این مرد قهرمان و مهربانی
طریق دوستان در اثنای عقد نکاح بالباس
خصوص شطرونچ انس را بدن داشت و میگفت
که توجه هارینا را با تمام وجود من خواهم



(اسپاسکی) چال میسنجد

از جندین سال بدین طرف (بوریس
اسپاسکی) مرد مبتکر، شناخته شده و قهرمان
گردید. استاد فیلمان شطرونچ را که ایام گردید
عائق دختری بود بنام (ماریا تشرباتشف)
ورو زلماش دارد تاباطرح معماه مشکل
درانسوی، که دو سفارت فرانسه در رویه کار
شطرونچ، شطرونچ باز مشبود امریکا ایسی
گردید. بالاخره اسپاسکی مصمم شد با

زن نیک اندیش در میان افریقا یعنی ها
هدیه یک جنرال افرویقایی به سفیر امریکا را بطور غیر مستقیم ریشه کن ساخت که یک
سپرتویی تیپی بلک که از طفو لیت ناسال جنرال نظامی افرویقا خبر گرفته باید را بدو
داده و گفت: این هدیه ایست برای تو! ۱۹۶۹، منحیت نمونه بارز یک طفل چیزی بهم
این خبر برندۀ تبعیقات و هرج و هرج شای
ورک دیبلومات کوچک در جامعه امریکا موافق
نژاد است واکنون برای کسی هدیه میشوند که
دانست سر انجام از طرف دولت امریکا در افریقا
سفیر تعیین گردید، در آنجا بعدی از خود
سرافت و تیافت نشان داد و تبعیقات نزدی

نطاقه که همیشه خود را (۲۳) ساله

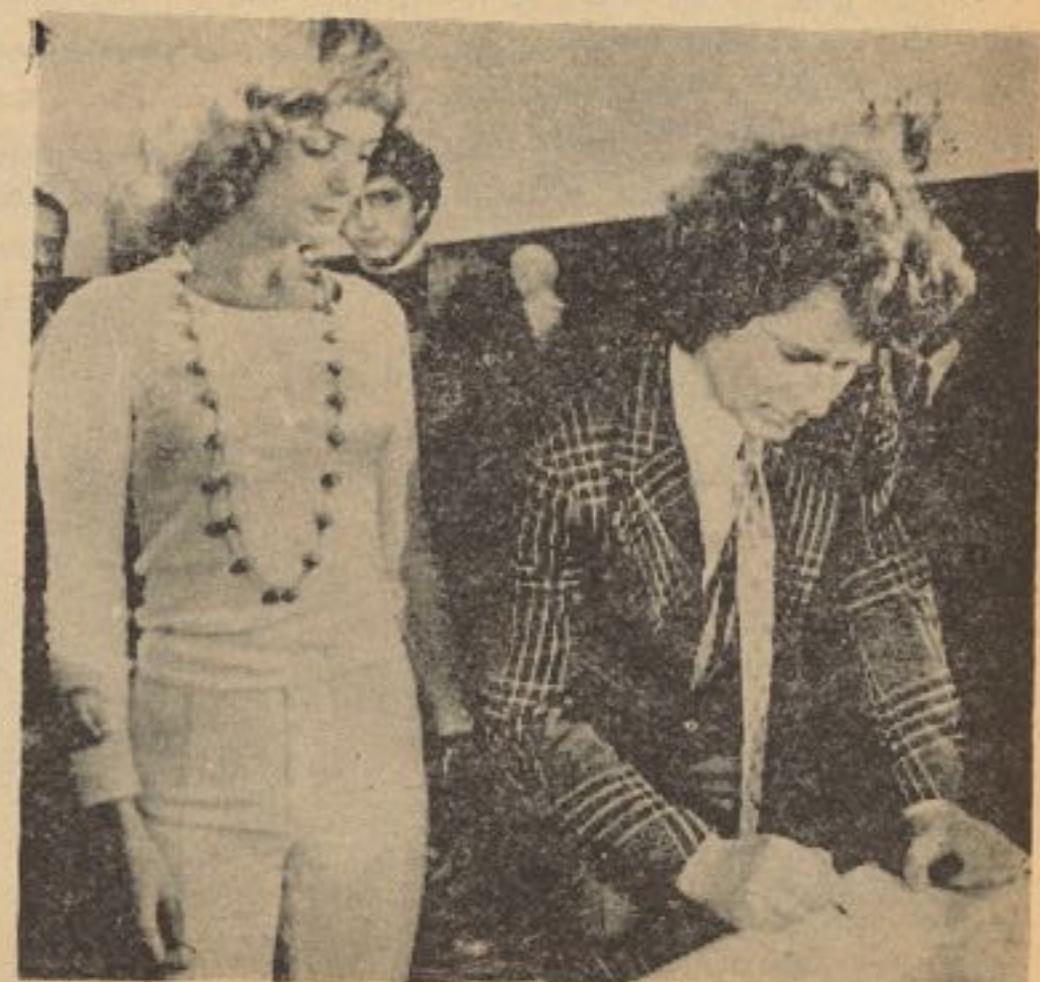
سال داشتم واکنون که سه ماه از تو لدیرم که
جهه تعقیق دارد گذشته بیست و سه سالی
بیش ندارد و تا وزن و جسمات ظلم بحال
خودنم است من بوره ۲۳ ساله خواهد بود
و شاید هم برای همیشگی ۲۳ ساله.



فکر همیکه نماید

سویکتوریا فونکامب ستاره در خشان و
نطاقه خوش آواز تلویزیون آلمان فدرال سهاه
منسود که از شوهرش «دیر تریک» صاحب
فرزندی شده بنام فلیکس.

یخش این خبر که فلیکس سهاه از
ایتدای تولد تا اکنون دارای وزن و جسمات
نابت بوده یعنی (۷) بونوزن و (۵۲) سانتی
متر قد دارد توجه نامه نگاران جهانی را
بغود معطوف داشته و همه را در شکر و
حیرت نگهداشتند. ویکتوریا هم عیست که
تفاوتی بین مرحله بارداری واکنون که سه ماه
از تولد پسرش هانند سایر مادران بار دار در
وجودش احساس نکرده است. او به خبر نگاری
بیهده مانه گفت: ازینکه قبل از اوضاع حمل (۲۳)



شطرونچ باز همروف حین عقد نکاح با مارینا بجوس.

جمهوری لبنان

دست داشته خود برآتبا آمده جویای موضوع
واستراحت آنها شد عساکر چنین موضوع را
وانمود کردند که ماهمه یونانی عیسوی مذهبیم
ولحظه‌ای قبل رفیق خودرا از دست دادیم
وآخرین انتشار سه رفیق فروتنی، دوستیه،
سه سنی خویش را دادیم که بزودی بر گشته
وپس بیشتر بعثتک می پردازیم .

میدان دواتوبیل هائند سایر میدانها نبوده
درحقیقت هائند میدانهای مرکز کشور های
دیگر آن درمرکز آن بعرض سبزه و گل جوی
بزرگی وجود داشته که دران پنج هیماریزگ
یادگاری پابرجاست که دوسرالهای اخیر بنا
یافته اند درهمین میدان که مرکز شهریروت
میباشد ۷۰متر پایین تراز سطح چاده ها و پیاده
روهای امروزی واقع شده بود این میدان
زمانی تندارتوں متصرفاً روم بزرگ بود که
دراین سر زمین حکومت داشت که توسط
اوکنایان اوکوست نامیس یافته بود .

اکادمی حقوق بیروت که شهرت خاصی دارد
از قرن ۶ میلادی باین طرف درقطار مجتمع علمی
مهم قدیم نموده است هنجهله مجمع القوانین
تقدیم نموده است هنجهله مجمع القوانین
کریکوریایی و قسم ابتدایی کتاب قانون
جوستیفیان از تمره این اکادمی می باشد .

وامرور بشکل یک یوهنخی اکادمی مذکور ۲۱
سالگی خودرا درقطار سایر پوهنخی های مهم
این کشور طی کرده است . تحصیل در این
پوهنخی پنج سال را دربر میگیرد د استادان
این پوهنخی بهترین حقوق دانان رومی بودند
یکی از عالمترین پوهنخی مذکور پاینیوس
بود که نویسنده (۵۶) کتاب علمی و حقوقی
بود موصوف حقوق تمامًا تابعین جهانرا در
برابر حقوق مساویانه خوانده است . این
پوهنخی عالی بعداز زلزله سال ۵۵۱ مسیح
بیاد فنا رفت برعلووه تمامًا شهر بیروت
ویران ۳۰ هزار نفر ازین رفت .



با ملل گیتی آشناسوید .

یکی از چاده های شهر که زندگی روزمره مردم را نشان میدهد .

ترجمه و ترجمه : الجیبریل عزیز کبگداد

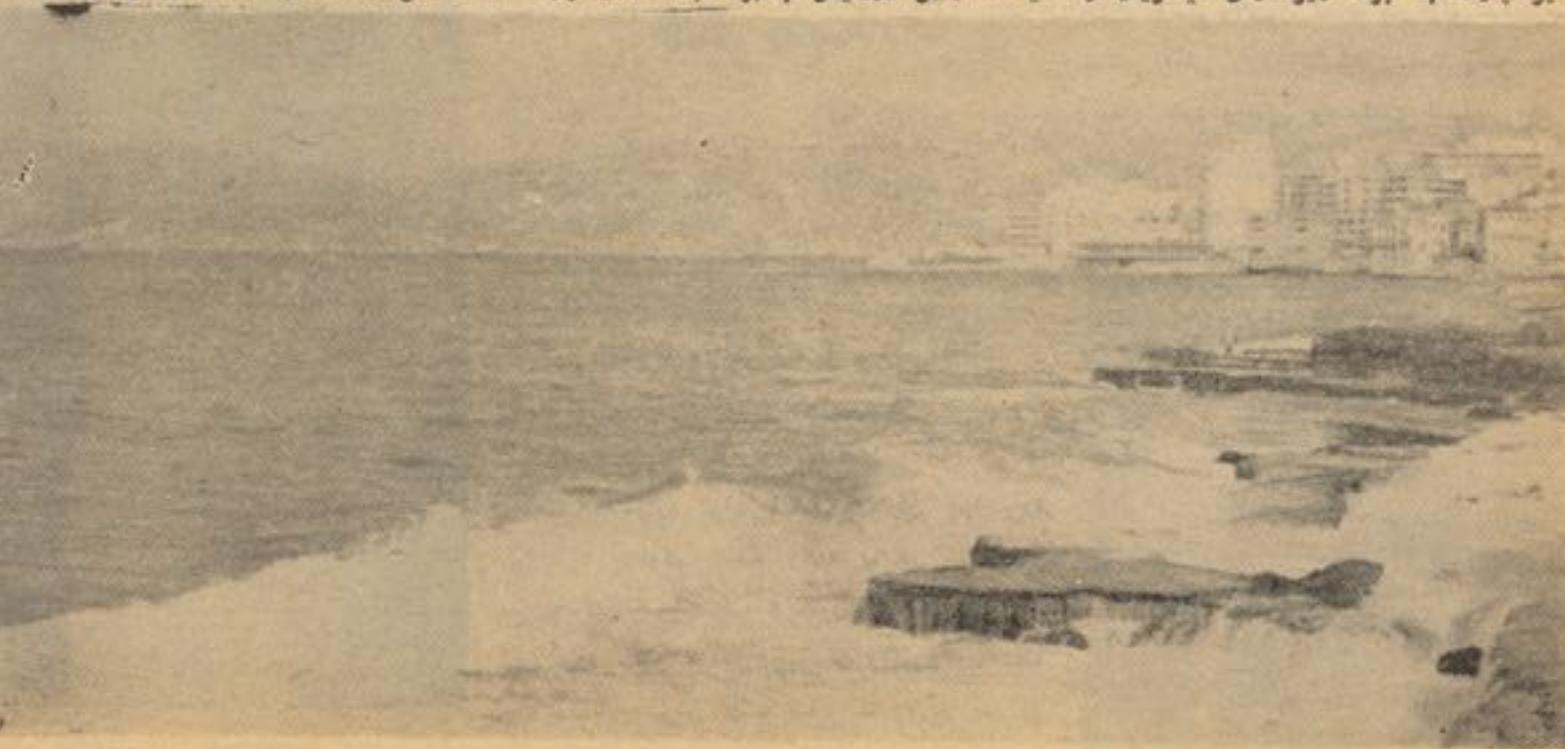
آشفته قریب کشیده و فعلی

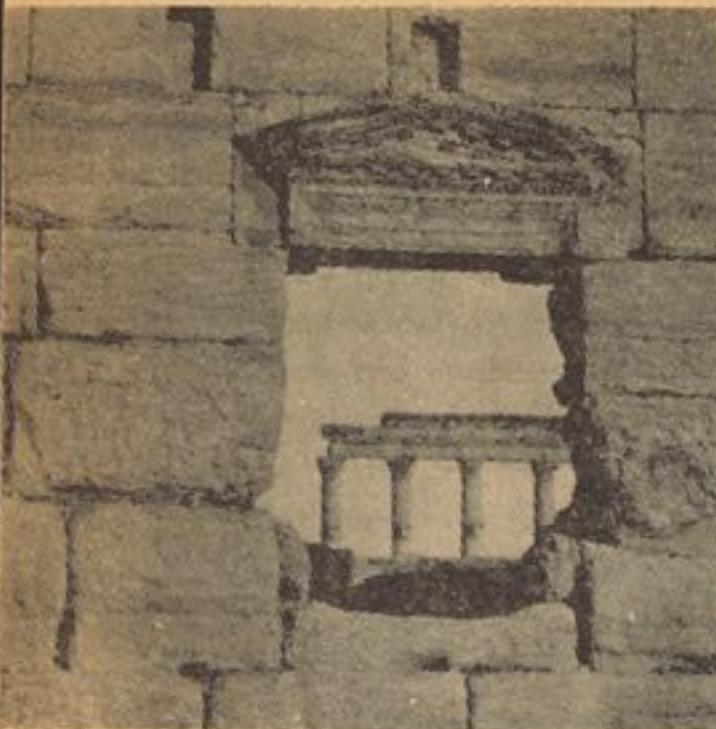
جهان ۵۰۰ میلیون را ۵۰۰ میلیون شرق و غرب

این زلزله و تاختوتاز عربها، خاندان مملوک
ترکها وغیره نشان میدهد که پایتخت لبنان
از چهار هزار سال قبل معروف بوده و دارای
آثار تاریخی بسیاری میباشد. در بعضی جاهای جاده
(صلیب ها) بهترین آثار و مینارهای روم قدیم
و درهای ملی بیروت میتوان عالیترین موزاییک
روم قدیم را یافت که بهترین ساختمان ادوار
قدیمه را نایندگی میکند. گذشته از آن بسیاری
از آثار ذیقتیم زیرزمین و چاده های سنگی
شهر کهنه و باتدر بیروت مدفون اند البته
زمانیکه حکومت لبنان باختمان متوجه اعدام
کند این همه آثار تاریخی نمایان خواهد شد.
در حال حاضر یکانه نقطه جلب توجه توریست
ها برعلووه آثار تاریخی و بنایی بر جسته هوتل
بیروت از قبیل هتل های سنت جارج، نویسیا
بریستول و بیروت کارلتون، کاباره های زیباد
دلکش، رستورانت های شرق نزدیک و میانه بوده با
رستورانت های شرق نزدیک و میانه بوده با
انواع اخذیه، غسل و سکی بالای آب در سواحل
آنجا میباشد که بالغ هنگفتی از این راه نصب
کشور لبنان میگردد .

بیروت زیبا ، تجارتی و فرهنگی برعلووه

در میدان دواتوبیل که بایولیس های زیادی مسلمانان دایما ۵-۶ میباشد بنابراین دخول
احاطه شده است بارلمان با ۴۹۹ عفو خویش در بیان ۳۰ عفو عیسوی ۴۰ عفو مسلمان مسیح
راجعت بمسایل مالی و اقتصادی کشور مذکور ۱۹-۱۹ اعضا مسلمانان شیعه، ۱۱ عفو
جنگ را لطع و پای سایه درختی آرام میگرفت
بروتستان ۶-۶ بیانی کانویلک وغیره راجازه مذکوره و جمع میشوند. بارلمان لبنان مانند
سایر بارلمانها نبوده زیرا رای عیسویان و میدهد از این رئیس جمهور لبنان را عیسوی
میباشد از این رئیس جمهور لبنان را عیسوی و میباشد از این رئیس جمهور لبنان را عیسوی

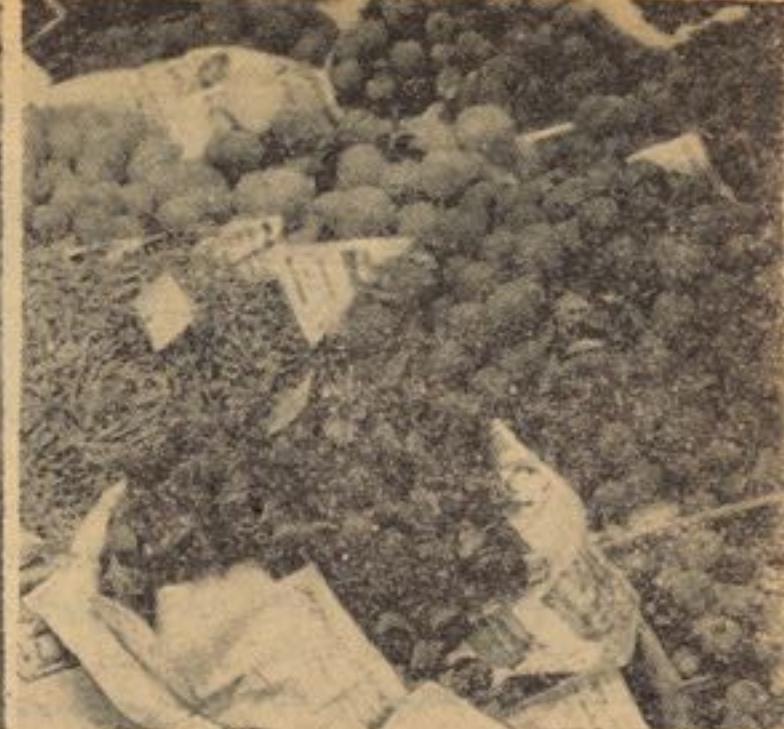




وَأَنَارَ بِاسْتَأْنَىٰ قَدِيمٌ دُرْلِبَانٌ



مکی از ساختمانهای هدرن لبنان



سداوار ذراعت، لینان

کشور خدمات شایانی را انجام داده است .
بیروت پایتخت لبنان نامزد بود علی قرون
۱۸۹۷ در بیروت امرا لبنا ن و والیها
حکومت داشت در زیمه دوم قرن ۱۹ بیروت
نهجیت ولایت بیروتی در ساحه امپراتور عثمانی
داخل گردید و به سال ۱۹۱۸ در بررسروت
عساکر فرانسوی راه یافت و از ۱۹۲۰ بیروت
نهجیت پایتخت لبنان بشکل منطقه جریمه
فرانسه انتخاب گردید بعد از اصول استقلال
لبنان در ۱۹۴۳ بیروت پایتخت فعلی، مقر
حکومت و پارلمان جمهوریت لبنان نامزد شد .
بیروت برخلاف رول مهمی که در اقتصادیات
و سیاست لبنان بازی میکند منطقه صناعتی
لبنان بوده تقریباً تیمه تمام صنایع کشود در
این شهر ساحلی تمرکز یافته است گذشته
از آن بیروت از رهگان تجارت مخصوصاً تجارت
ازاد اهمیت بین المللی را داشته از ۸۰-۹۰ در
صد تجارت داخلی و صد درصد تجارت خارجی
این جمهوریت از همین شهر صورت میگیرد .
بیروت پایتخت لبنان از حیث تجارت ازad
اهمیت شایانی دارد جهان بین الدول کسب
وهسته بولی لبنان شناخته شده است .

در اوایل ۱۹۶۴ دراین شهر صرف ۴۰ بانک وجود داشت که نیمه آنرا بانکهای تجاری ایجاد فرانسوی، انگلیسی و امریکایی تشکیل هدیداد و امروز تونل بانکهای عرب و تجاری این شهر ۷۵ بانک مختلفه تجاوز نموده است در جاده های بیروت هیتوان کانتور های تبادله یولی را در هر گوشه و گناه ملاقات نمود که هر نوع تادوسته یولی چنان و معاملات تجاری را انجام پیده هند منجمله ۷۲ شرکت و بانکها را همصدی عای خارجی در برمی گیرد .

فابریکات صناعتی لبنان اکثر در همین شهر
جمع کرده بیشتر فابریکات نساجی، چرم،
نباتی، مواد خوراکی، فولاد سازی آن مهم
قابل تذکر آنکه قسمت اعظم آن در گردتوانی
ندر تهرکز یافته اند زیرا ترانسپورت آسان و
رساندراط کشور رول مهمی را بازی میکند.
بیروت مشتمل است بر شهر گهنه دونواحی
ندر بامنازل پوسیده و فرسوده و کوچه های
لطفاً ورق بت نیار

بیدا کرده جلب توجه تجار را بخود جلب نمود
ولی در حقیقت اکتشاف نقوص لبنان بخصوص
سپه بیروت در سالهای پنجاه بعد از آنکه لبنان
زادی خود را بدست آورده، صورت گرفته است.
اولین ذکری از اسم بیروت منحیت یک ناحیه
زرگ فنیقی عادر تابلوهای گاشی نوشته جات
سیخی بیان آمده است که از قرن ۱۵ قبل
یلادی نهایندگی می‌گند. دور زمان فرهنگ و تمدن
یونان قدیم و ادوار روم بیروت بندر تجاری
زاد در نیم کره شرقی بود در ۶۳۵ میلاد مسح
بیروت که مائند عروسی آراسته بود بتصرف
بر بنا درآمد تا اوایل قرن ۱۰ میلادی تحت اداره
خلافت بود و سپس توابع بحکمرانی بسوریه
سید در سال ۱۱۱ بیروت بدست صلیب‌ها
فناهه با گم فوائل تاسال ۱۲۹۱ محل اقامه
نهایا گردید. خانواده عملوک هضری بیروت را
در قرن ۱۵۹۱ بدست آورد بالآخره سال ۱۵۱۶
ورتر که شروع شده و آنرا در قلمرو امپراتوری
شمنی که در آنوقت شان و شوکت فراوانی
نشست درآورد. از زمان حکومت فخر الدین
امیر لسانی که در ای از ادعای

卷之三

ستگ و تجارتی راعر بپاشکیل میدهد بر علاوه
یونانی، ترکی و کرد هنافی جمعیت
روت را تشکیل میدهند ارتقا و اکتشاف نفوس
بیرون سیر نزولی خودرا پیموده است در
۱۸۶ نفوس آن به بیست هزار رسید
است سال بعد یعنی در ۱۹۲۰ جمعیت آن به
۱۱ هزار نفر ارتقا یافت که سالانه ۲۶۷۶
ار نفره جمعیت بیرون اضافه میگردد ولی
سال ۱۹۶۳ نفوس شهر بیرون به ۶۰۰ هزار
رسید که باین حساب سالانه کمتر از ۱۰
ار نفره جمعیت این سرزمین افزوده میشود
که همراهی افزایی و آسایی فوق العاده زیاد
سوزهای اقتصادی و آسایی فوق العاده زیاد
و ده بلکه هوازنده خوبی را پیش گرفته است
در سالهای اخیر دوباره ازدیاد نفوس در این
شهر سیر صعودی خودرا پیموده و سالانه ۳۰
ار نفره جمعیت این شهر افزایش بعمل
که است. علت آن همانا تجاوزات اسرائیل
ستجوی اهوار حیات مردم زیادی را از مالک
بی و سایر کشور های لبنان کشانید و از
نه دیگر تجارت آزاد در بیرون رونق زیادی

و عنی حقوق بشکل روم قدیم هالک چهار
و هنتون عالی میباشد که دو هیان ملل عربی
متاز معروف اند . دو پوهنتون غربی یکی
رانسوی و دیگری امریکایی میباشد که از همه
یکاتر و جامع ترند در این پوهنتون ها ۳۵
هزار محصلان از لبنان و سایر کشورهای عربی
سرقی تدریس میکنند صرف یکی از این
پوهنتونها که با سم پوهنتون لبنان معروف
ست ۲۰ سال قبل اساس گذاری شده و یکانه
پوهنتون رسمی و دولتی بشمار میرود هائند
سایر کشورهای جهان پوهنتون در لبنان نیز
ساخته اجتماعی و علمی محسوب میگردد میتوان
گفت که پوهنتون لبنان یکانه (کلید) مذهبی ،
سیاسی و بقایای فنودالیزم میباشد که تا حال
ابرچا هائند است .

بیرون پایتخت و بندرگاه درجه یک
جمهوریت لبنان در شبیه چزیره بی سواحل
سرقی بعیره مدیترانه موقعیت دارد در سال
۱۹۷۴ بیرون در حدود ۸۰۰ هزار جمعیت داشت
با نفوس کلی کشور در این شهر تهرکز
بودند . قسمت بزرگ اعلی این شهر

10. The following table shows the number of hours worked by 1000 workers in a certain industry.



نهایی از بک قسمت شهر بیرون

ارتسیتیکی برگزار میشود که در آن فلکلور محلی و جهانی مورد نمایش قرار میگیرند گذشته از آن در بیروت کنفرانس تیاتر و فللم عربی، آسیا هرگزی و شرقی یکمک یونسکو دایر میگردد که مورد استقبال گرم اهل هنر و کلتور قرار میگیرد.

طرز حکومت لبنان جمهوری و رئیس جمهور
باکتریت آراء عرب سال انتخاب میگردد.
الاقتصاد ملی لبنان بر زراعت، تولیدیکسی
بانکداری و تجارت استوار است مهمترین الام
زراعی Lebanon را گندم، چو، کچالو، زیتون،
تباقو، بیاز، قبوه چات مدیرانه بی، سبب،
انگور، بادنجان رومی، کیله و انجدیر تشکیل
داده بز، گوسفند و گاو از جمله حیوانات اهلی
این کشور محسوب میشود اگر از معدنیات
لبنان سخن به میان آید میتوان آهن، مس،
سلفیت، فاسفورس و پتロول را نامبرد. قبوه
الکتریکی سمنت، نفت، سگرت سازی، شکر،
روغن نباتی، پنبه و آلات فولادی از صنایع
مهم این کشور محسوب میشود Lebanon هالک
۴۲۰ کیلومتر خط آهن و تقریباً ۶ هزار کیلو
متر سرک اساسی است درمیان صادرات Lebanon
مقام اول رافلزات، جواهرات و مقام دوم را
حیوانات اهلی. تباقو و غیره میباشد. واردات
آنرا هاشین آلان، سامان برق و سیزیجا ن
تشکیل میدهد و باکشور های بریتانیای کبیر
فرانسه، اصلاح متحده آلمان غرب و ایتالی
صورت میگیرد و مهمترین پارائز وارداتی Lebanon
باعرب سعودی . . کویت، عراق . اردن، سوریه
و اصلاح متحده امریکا میباشد .
در این اواخر تصادمات مسلح و جنگ داخلی
در Lebanon ادعا دارد دسته های متخاصل که آن
را فلسطینی ها و موسسان دست چپ بشمو
اگر موسسان اسلامی تشکیل میدهد و دست
مسيحي هارونی و موسسان دست راست
محركین اين همه تصادمات محسوب میشون
نقه در صفحه ۶۰

ن سالون یانور آنچاست . بیروت از رهکندر
شرات غنی بوده در حدود ۳۵۰ نسخه مختلطه
دارد که منجمله ۵۰ نسخه آنرا نشرات یومیه
تشکیل میدهد نشرات لبنان بر علاوه آنکه بزبان
عربی انتشار می یابد به لسانهای فرانسوی
و انگلیسی اکثر آنباروزانه و ماعوار نشر
می شود .

میدان هواپیمایی بین‌المللی بیروت که در ناحیه (خالدی) یعنی ده میل بسوی جنوب موقعیت دارد در حال بزرگ‌گرایی میدان با تکیه‌اونها یندگی شای معروف خط هواپیمایی جهان جا گرفته است این میدان که در چاراه میهم نجاری جهان قرار دارد این میدان از بهترین میدانهای بین‌المللی گرفته است از بهترین میدانهایی بین‌المللی شرق میانه بشمار رفته در هر ۴ دقیقه یک طیاره از این میدان به چهار سمت جهان برداز میکند ترددی میان میدان عصری و باهر گونه وسائل ترانسپورتی همیاست در هنوز فوکانی دکاگین انتیک فروشی، زیورات، البسه و تمام اشیای که مورد نیاز مسافرین است پهلوی هم قرار دارند بر علاوه میدان مذکور بهترین محل تماشا و تفریحگاه مردم بیروت بشمار رفته تمام روز سیل تماشاخان درگردونواحی آن دیده میشود از میدان هواپیمایی بیروت ۲۰۰۹:۲۵۶ میلیون طیاره مختلف استفاده کرده است.

دور(۷) اکتوبر ۱۹۹۶ در بیروت جریمه‌ی
عفته وار (فتاح) بزبان انگلیسی برای اولین
بار از طبع برآمده‌که از طرف اتحادیه جبهه‌آزادی
فلسطین نشر میشده که بر علاوه وقایع سیاسی
جهان اخبار مهم عسکری و مفاسد مختلفه
راجع به فعالیت‌های جبهه آزادیخواه فلسطین
در آن درج میشد. همچنین در سال مذکور همایشی
مرکب از بسیاری از کشورهای جهان چهست
ترجمه تورات بزبان غربی در بیروت گرد آمده
بودند که در جهان مطبوعات رول‌همی دایانی
میگند.

های اروپایی و عربی بـلسانهای فرانسوی و انگلیسی تدریس میکنند بـسیاری از مکاتب متوسطه فرانسوی، انگلیسی و امریکایی میباشند که اداره آنها نیز از طرف کشورهای مذکور صورت می‌گیرد همچنان بر علاوه در کتابخانه ملی که یگانه کتابخانه ملیم این حمپورت است کتابخانه یونیورسیتی امریکایی

دارای کتب عالی وزیادی میباشد .
بیروت مالک بهترین موزیم ارکیولوژی بوده
که دارای کلکسیون آلات حربی و سامان هنری
از دوران فنیقی هایی باشد از آثار تاریخی قابل
دیداین شهر مسجد عالی (عمر) است که در
جاده معروف و پر جمعیت بیجان تعمیر یافته
است هزاران نفر در گردش را با خود میگردند
مختلف بکسب و کار پرداخته است مسلمانان
این شهر اتحاد خوبی بهم داشته عبادت در
مسجد مذکور را همی میدانند چنانچه در روز
های عید و جمعه فواصل بعیدی را جهت ادائی
فریضه دراین مسجد طی میکنند .

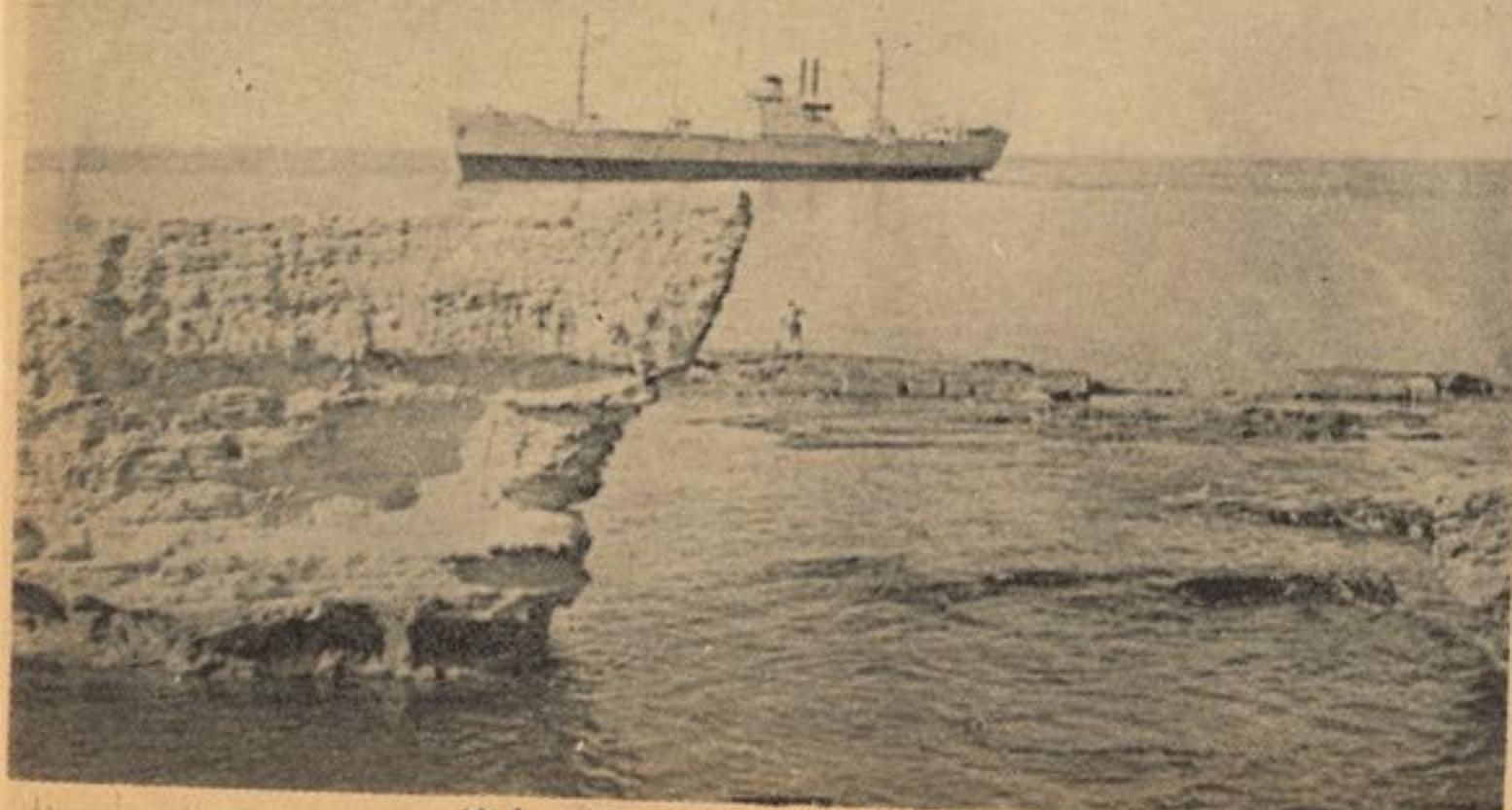
چون بیروت یک شهر تجاری و مهم شر قمیانه
و بعیره مدیرانه میباشد مسافرین و سیاحین
زیادی در همه مواقع سال باین شهر آمده و
دایها هجوم تجار مسافرین و سیاحین در آنجا
میباشد از اینtro وسائل تفریح و سرگردانی
درگوش و کنار شیر فراهم است در حال حاضر
بیروت مالک ۴۸ سینما بوده که از فلم های
سراسر چهان در آنجا نمایش داده میشود
بیانر بزرگ بیروت که دارای بیشترین اکنونتک
بوده بیشتر شکل عربی دارد . کابارا و کلیب
های شبانه خیلی و تا خیر جمع و جوش دارد
معمولا دسته های موسیقی در آن اشتراک و
نمایشات جالبی دارند بفاصله ۱۵ کیلو متر
از مرکز بیروت (مرکز سرگرم) بنایافته است
که بنام (کازنیبودلبنان) یاد میشود که این
مرکز ساخه بزرگی را در برگرفته است هرگونه
وسائل تفریح و خوشگذرانی در آنجا ممیاست

باریک همچنین بیروت جدید، شرقی و جنوبی
باچاده های عریض و عمارات چندین طبقه بی
جدیدی در بیروت بسیاری از فابریکات
موسسات وجاده ها هنوز هم مساحت نگردیده اند
نقشه نیرنگی برای شناسایی این جاهای کلیسا
ها، مکاتب، قبرستان وغیره بوده که با انسانی
۱۹۷۳

این جاها هیتوان محلی را دریابافت در شیر بیروت به ۵۸ سکتور قسمت یافته جاده هاونواحی آن نمره بنده شده است این تقسیمات یاساس نقوص صورت گرفته که هر ناحیه از هم بخوبی هتمایز میشود . اشرفیه و سورسوك دوناچیه ای میباشد که در آن ارستوکراتهای قدیمی لبنان سکونت دارند، عمولاً منازل از هم دور و توسط باعچه احاطه گردیده اند و در کنار آن پوهنتون (یوسف مقدس) و شفاهانه بندرگات لبنان موقعیت دارند. نواحی حمرا و روشنی و همچنین ناحیه ارستو کراپا عصری واژ عمارت چندین منزل تعمیر یافته است و دارای جاده های فراخ بسیار بیشترین منازل ساحلی که اکثر ثروتمندان خارجی در آنجا زندگی میکنند نواحی مذکور یوونتوں امریکایی ، سفارت افلاع متعدد امریکا و اتباع امریکایی که تعداد آنها به ۶ هزار هیرسد، سفارت کبیرای فرانسه، بربانیای کبیر چندین هوتل لوکس و عصری از قبیل کارلتون و کالینستنال در کنار جاده معروف حمرا بیشتر فروشگاهها ، گدامها و سینما های بیرونی تهران و تعمیر یافته اند. (زیتون) اسم هر کجا تجاری میباشد که دهها شرکت خارجی مخصوصاً موتو، کلب های مجلل شبانه و همچنین دو هوتل معروف و بیشترین لبنان فنیسیاوس جارج که در سراسر کشور و شرق هیانه شهر دارند از هر تجارت، سیاح و مسافری که به لبنان وارد میشود دیدن این محل را بخود فرض می داشت ناحیه اس سویریکانه محل بیروت است که سکنه آنرا یهودیان تشکیل میدهد و شفعت عمومی آنها صنایع روستایی بوده و تجارخواه میباشد از اینtro تماماً ورکشاپهای اهل کس

نagherie استا (فوqانی) که از یکطرف باعث
اسپ دوانی و از جانب دیگر، نواحی اشرف
و مزار احاطه شده است نagherie کارگران
و نagherie البستای (تحتانی) باعیدان معرو
وجادالسولخ عبارت از نagherie تجارتی و بو
بیروت بوده عموماً محل اقامت تجار میبا
ولی نواحی بدؤی، چرج بوك و مسلخ که باع
دریای بیروت تعمیر یافته اند نواحی نادران
طبقه مردم بیروت بوده که جمعیت شانرا
مینها تشکیل میدهند در نagherie مسلخ فابری
صنعتی واکثر قصابان چاه گرفته اند چنین
در بیروت زیبا و تعاماً نواحی آن کمتر دید
میشود عبارت از سرسبزیست تنهادر ناحیه

حرابیکان پارک کوچک دیده نیشود.
در بایتخت بیروت سه پوهنتون هم و هم
امریکایی، فرانسوی و لبنانی وجود دارند.
آنها موزه‌گران لبنان و سیاستی، از



منظمه ازیک قسمت بندر کشمیر لیبان

ازدست داده باشد . دیگر هیچ جا از این ای پرنده به پرواز آی، بخوش و بهنوای نخواهد یافت .
مرغان بیانی نفمه سرده، ای دیوانه، دلخونن تو اکنون رنج برده بر جای ایستادی، پس خودرا دریخ استپرا پنهان دار.
به کوچ غرستاده نفرین شده تن دردهی . چون گروه کلاغان فریدگشان و خروشان بسوی دودکه هردم راه به اسمان عسای سردتری شهر درپرواز آند، به زودی بسرف میبارد .
می جوید .
بدآنچه سروسامانی ندارد .



پیدایش فن چاپ به رواج عینک کمک کرد
در قرن شانزدهم در شمال کشور ایتالیا و جنوب آلمان که شیشه سازان اروپایی در آنجا اقام ایام داشتند خرید و فروش عینک رونق بسیار داشت و عینک در سراسر اروپا ازین دو نقطه آغاز شد .



بولیس اطلاع داد، که پشکش گم شده است و از بولیس کمک خواست که عرجه زودتر این حیوان را پیدا کند . وقتیکه باخنده بولیس روبرو شد، خانم برآشت و به بولیس گفت : آقا!ین واقعه را شوخ فرض نکنید من به کردن پشکم گرفتنید آویخته بودم که چند تا نکن الماس به ارزش ۵۰۰ هزار دالر روی آن نصب شده بود . حالا سما مجبورید که بشک هر ایام اسما هاکه باحتمال قوى سرقت گرداند پیداگشید . همین حرف یافعث شد که چهل هزار بولیس به حرکت درآید تایشک این خانم را پیداگشید و جنان جستجوی دامنه داری آغاز شد که اندازه نداشت، هاویکه پشکش راکه دریکی از کوچه های شهر گردش میگردستگیر کردند از گردنبند خبری نبود و جالب اینکه اصلاحچین گردنبند ازاول موجود نبوده و خانم محترمه صرف به خاطر پیداگردن پشک عزیزش چنین دروغ شاخدار راگفت بود .
باشدگفت واقعاً صدرحمت به هرجه دروغگویی .

پیدایش عینک

تاریخ پیدایش عینک به درستی معلوم نیست . برخی از محققان اختراع عینک را به (راجرتسون) نسبت داده اند. میگویند از فلاسفه و فلسفای قرن سیزدهم بود و گویند که میکروسکوب و نلسکوب هم از اختراعات او بوده است . اما بعضی از محققان معتقدند که عینک بیشتر از قرن سیزدهم وجود داشته است.

از نخستین استاد تاریخی درباب عینک ابتدا سفرنامه «مارکوبولو» چنان گرد معرفاست که او در توصیف از دربار «قبلای خان» میگوید که منشیان برای نوشتن و خواندن نامه ها عینک به چشم میزدند .

سند تاریخ دار وقابل اعتماد دیگر عکس از کاردینال اوکونه است این عکس، نقاشی معروف است که کاردینال را با عینک در داخل کلیسا نشان میدهد .

پیشکش گردید

راستی که دنیا عجیبی شده مردم برای رسیدن به خواسته های شان گاهی آنچنان دروغ های میگویند که چیزی نمی هاند که آدم از تعجب شاخ بکشد .

از جمله چندی پیش دریکی از شیر های امریکا خانمی سی و هفت ساله میلاردر بـ



بشر ازشکم خود صرف نظر گرده و به هنر

برداخته است زیرا درینجا هنرها مانند خواراک روزانه برای ادامه زندگانی خود ضروری دیده است .

و به آنار بزرگ هنری احترام قابل شدند .

اما خیرادرهاند فعلم دیوانه ای باحقوبه تابلوی زیبای اثر رام براندحمله برد و کمی ازان را از

هم درید . این دیوانگی رانعیتوان به حساب میگوید اول نان را پیدا کنیم بعد نیال فلسفه

برویم . این مثال بسیار خوبی است . زیرا بشر به نان یا گرم گردتن تن و شکم باشد همیشه زیادتری بدهد چه طبق مثال خود ماشکم گرسته چیزی نمی پهد . اما تجربه نشان میدهد که در خلال دوره های بحرانی نه تنها از علاقه

بشر متمن به هنرگاسته نشده بلکه هزینه های برازی کارهای هنری نیز افزایش یافته است .



شما بیان میکنم .

گروه کلاغان فریدگشان و خروشان بسوی

شهر درپرواز آند، به زودی برف فرو میبارد .

خوش آنکه هنوز سروسامانی دارد . اکنون

دیریست که توبیوت و منجمد استاده ای .

او خزان نام دارد آخر تابه کن، اودیوانه است .

از چه رو بیش از زمستان از جهان گریختن .

دنیا دروازه است به سوی هزاران وادی

نیز دارد .

اینکه ترجمه بکی از اشعار معروف ادب ایرانی،

نام جهان آشنای نیچه مبتکر و فیلسوف معروف المانی راکه اندیشه هایش در فرقن خوش آنکه هنوز سروسامانی دارد . اکنون اخیر تابیر فراوان در هردم داشته ، شنیده اید . دیریست که توبیوت و منجمد استاده ای . او خزان نام دارد آخر تابه کن، اودیوانه است . دنیا دروازه است به سوی هزاران وادی از شاعر زبردستی نیز بوده است ولی در ارشیور فلسفی او جنبه شاعری اش کمتر نیز دارد .

اینکه ترجمه بکی از اشعار معروف ادب ایرانی،



هنر

درجہان ہاکه بشر از زمان بیدایش تمدن با جنبه های مختلف هنر آتنا بودند و بآدرج من نہادند، باید دیدگاه آیا در مراحل بہرائی تاریخ بشر نیز بے عمان درجه برای هنر ارزش قابل بوده اند یانه .
در زبان لاتین غرب المثل قدیمی است که میگوید اول نان را پیدا کنیم بعد نیال فلسفه برویم . این مثال بسیار خوبی است . زیرا بشر به نان یا گرم گردند تن و شکم باشد همیشه کارهای هنری نیز افزایش یافته است .
درخلال دوره های بحرانی نه تنها از علاقه بشر متمن به هنرگاسته نشده بلکه هزینه های برازی کارهای هنری نیز افزایش یافته است .



بُشْرَهُ الْبَلْيُوْفِنْهَا

تبیع و نگارش: حامد نوید

یک قدم دیگر

بسمی تحول

هنر در دوره ایکه زندگی بشر از مرحله شکار و دوره گردی به تشكل خانواده ها تبدیل گردید.

تاریخ درباره اکتشافاتیکه بعد از دوره

یغچالها در اروپا درحوالي ۱۲۰۰ق.م صورت

گرفت مشکو کاست چه غربیاتیکه در ینمورد

صورت گرفته کدام اکتشاف تاریخی را تأثیر

دوره نیولنیک یادوره سنگ جدید در حوالی

۱۰۰۰-۱۰۵۰ق.م تثیبت نمیکند، اما بعدازین

دوره، دوره جدیدی در سر گذشت زندگی

انسان گشوده شد که از جهات مختلف نظر

بدوره سنگ قدیم در روشهای خود تکامل یافته

تریبوده است.

دراطیراف ۸۰۰-۸۱۰ سال پیش از تولد مسیح

بعنی چندهزار سال قبل از دوره فلز و ایجاد

خط سیستم زندگی نوی در شرق میانه قبور

گردکه از تکاه ساختمان اجتماعی، وسائل تولید

طرز تفکر و ارزشها معنوی نظر بدورة سنگ

مثال زندگه این مدعا است چه این تصویر در قرن ۱۹ آفریده شده است مجسمه توله نواز که از تبیین تاجرها بدست آمده و امکان می رود که بین قرننهای ۱۶ و ۱۸ ایجاد شده باشد شباهت زیادی را با هنر دوره حجر میرساند مجسمه مردیاکلابر زندگه از حوالی در یای سبیک واقع در نیو گیتنی کشف شده و مربوط به اواخر قرن ۱۹ و شروع ۲۰ میباشد شباهت زیاد با آثار دوره (نیولنیک) یادوره حجر ثانی دارد و نسبه نموده دیگریست حاکی از رکود تصویر رات انسانی بصورت عمومی هدف عمدۀ از هنر در جوامع بدی مانند دوره سنگ قدیم جلوه های تصویر را ت انسان و عقاید مذهبی او در آفریدن این آثار بوده است و اکثر این هدف از دوره سنگ قدیم از نگاه تفاصل دوستگی داشتند اما بعدازین مرحله محدودی اکتشاف کرد که این کلمه بدی (بر میتف) مشکوک اند پیشرفت عالیترین مرحله ترقی واصطلاح جوامع موافق به رکود را بشر آن دوره بوده است با ظهور ترجیح میدهند.

آیینه یعنی چاله دوره سنگ قدیم به (تصویر مرد نیزه واروکانکورها) آثار میدهند. تذکر: عکس های قسمت فوق در شماره گذشته نشر شده بود

تصویر یک دهه و نسل شان در اروپا منقطع گردید اما تاریخ شاهد جوامع دیگریکه بشیوه دو ره حجر زندگی میکرده اند بوده است مثال زندگه این نوع جوامع در افریقا جنوبی و آسترالیا تا اواخر قرن ۱۹ مشهود است که از تکاه تختیک و تصویرات انسانی هنر این جوامع چندان تفاوتی با هنر دوره سنگ قدیم ندارد حتی بعضی از آثار هنری دوره سنگ قدیم از تکاه تفاصل و زیبائی خطوط در هنر این نوع چند انجام چاوز نمی کند حک گردیده اند چنانچه از تفاعع و نوس (ویلن دورف) از جار انج پیشتر نیست. بصورت عمومی دوره سنگ قدیم در معاصر (انترو یا لوچی) راجع به مرحله محدودی اکتشاف کرد که این کلمه بدی (بر میتف) مشکوک اند پیشرفت عالیترین مرحله ترقی واصطلاح جوامع موافق به رکود را دوره یعنی چاله دوره سنگ قدیم به (تصویر مرد نیزه واروکانکورها) آثار میدهند. که از قسمتهای ارن هیلم لند غربی پایان میرسد و اکثر بین انسان نهایی آسترالیا شمالی بودست آمده آن دوره نتوانسته دوره یعنی جاله باز

تصویر یک دهه و نسل شان در اروپا در (یالریمو) عدد از انسان ها را در حالت رقص نشان مید هدومانند تصویر (لس کودرا دون) فرانسه دوری و نزدیکی و تنا سبات در نقش ها که بالای همیگر قرار دارند فرق عمده گه بین آثار مکتشفه اروپای جنوبی و شمالی مربوط به اندازه آنهاست چه اکثر آثار اروپای شمالی از تکاه اندازه کوچکتر نموده و بالای سنگهای که از تفاعع شان از چند انجام چاوز نمی کند حک گردیده اند چنانچه از تفاعع و نوس (ویلن دورف) از جار انج پیشتر نیست. بصورت عمومی دوره سنگ قدیم در معاصر (انترو یا لوچی) راجع به مرحله محدودی اکتشاف کرد که این کلمه بدی (بر میتف) مشکوک اند پیشرفت عالیترین مرحله ترقی واصطلاح جوامع موافق به رکود را بشر آن دوره بوده است با ظهور ترجیح میدهند. آیینه یعنی چاله دوره سنگ قدیم به (تصویر مرد نیزه واروکانکورها) آثار میدهند. که از قسمتهای ارن هیلم لند غربی آسترالیا شمالی بودست آمده آن دوره نتوانسته دوره یعنی جاله باز

انسانها باید تحول عمیق و جهان پیشی متفاوت در دوره نیولیتیک مواجه گردیده باشد اما جای تعجب اینست که چرا آناراین دوره بیانگری نقاشی های دوره سنگ قدیم را ندارد چیزیکه هارا مخصوصاً مواجه به محدودیت در باره نقاشی های این دوره میسازد همانا از بین رفتن یک مقدار زیاد نقاشی هاست چه هترهند دوره نیولیتیک اکثر اکارهای هنری خود را بالای چوب و یامواد نایابه دارد یکم میکرده است البته امکان این موجود است که شاید حفریات ما بعد این خلارا بر گند. آنچه امروز راجع به انسان دوره نیولیتیک هیدائیم هربوط بحفریات سالبای اخیر دراردن است مجسمه عالیکه ازین منطقه حفریات بدست آمده قدمات بیش از ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح دارد این مجسمه هایموما از جمجمه حقیقی انسان باخته شده که روی آن ساک طبقه نازک گچ بوشیده شده و بجای چشمها از صدفیای دیابایی کار گرفته شده است. عاملیکه برعلاوه قدمات تاریخی این مجسمه های باخته ازدیاد



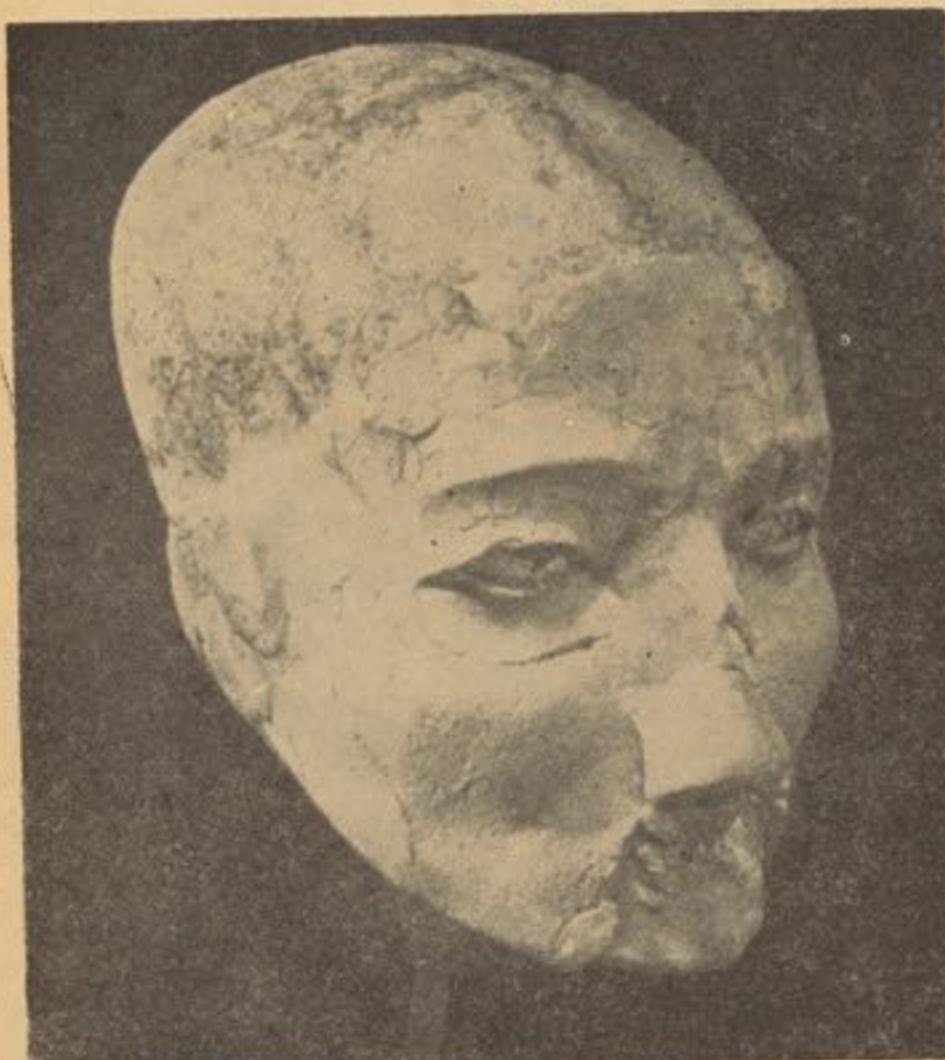
میدان بزرگ واقع در سالزبری پلین - والت سایر انگلستان که قدمات تاریخی آن درحوالي ۱۸۰۰ ق.م تعین گردیده است. میدان بزرگ هربوط بدوره الوم سنگ دراروپای شمالی است بعدها زین دوره تقریباً ۲۰۰۰ سال دیگر را دربر گرفت تا مدتی تاریخی ای دراروپا ظهور کند، قتل این میدان به ۷۵۷ تاریخی میگردد.

قدمیم بسیار متفاوت بود. طبعاً هنراین دوره که پرستی داربود این دوره هی دادند. گرچه انسان دوره سنگ قدیم نیز تصوراتی راجع به قدرت سحر وجود و ارتباط آن با نقاشی انسای مکشفه دوره نیولیتیک معلومات زیادی راجع به وضع فکری و تمایلات مذهبی این دوره عای شان داشتند و حوادثی راحمل بر قدرت عای ماوراء الطبعه می گردند اما انسان دوره نیولیتیک در نسبت فکری ای عیقتی دوین مورد قرار داشت که هنر آنرا از شکل دیالستیک به شکل تصویری یا (ایمه جیتف) نزدیک میساخت. (مشغولیت فکری بیشتر در نموده بعدهایه های را برای سیمبویزیم بنانهاد). اگر هنر دوره سنگ قدیم با هنر این دوره مقایسه شود . تا تیر احسان شخصی و مستقیم هنر من در نقاشی های دوره اول سنگ بیشتر متعجل آنست تابه تصورات و خیالبردازی های او . زیرا هنر دوره مغاره هایشتر بر پایه های تجربه بصری و برداشت مستقیم آفرینش آن ازیدیده های موردنظرش استوار بود تا به تشریح مفکرده و تصوراتش وعلت آن عدم اکشاف اندیشه های متمامتر دوین دوره است هنرمند دوره مغاره هایه گودگی هیجاند که احسانات، حالات درونی و حشمت دند خود را بصورت آنی و مستقیم باز گویندند .

در دوره نیولیتیک فعالیت اقتصادی انسانی تسامن حصر بشکار نبود بلکه بالغازیدر گزین زمین منحیت عامل عمده تولید قرار گرفت و بدین ترتیب وسائل تولید نیز از آلات شکار به ابزار بدروگری تحول گرد. تحقیقات در زمینه دریبلوی فعالیت زراعی، فعالیت های دیگر انسانی چون رسیدن و تایدن یشم، بالاندگی و ساختن ظروف گلی رانیز تعین گردید. اندیشه های انسان های این دوره تا اندازه توانست طبیعت را زیر اداره درآورد و از تروت های آن استفاده کند. اما محدودیت وسائل تولید باعث آن می گردید که سرنوشت بشر هر بوطه برخواست طبیعی باشد . از یتروست که در هنرهای موردنظره ملکه زمین مادر بشر وطنیت تعین گشته سرتوشت انسان بستر تعلی نموده است . طرز توین زندگی انسان این دوره را در مرحله فکری ای جدیدی قرار داد که برین رابطه سه جانبه استوار بود :

بوده و معانی کنونی ای زیالیزم را در بسیاری گیرد که شرح آن خارج از حوصلة این رابطه بین طبیعت انسان - و ماوراء الطبعه: تاریخ نویسان آغاز دوره ادبیات انسان

بعد است .



جمجمه های سرانسان که با یک طبقه نازک گچ پوشیده شده و از زردن بدست آمده است . قدمات این جمجمه های ۷۰۰۰ تا ۶۰۰۰ ق.م می رسند و بزرگی آن به اند ازه سرانسان است .

مترجم سس علوی

از شتر ن

قتل عام فیلهای روندای افریقا در کشور

در رو ندا اکثر مردم از فر طگرستنگی شام بدو نغلد میخوابندو سرعت دش نفو س را برای امرار حیات حیوانات تنگتر ساخته میروند لهذا بشکل دسته جمعی ازین میروند و فقط عده محدود دی ازین حیوانات جان بسلا مت میبرند. مقا له ذیل که از شتر نتر جمهه شده معلومات جالبی را درین مورد تقدیم میکند.

در بدو من حل و قتی انسان میبیند که فیل کو چکی ذرعیه علیکوبیر از یک محل بیک محل دیگر انتقال داده میشود مسرور زمی گردد و فکر میکند که درین کشور حتی در آندیشه زندگی آینده حیوانات نیز میباشد. اما بعدتر معلوم میگردد که کشور رو ندا دست به قتل عام اینجینین حیوانات زده که انتقال فیل کو چک محض یک سین منظر خونین قضیه را تمثیل میکند.

زیرا فقط چند لحظه قبل در از ضرب مر می یک شکاری، ما در فیل از بادر آمد و توام با وی یک رمه بزرگ ۱۰۶ فیل که روی همرفت سه خمس همچو ع فیلهای کشور رو ندا را تشکیل میدهد کشته شدند. انگیزه این قتل عام نه از ناحیه بدست آوردن عاج و نه از ناحیه این است که قتل فیلهای برای یک شکاری لذت بخش است بلکه روندا نخستین کشور جهان میباشد که در مقابل یک سوا لمشکل قرار گرفته و مجبور است از دو راه: حیوان و یا انسان یکی را انتخاب کند.

در اثر پیشرفتی که در سا جه نخستین قر بانی این پیشروی آدمها، گو ریلا های کو هی بو د، موصوف صورت گرفت جمعیت آنکشور از سال ۱۹۵۲ گهدو ملیون آورند و مناطق مذکور را باقطع اشجار آن قابل رهایش میگردند.

طبا بت و وقا یه از امراض در کشور آنکشور از سال ۱۹۵۲ گهدو ملیون آین حیوانات دوست داشتنی و



فیلهای کوچک به محل مخصوصی ذریعه هیلکو پتر ها انتقال داده میشوند.

لاقل ششیزار فیل امسال کشته شده است . واگر وضع بیهیمن منوال درام کند در خلال ده سال آینده تبل . فیل در آن کشور کاملاً منقرض میکوشند بار دیگر به چرا گاه نخستین خواهد شد ، در اکثر کشور های افریقایی وضع ازین بهتر نیست . شان مانند پرندگان کوچی است . جنابجه در طی چند سال اخیر شمار فیلها در کشور اوگندا به نصف قطب نمای نهانی راه خود را بازمی رسیده است . هر چند برخی از حکومت های افریقا بی برای بقای نسل فیلها تدبیری اتخاذ کرده اند ولی نزدیک ده هزار عادی این اواخر و تصمیمات موثر نیست و هر حیوان و حشی ایکه بر مزارع آنان حمله کند با سلاح نیمه انکشاف یافته بلا فاصله نابود میگردد . جنابکه قیمت دندان فیل سال بسال رو به افزایش میگارد که بنا بقول (ستندی تایمز لندن) عاج مانند طلا خوب و فروشن میگردد . یک کیلو دندان فیل در سال ۱۹۶۴ هشت مارک قیمت داشت ولی حالا از قرار فی کیلو ۱۶۰ مارک از دهائقین خریداری میشود و همین یک کیلو عاج خوب در بو رسهای عاج مامبو سا واقع کینیا تا پنجهزار مارک معامله میشود .

همجنان تو ریستهای شکاری غربی درین معامله پول خوبی بدست می آورند . جنابجه مثلاً اگر اجازه شکاریک فیل را داشته باشند از چار تابع فیل را زیادرمی آرند و عاجهای اضافی را در بازار سیاه بقیه در صفحه ۴۹

جدید شان دور هم جمع شوند و به خانه تازه شان عادت بگیرند امید تکثیر نسل شان موجود است ولی دریغ که این حیوانات خرد سال میگوشند بار دیگر به چرا گاه نخستین شان بر گردند و حرکت کو شنش شان مانند پرندگان کوچی است . جنابجه در رو دیشیا نیز سر بازان و محل شگفت است که بیاری یک قطب نمای نهانی راه خود را بازمی رسیده است . هر چند برخی از حکومت های

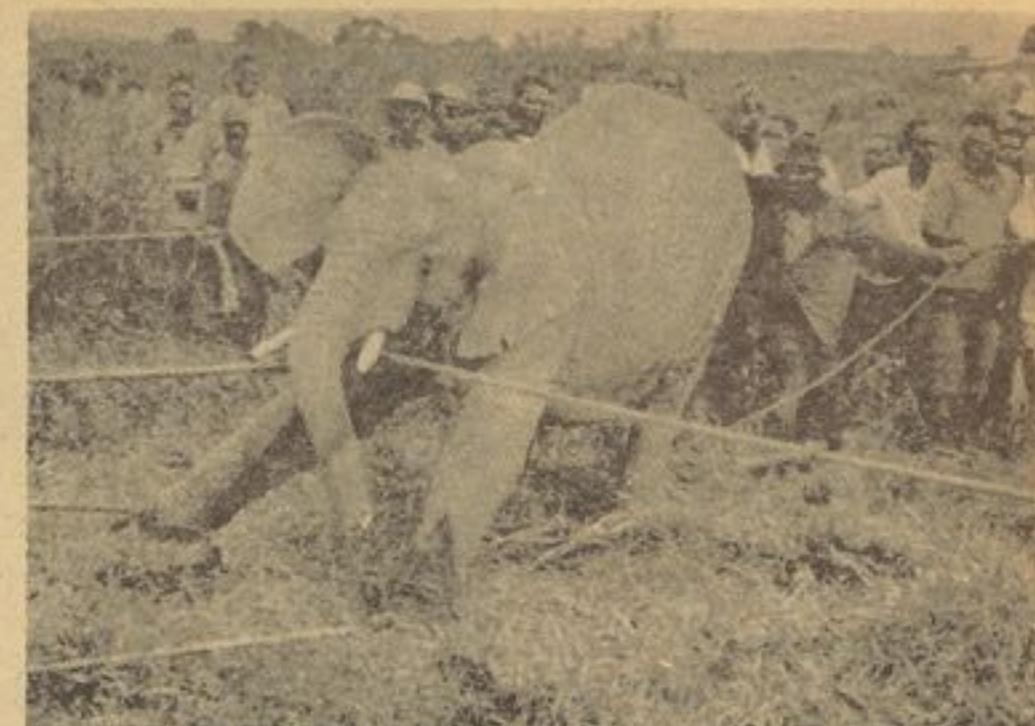
حقیقت این است که قتل عام حیوانات منحصر به رو ندا نیست . جنابجه در رو دیشیا نیز سر بازان مامور اصحاب رمه های فیلها گردیده اند و در او گندانیز همین افسانه تکرار شده است .

کثر نفوذ و توان با آن کوشش

برای توسعه اراضی مزروعی ما یه آن شده است که نسل فیلها در افریقا و بیهیمن نابودی بگزارد همچنان حیواناتی که بر مزارع دها قیمن زیان میبرند، ازین میتوانند .

عاج یک فیل پنجهزار مارک ارزش دارد

گروه طرفدار حمایه حیوانات جهان غرب باید در مقابل چنین قتل عام حیوانات افریقا اعلام خطر کنند ولی چون عاج فیل روز بروز قیمت شده میروند لبذا بحای احتیاج در بی بیهه بر داری این تصمیم بر آمده اند مثلاً حکومت کینیا اجازه شکار یکهزار زنجیر فیل را به شعبات مر بوطه صادر کردولی بر طبق محاسبه دانشمندان



مادر فیلهای کوچک تازه کشته شده و توه بآن تمام رمه فیلهای نابود گردیدند .

وحشی ، در حال حاضر در مناطق پسند میبرند که در کناره رو دخانه ها و بو شیده از بتنه زار هاو اشجار چنگلی باشد چون این مناطق اتفاقاً حاصلخیز و آباد میباشد

لهذا نخست همین موضع از طرف دهائقین اشغال میگردد . نتیجه این شد که هزاران هکتار زمین سر سبز و آباد و قابل چرای حیوانات وحشی بعد از فرار حیوانات وحشی و یا قتل عام آنان به جبهه زاری مبدل با همکاری قوای روندا نسل فیلهای مزاحم آنکشور را ازین میگردند . در حالیکه از طرف دیگر هلیکو پترها با پرواز های پائین از سطح زمین در امر شکار فیلها باری میگردند . تنها فیلهای خردسال که قرار است در پارک کناره سرحد تازه نیاتکشی گردند ازین قتل عام مصوّن میباشند .

بنابراین ببرند که نه پنا گاه ما مو نی برای شان تامین میگرد و نه غذای کافی بدست آورده میتوانستند . در اثر چنین عوامل ناگواربود که شمار میتواند منها در طی پنج سال اخیر از یکهزار و شصت عدد ۳۷۵۰ راس کا هشنس یافت . هم چنان فیلها که از نظر استهلاک مواد غذایی رقیب سرمه ختن انسان نهاده میباشند بسان میتوانند از جایگاه باستانی شان رانده شدند . اکتفا نکردن بلکه با اتیرو کما نیز به جان آنها افتادند و در نتیجه از تعداد هفت هزار زنجیر فیل در سال ۱۹۵۶ به تعداد ۱۸۰ زنجیر فیل در آغاز امسال باقی ماند . چون متناسب نه فیلها برای ادا مهندگی شان به مواد زیاد غذایی احتیاج



به یک پرواز تهاجمی ، ۱۰۷ زنجیر فیل ازین رفت

سماوی را مظهر پرستش میدانستند.
انسان قدیم بی خبر از ساختمان
فرنگی و هندسی فضای تیوری از خود
بافتند تا طبیعت اجسام سماوی و
حرکات آنرا تشریح نمایند، بطور
مثال مصریان قدیم جهان را به
قسم یک صندوق مستطیل شکل
تصور میکردند که ضلع طولی
مستطیل از شمال به جنوب و ضلع
کوتاه آن از شرق به غرب امتداد
یافته بود.

سطح زیرین صندوق را زمین
تشکیل میداد که در آن ابحار و بر
اعظم ها با هم وصل شده بودند
سر زمین مصر در ناحیه وسطی زمین
قرار داشت، و سطح بالایی را آسمان
تشکیل میداد.

بعضی ها آسمان را نیز مستطیل
شکل فرض کرده بودند به تصور
آنکه سطح آن هموار است و لی عده
دیگر به آن موافقت نداشته مخالفت
خود را ابراز داشتند، چه؟ اخیراً ذکر

به این عقیده بودند که آسمان همانند
کاسه معکوسی است که ته آن بطرف
بالا قرار داشته باشد یعنی آسمان
را بصورت یک پوشش گنبدی نما
تصور نموده بودند در هر دو ابتكار
آسمان گنبدی بود که به چهار قله
کوه در چهار جهت شمال، جنوب،
شرق و غرب وصل شده بود و بین
این چهار نقطه کوههای چین خورده
امتداد یافته که جهان را از هر سو
احاطه کرده بود.

آسمان رو بسوی زمین بوده با
جراغمهای آویخته بر آن مزین شده
بود که در موقع روز خا موش
میباشند معتقدند که چراغها را
از باب النوع در روز خاموش ساخته
در شب دو باره می افروزند که مثل
زیورات در تن زیبا رونی آسمان را
مزین میسازند.

آفتاب کرده آتشین بوده و رب النوع
(دی است) که بنام خدای خدایان،
و حکمرانی جهان شناخته شده با
کشتنی خود در دریای پهناور آسمان
به کشتنی زانی پرداخته و در هنگام
غروب کشتنی او در درده ارباب الاله
نایدید میگردید. و هنگام طلوع
دو باره درجه مذکور را ترک گفته
در پهناه آسمان به حر کت میشود.
با بلیها که در بین آنها دشمنان
زیادی سراغ می شد به موضوعات
طلوع و غروب آفتاب ظاهر شدن
ستارگان در شب، تشكیل و ساختمان
جهان و کائنات علاقه هند بودند،
کائنات برای آنها عبارت از محدوده
بود که بر سطح بحر بزرگی
می انجامید. در مرکز این محدوده با



هندو ها جهان را برپشت افعی قرار دادند.

ترجمه دکتور جیلانی فرهمند

برای با بلیها کائنات یک محدوده بود.

تشویچ زمین مرکز جهان و دیگر اجسام سماوی

معلوم میشند که بر سقف گنبدی که مهمی داشتند.

بالای سر آنها قرار دارد چسپیده چون انسان قادر به تشریح
قدیم کاملاً به نگاه دیگری به آسمان باشند و قتنی بر میخاستند طلوع چگونگی حرکات اجسام سماوی،
نظر میکنند. بابلی ها، آسوری ها و آفتاب با شعاع خود آنها را استقبال طلوع و غروب آفتاب وجود و یادگار
مصریان قدیم وقتی بزر آسمان وجود مهتاب در شب ها نبودند،

میگردند. بنابران همه این حرکات را به قدرت کبود به خواب میرفتند تلالسوی لهذا آفتاب و مهتاب و ستارگان سحرآمیزی مربوط میدانستند.

ستارگان را نظاره میکردند و به نظر سtarگان از اینجا است که اغلب اجسام

انسان امروز نسبت به مردمان باشند و قتنی بر میخاستند نظر میکنند. بابلی ها، آسوری ها و
مشترک (سیارات) در مدل سtarگان مانند اجسام بزرگی جهانی که آنها تصویر میگردند مقام



تصویر مردمان قرون وسطی از کائنات.



تصویریها آسمان را مانند داخل گنبدی تصور میکردند.

و مخدودات آن تا قرون وسطی دوام کرد.

در آن زمان زمین رایک ساخته هموار، و آسمان را بصورت نیم کره تصور میکردند مساحت جهان ساخت معین بود که در آن ستارگان بر رشمه طویلی آویخته بودند اما مطابق به توضیح دیگری در گنبد آسمان سوراخهای بزرگی وجود دارد که از آنها روشنی در خشانی خارج میگردد.

آفتاب و مهتاب را با هم تزدیک و همچنین تصور میکردند، ولی آنها را با زمین قریب تر میدانستند تا به ستارگان.

نقاشی هاییکه در اینجا نشان داده شده تصورات انسان های قدیم را در باره اجسام سماوی منعکس میسانند که اجسام مذکور حتمی واقعیت های جهان ها اند، درست است که اجسام سماوی یا سیارات بالا تر از گنبد آسمان قرار گرفته اند.

لهذا برای آنکه به اسرار آنها بپریم مجبوریم طرقی را کشف کنیم تا بردۀ را که در میان ما و ستارگان واقعست بدیریم و به موفقیت هایی نایل گرددیم.

با آنکه در قرن پیشتر امکان موفقیت های فوق العاده علمی در زمینه فضای خارجی برای پیشرفت موجود است هنوز هم مشکلاتی برای انسان در این راه وجود دارد.



هیلیوس، رب النوع آفتاب بسر عراوه طلا فی.

هندو ها عقیده داشتند که سطح دو صد سال بعد از نطفا ریچ منجم تعنانی کائنات از بحر شیر تشکیل شده است.

در این بحر که تمام جوان کائنات را دربر میگرفت سنگ پشت بسیار بزرگی حرکت میکند که بصورت تمدداب بکار رفته بود، در پشت سنگ پشت به چهار سمت چهار فیل قرار داشتند، آن چهار فیل زمین را که شکل دانیروی داشته و در حصه وسطی آن بر آمدگی که مانندی وجود داشت حمل میکردند، این کوه به قله بلندی منتهی می شد و دوراً دو رجهان را ماری حلقه کرده بود.

تمایل به تشریح کائنات و

آتش مرکزی میباشد.

معروف یونانی اولین کسی است که دریافت زمین سیاره ایست که بدور آفتاب میگردد. اما هیمارج و بعد بطیموس این تیواری عالی را رد کردند.

به این ترتیب تا سال ۱۸۰۰ میلادی عقیده هیلیو لستنر^(۲) به فرض کرده بود از بین بردنند. تا در نیمه قرن آنها معتقد بودند که زمین دارای ۱۶۹۱۵ میکاوی کویر نیک آن تیواری حرکت دورانی روزانه و سالانه بدور را دو باره تجدید کرد.

(۱) تالس از میلت: ریاضی دان و فیلسوف یونانی که مکتب ادبی و فلسفی یان ها را اساس گذاشت.

(۲) هیلیو سنتری: به معنی آفتاب در مرکز کائنات. تیواری هیلیو سنتری توسط کویر نیک بوجود آمد او آفتاب را مرکز نظام شمسی ثابت ساخت، سیارات دیگر و زمین بدور آفتاب در گردشند.

ساحة بسته زمین به قسم یک کوه بزرگی تصور شده بود که با دیوار های بزرگ و ضخیم غیر قابل عبور محاط بود.

بحر عظیمی قسمت مرکزی جهان یعنی زمین را از دیوار های غیرقابل عبور جدا ساخته بود که به حیث یک ساحة متنوعه قبول شده بود.

انسانی که جرئت میکرد درین ساحة به عملیات بی دارزد به نابودی مجرم شد مگر که از ارباب الانواع اجزء مخصوصی حاصل میکردند. اما خدایان به ندرت و به بسیار بی میلی اجازه میدادند.

بابلی ها آسمان را به قسم یک گنبد بسیار بلند مافوق تمام جهان تصور میکردند که به دیوار های اطراف نکیه داشت.

به عقیده آنها گنبد آسمان از فلات ساخته شده بود که در وفع روز روشنی آرا انعکاس میداد و در شب جهت فعالیت ارباب الانواع (سیارات و ستارگان) به یک سطح سیاهی مبدل میگشت.

یو ناییان مثل دیگر اقوام قدیم معتقد بودند که زمین هموار است^(۱) تالس از میلت (بین ۶۴۰-۵۴۶ق.م) زندگی میکردند که عنصر اساسی زمین آب را ساخته بود او نیز طرفدار نظریه بود واعلام داشت که زمین یک سطح هموار و مدور است که ذریعه بحر نامحدودی احاطه شده است، ستارگان هر شب از این آبها بیرون شده و هر صبح در آن دو باره غوطه ور میشوند.

هیلیوس خدای آفتاب که بعد ها بنام اپولو نیز یاد شده، هر صبح دم از جانب شرقی بحر ظاهر شده فضای آسمان نیکون را بسواری گادی جنگی که توسط چهار راس اسب سفید کشانیده می شد می بیمود.

از سوراخ بینی اسب های مذکور دریافت زمین سیاره ایست که بدور ستارگان با ظاهر شدن هیلیوس فوراً به آبهای غربی بحر غوطه ور می شدند.

تالس را که زمین را مرکز کائنات میلادی عقیده هیلیو لستنر^(۲) به فرض کرده بود از بین بردنند. تا در نیمه قرن آنها معتقد بودند که زمین دارای حرکت دورانی روزانه و سالانه بدور را دو باره تجدید کرد.

مطالعه این سلسله فقط به زنها توصیه میشود

ترجمه: میر جمال الدین فخری

طفل و مادر



کش و بازربیه بار آینده تقدیم می نماییم
ایند است بالو سیله توانسته باشم اندک
خدمتی به نسل آینده کشوارم انجام دهم.
(ترجمه)

• • •

طفل شیر خوار صحتمند و سالم

هر مادری را این مسئله ناراحت می
سازد :

طفل شیر خوار رس صحتمند است؟ ایا
درست و خوب نمی کند؟

برای اینکه به سوالات فوق جواب قانع
کننده ای ارائه گردد باید از بعضی

خصوصیات نموی طفل شیر خوار آگاهی
حاصل نمود.

به طفل که خوب نموده و صحتمند است
نگاه کردن کوارا می نماید: شکل وو فشع

ظاهری همچو اطفال شیرخوار بینندگان مرور
می سازد و بس اختیار تسمی روی

لیان بیننده نفس می بندد. حتی درزمستان

هم چیزی همچو اطفال ترو تازه بشاش

است. رنگ پریده اطفال دلالت برنا خوشی

طفل می نماید. ولوکه وزن، طول قدیونمی

دندا نهایش باسن و سال طفل توافق داشته
باشد.

طفل شیر خوار صحتمند به اطراف افس

نگاه می کند دست و پا میزند و با بازار یجه
هایش مصروف می شود او به لالای گفتن

احتیا چی ندارد زیرا او آرام و راحت روی

چیزی که وبا کهواره خویش افتد است.

طفل با تمام انسای دور و پیش خود علاقه مند

می شود و هر آنچه در اطراف فشن اتفاق می
افتد توجه او را بخود جلب می نماید او هر

چیزی را می بیند و کو چکترین تغیرات معنی

دور پیش او طفل را ناراحت و یا محفوظ

می سازد و جنات طفل همواره آرام، بیندار

و با اعتماد است.

طفل شیر خوار صحتمند غمغم می کند

روندون

مطلوبی که تحت عنوان طفل و مادر تقدیم
می شود مسائل تربیة درست اطفال خورد
سال را احتوی میکند که توسط اطباء و
پروفسورهای مسجرب هنگری در نتیجه
سالبا زحمات و تجارب بیکثیر شان برگشته
تحریر در آمده است.

هر مادری آرزو دارد طفلش را صحتمند
قوی آرام و بشاش، منظم و زحمت کش
بار آرد نیل به این آرمان فقط از طریق
درست تربیه نمودن آنها حاصل میشود که
باید از اولین روز تولد آنها به این اقدام
دست زد.

در همه اول و سال اول زندگی ارگانیزم
(وجود) طفل به سرعت نمودی کند و بزرگ
می شود. در همین دوره مسٹو لیت تربیة
طفل از هر وقت دیگر بیشتر است جزو نکه
همین دوره تهداب و اساس نمودی بعدی او
را تشکیل نموده و زیر بنای شخصیت
آینده طفل محسوب میگردد.

وا لدین و با الخصوص مادر طفل
مجبور اند تادر مورد غذا و مواظبت اطفال
راجع به رژیم روز، تعطیر و یاکی و نظافت
او و معالجه امراض اساسی اطفال اطلاعات
مختلف و وسیعی داشته باشند.

درهوارد شوق اطلاعات کا فی را
دکتور ماکدا و دکتور بیکلر ایمی توبیه
و بد سترس خوانند کان هنگری گذاشته
اند که خیلی به زبان ساده هردمی نکاشته
شده است. این رساله تابحال در خود
هنگری بیش از ده بار تجدید چاپ گردیده
که هر باری با ((رسن)) اهالی مواجه و
نایاب شده است.

از آنجائیکه علاقه خاصی به اطفال
می جوداییکه آینده کشوار ما بدون تردید
بدست آنهاست. دارم اثر نا میر دگان
را به زبان دری بر گردانید و به زنها -
خاصتا به مادر اینکه آرزو دارند اطفال
صحتمند، قوی، آرام، بشاش منظم، زحمت

قصه‌ای از خصدها

تقطیم از: هریم معجوب

معصوم رابه بادلت و گوب می‌گرفت. و حتی می‌خواست که یکی دورتر به مرا هم بزند ولن کند. ولی من با این همه خشونت و جنگ می‌ساختم و خم به ابرومنی آوردم. زیاد تلاش داشتم تا بتوانم از راه های معقول و پستیده اورا از این روش منعطف بسازم و باعث بتوانم علت این آشفتگی آنرا بدانم ولی کمتر موفق می‌شدم.

چهارم از این وضع گذاشت. چهارم‌ها یکی که چون جمیعی برایم بیش نبود. رفتار شوهرم هر روز بدتر از روز های دیگر هیشد. شبها ناوقت به منزل می‌آمد و کمتر دست نوازش به سرفزندانش می‌کشید. تاینکه چه بگوییم؟ شاید شما باور نکنید که در درون این مرد اتفاق بیش نخواهد بود. این مرد که در اوایل چون پروانه بدورم می‌گشت و چون بت پرستشم می‌کرد. اندیشه اش تغیر کرد. سه گودکش را فراموش نمود به

سراغ زن دیگری رفت که با هزاران حیله و نیزه‌گش اورا بداعم اندخته بود. شوهرم از من می‌خواست تا طلاق بگیرم و از اوجدا شوم تا بتواند از ادامه به عمل شومنش اقدام کند. او اصرار می‌کرد که باید از من جدا شود. باور نکنید که اگر کوهی بر سرم واژگون می‌شد تا این حد شانه هایم احساس سنتیکی نمی‌کرد. بدنم لرزید، پاها می‌ست و ناتوان بسوی روزی چون روزهای دیگر با هزاران استیاق با گودکانم انتظار آمدن شوهرم را می‌کشیدم. غذاءه دودست و لذید تراز روزهای دیگر بخته شده بود. وقتی شوهرم آمد برخلاف روزهای سابق اولاً سردویی اعتنای بازی های کودکانه سه طفل و تانیا بی توجه و به سلامیکه من برایش دادم. اولایه این وضع چندان توجه نکردم و هوشی را تقدیر جدی تلقی نه نمودم. بیش خود فکر می‌کردم شاید کسالت داشته باشد و یا هم موضوع دیگر ازین قبيل.

چاره نبود. ولی باز جدال کردم، در زمانی که هنوز بیست و دو سال بیشتر نداشتم این نامرد خواست تامر اطلاق بدهد. اشکهای فرزندانم برایش اوت نبود. دل سئش سخت ترازان بود که فریاد مادران را کنند.

اکنون چهار سال از این واقعه می‌گذرد. هنی در دهمند، ناتوان از گم ایام باشه کودکم در اتفاقی که زن شوهرم برایم داده زندگی می‌کنم.

در این مدت طولانی فرزندانم بزرگ شده‌اند، امام‌حروف از درس و تعلیم. و اکنون کارم در این فضای سردویی بیشتری جز سوختن و ساختن چیز فریاد می‌کرد بدون هوجب هر یکی از اطفال

زاده را پدرم معرفی می‌کرد خواست

تاجی خالی هادرم را با وجود ذنی دیگری پر کند و این کار را بعداز گذشت شش ماه از هر گز دست لباس صورت گرفت. وقتی به منزل شوهر گرد و ذنی را به منزلش آورد. من فارغ از همه رنج های زندگی این زن را مادر صدای می‌کردم و نیازمند محبتش بودم.

اما او، با همه نزدیکی که با من داشت و خودش را زن داشت، فاصله ها زمان دور بود. امی خواست خودش فرزند داشته باشد و با تولد فرزندش خلائقه بین من واوبود عمیق تر گردید و فاصله زیادتر.

پدرم در دنیای خودش بی خبر از من و سرگرم گردید و آتش زندگی را خودش می‌گذراند.

روز بروز در دهایم افزوده می‌گردید و غمها می‌زیاد. این فامیل کوچک و تقریباً بیگانه با من، در هر روز

زمان بزرگ می‌شد و فرزندان دیگر به این حلقة افزوده می‌گردید زمانیکه تازه فویلیم هادرندارم و این زن هادر اندرم است. احساس کردم که در این دنیای بزرگ تنهای تنهایم. و حتی پدر

هر راهه حیث فرزندش نوازش نمی‌کند. در همین ایام بود که توفان دیگر بوقوع پیوست و زندگیم شکل دیگری را اختیار کرد. ولی هنوز خود را کوکد احساس می‌کردم، هنوز نیازی به بازیجه و گودی داشتم، هنوز هشت سال بیشتر از

سنت نمی‌گذشت که پدرم بساط شیرینی خود را هر راهی کی از اقوام پهن نمود و هر رسم ایام خسته از حادث روزگار و گردالود از میسر پر نشیب زندگی.

حاله‌هایون لانه نیمه‌جان در بستر سردهمایم باشه کوکد غربت زده ام تنهای تنهایم.

و اکنون که دستانم بروی صفحه کاغذ برای نوشتن این درد نامه می‌لغزد، پناهگاهم را شما یافتم. شاید نوشتن این نامه تسلی بر دردهای بیگان من باشد و پندتی برای پدران همچون پدر فرزندان من. فقط همین وسیله

کوکد بودم. شاید به نظر شما هشت سالگی مرزی باشد برای گذر ازیک دوران بدوران دیگر.

از آن گودی ها و بازیجه های اتری نبود. دنیایم عوض گردید و چیزی عمدت فکم را اندیشه مردی تشکیل میداد که می‌خواست شوهرم شود و هر دزندگیم گردد.

مادر اندرم ظالمتر از سابق همه کار های منزل را به من محو کرده بود. کودکش را من باید پرستاری می‌کردم، خانه اش را من باید

چاره بیزد، غذایش را من باید من یخشم و بازیجه هایم را.

طوریکه از دیگران بعدها شنیدم، هادرم در از راهیان طفیلی دنیارا ترک کرد و طفل هم بعداز هدایتی نیز هر داد.

من اولین فرزند خانواده بودم. بعداز مرگ

سلام دوستان ۱

چندی این صفحه انعکاس دهنده درد ها و رنج های دوستانش نبود. آنانیکه بزرگوارانه غمها شانرا، اندوه های شانرا توسعه

نامه ای برای ماتحریروم داشتند، بدون نشر یا جواب باقی می‌ماند. ولی اکنون بار دیگر

تصمیم گرفتم تنانه های دوستان بسون پاسخ نباشد و این صفحه چون گذشته ها آمده است تادردها و غصه های دردمندان و غصه داران را انعکاس دهد.

در این شماره نامه ای داشتم از خواهیکه بیرون در نامه ایشان تاکید کرده بودند تاهرچه زودتر به نشر نامه ایشان اقدام شود.

اینهم نامه خواهی ها:

اندوه دارم و درد، غصه دارم و رنج. و این همه باعث ساختند و سراسر وجودم را پودند.

قصه‌ام طولانیست و سالهایست با منست. ولی من درد زده این قصه را در درون مدفعون ساخت و با خود برای واژگون گردان آن چدال

نمودم. جدایی که دوام کرد و نتیجه نداد.

وحالا وجودم تکیه از غمها یا بیان نایدیر است.

نم خسته از حادث روزگار و گردالود از میسر پر نشیب زندگی.

حاله‌هایون لانه نیمه‌جان در بستر سردهمایم باشه کوکد غربت زده ام تنهای تنهایم.

و اکنون که دستانم بروی صفحه کاغذ برای نوشتن این درد نامه می‌لغزد، پناهگاهم را شما یافتم. شاید نوشتن این نامه تسلی بر دردهای بیگان من باشد و پندتی برای پدران همچون پدر فرزندان من. فقط همین وسیله

کوکد بودم. شاید به نظر شما هشت سالگی مرزی باشد برای گذر ازیک دوران بدوران دیگر.

از آن گودی ها و بازیجه های اتری نبود. دنیایم عوض گردید و بی‌کسی ام به همین مردی تشکیل میداد که می‌خواست شوهرم شود و هر دزندگیم گردد.

مادر اندرم ظالمتر از سابق همه کار های منزل را به من محو کرده بود. کودکش را من باید

چاره بیزد، غذایش را من باید من یخشم و بازیجه هایم را.

طوریکه از دیگران بعدها شنیدم، هادرم در از راهیان طفیلی دنیارا ترک کرد و طفل هم بعداز هدایتی نیز هر داد.

من اولین فرزند خانواده بودم. بعداز مرگ





کنگره بین المللی زنان در آلمان شرق

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته راحله راسخ

این کنگره را تشکیل میداد که مورد کفتوکوی همه نمایندگان قرار گرفت و بصورت خاص در بازارهای بیسواردی و محروم بودن زنان ازین نعمت حیاتی صحبت به عمل آمد که این در دادعه می و همکاری زنان جهان و بخصوص عمو میست آن در کشور های آسیا بی، افریقا بی و امریکای لاتین بیش احساس می شود.

تبیعیضات بین پسر و دختر و زن و مرد، مورد بررسی و تدقیق همه جانبه کمپیون مربوطه قرار گرفته که ریشه اصلی و علت اویله آگاهی، انرژی و تدبیر زنان در راه آن محیط خانواده شناخته که باید درد آور اجتماعی آنقدر با اهمیت از همانجا مبارزه علیه تبیعیض صورت می نماید که دور بودن زن از اجتماع گیرد و پسر و دختر بدون آن کی برتری و امتیاز از خانواده اجتماعی از عمل اساسی عقب ماند هاو یکی از علل اساسی عقب ماند هاو عقب گرایی ها بشمار می آید.

مساویت و فراهم آوری شرایط متساوی در همه ساختهای زندگی یابند تابا همین رو حیه در اجتماع برخورد صورت گیرد.

هزد مساوی در مقابل کار مساوی در اکثر کشورها برای زنان مانند مردان میسر نیست و جهانیان علیه از لذت های اجتماعی و کمیودی های اساسی همین عدم مساوات بین زن و مرد را به حساب می آورند وروی این درد همکاری مفصلاً بحث و مذاکره صورت گرفته و نقش زنان دو بازه روشن گردیده بود که درین کنفرانس روی آن صحبت گردید.

برعلاوه آنچه مختصر از آن - تذکار به عمل آمد، در کنگره مطالب مهم و حیاتی قابل تو جهه است.

دیگری نیز طرح گردید که معاشر افغانستان است تا زنان بتلو اند باهمکاری نزدیک و بدون تبعیض مطالبه شده تا درین راه مشترکاً به مردان در راه خواسته های عمو می خواشند. با این یادآوری مختصر آرزوی همه زنان جهان و زنان جمهوری اسلامی افغانستان است تا اینها این اقدامات عملی و موثر دست زنند و در بروبلم بیسوادی بصورت عام خدمت مردم و اجتماع قرار گیرند، در همه جهان، مووضع مهمی دیگر زیرا خواسته اصلی و اساسی مبارزه زنان ایجاد شرایط صلح و آزادی انسانهاست و بس.

از آوانیکه سال بین المللی زن آغاز گردیده تاکنون ده ها و صدها کنفرانس بسویه های ملی و بین المللی تدویر شده که به ارتباط خواسته های عمو می زنان تحت عنوان جهانی صلح، اکشاف و مساوات کنفرانس، به ارتباط روحیه عمو می نقش از زنده از خود بجا گذاشتند که حتی در آینده های دور نیز می تواند رهنمون مجادلات و مبارزات زنان باشد.

به سلسله کنفرانسیهای بین المللی زنان یکی هم کنگره بین المللی زنان در بر لین شرقی است که در آن بشمول هیئت نمایندگی زنان جمهوریت افغانستان دو هزار نماینده از (۱۳۵) کشور اشتراک داشتند. جلسات کنکره از تاریخ ۲۰ تا ۲۴ اکتوبر دوام نمود. که در اخیر خواسته های مشترک که زنان می توانند در میلیونها زن از سراسر جهان در برابر اعلام های محیطی ایشان طرح تعکیم صلح جهان جناب اتفاقاً نموده که از واقعیت های واجتیاجات میرم جهانی نماینده گی می گند و بین کنفرانس که زنان می توانند در مبارزه خویش درین راه هم موافقت باشند.

روی عقب ماندگی ها و علل و ریشه های اصلی تفاوت های

د پشتو خیر نو

کمیسیون په سلا او همکاری و رسپارل
شوی وظیفی به مع بوشی او داطلا.
عابو او ګلتور دوزارت د پښتو د
انکشاف امریت دفو لکلور دیبار تمنت

هول دهند خخه کمون کړيده او د
د تاریخ ټولنه، د آریانا دایره المعارف
د ګابل یو هنټون دادبیاتو او پشري
پوهانو چه دخلو رسمی او شخصی
علومو دیوهنځی دېښتو دیبار تمنت او
د اجتماعی فلسفی پوهنډی دیبار تمنت د
پوهنډی وزارت دنالیف او ترجیمی دیست
او خینې نوری علمی مؤسسي به یې
همکارانی او مرستندوی وي.
پښتو ټولنې به دی منا سبست
په یو شمیر کتابونو کار ګړي دی چه
خینې یې دچاب نهارو تلی دی او خینې
یې دکار لاندی دی چه ده غو له جملې
نه انکلیسی په پښتو قاموس، د
افغانستان زې او توکمونه دمیر زا
خان انصاری دیوان، پښتو پانکه یا
دوی شو او د اطلا عابو او ګلتور د
وزارت دېښتو او انکشاف آمر یست
دېښتی خزني اصلی نسخه چا پ
کړي ده.

دادبیاتو پوهنځی به دی مناسبت
دادبیاتو پوهنځی به دی مناسبت
ددوہ ټوکه کتابونه چا یو چه
لوړۍ ټوک یې دعبدالرؤف پښوا
نالیف دافغانستان تاریخي پښتی دی
او دوهم ټوک یې دیوهنځی حبیبی
اند پښتو ادبیاتو تاریخ دی.

دغه رازبه دی منا سبست یو شمیر
ښاغلی عزیز حمید پنا غلی اړ یو.
خیر ندوی خدمتکار، پنا غلی معتمدی
ښاغلی خوبن، محترمہ کبرا
مصطفی ښاغلی محمد عارف غروال

ښاغلی رفیع او ښاغلی نظربل شوی
خر ګنډ کړي دېښتو ټولنې دېښتو
خیر نو دینالی مرکز دینالی
سیمینار پرو ګرام او یه دی برخه
کښی یو شین ګلن یلان دیوه علمی
کمیسیون له خوا برابر کړي دی.

دېښتو زې دخیر نو دینالی
مرکز په بینالی سیمینار کښی.
چه همدا او س روان دی دېښتو زې
دېبلو بیلوا په خو نو دخیر نسی او د
هغه ده دېښتو دکلوری پالیسی
باشدی دېښت په ترخ کښی به هغه
شین ګلن یلان هم غور کېږي چه د
دخلور سوهوم تلين سیمینارونماڼڅل
شو چه دروبناني نهضت په بیلوبیلوا
ارخو نویی یوره ریا واچولی شوه.
لکه چه دېښتو ټولنې سی رئیس

پرو فیسر ګیورګ مور گنسران
هغه کښی دیو لپ ګیورو هر اړخیزو
خر ګنډ کړيده دېښتو خیر نو دینالی
داسی کارونو دسرته رسیدلو پیش
بینی شوی دی چه دېښتمولی زې د
و دی او پرمختیا دیباره په بینا دی
ټولنې په یو کا پ کښی وده او

انکشاف کړي، ددغه من کز منشی
دېښتو ټولنې رئیس دی چه یو
اجراییه خانګه هم لري په دی علمی
مرکز کښی به سکر تریت دعله می

دغه پلان به یه یو سیمینار کښی
دېښتو ټولنې رئیس دی چه یو
مالی او تاخنکی مرسته عملی شی.
پاڼی ده ټولنې ټولنې

د پښتو خیر نو

دینالی مرکز

دینالی سیمینار

خو شوونکی خصو صیت په وجه
ولس یا خیدلی دی او خیل هیوادیو
آزاد کړي دی.
کله لاله دی خایه په غلونه شوی
دی او ددی هیواد شا هانو په سورو
هیوادونو کښی فتو حات کړيده.
تاریخ رابنی چه کله زمونږ
هیواد په هره سیمه کښی یو ملک
په امیر ناست دی او په یو وطن کښی
خو ملکانو او امیرانو ملو کیت او
امارت کړيده دوی خیلو کښی هم
سره جنکونه کړيده او یو پل او
پی مات کړي دی.

په هر صورت دخاوزی او آزادی
نه دفاع په وختو نو زمونږ ولسونو
شرافت مندانه عاد لانه جنکړي کړي
دی او کله لاد ساده سیمیناری او خوش
باوره زړه له برکته غا صبا نه جنکونه
بری تحمل شوید.
کله په خیلو کښی دتر یکنیو او
کورنیو او قبیلوی جکرو دجا هلا نه
جنکو نو په اوروپو سو زید لی او
په خیل ټویک ویشنل شوی دی.
دغه رنکه پر له پسی جکرو او

دایمی نښتو ددی غرنې هیواد دخنکو
په طبیعت کښی حماسی رو حیه
پاللی ده چه ده غنی انګکا س له لرغونو
زمانونه په ادبی آثارو شسوی دی او
افغانی ادب دافغانی حما سی جنک
او توړی ننک او میرا نی او ده هیواد
ددفاع په لار کښی دقربانی او زپوره
کلکو تپو کی تپه شروی ده اود
جنک په وخت دجکر مارو دلښکرو
په غلونه په دی لار شوی دی چه کله
کله لاد تپی کوونکو ستر ګی په دی
خاوره سری شویدی او درنکا رنک
کلکو نو ددی بشکلی هیواد نه یې ده اود
وینو دتوبیدلو او دسرو اورونو دبليدلو
په جوړ کړيده.

د دسو لی او کراری په وخت تجاری
کاروanonه په دی هیواد تپه شوی را
تپه شوی چد (وریپس لار) ده مدی
هیواد دکر لیچنو درو دنوره آیزو په
کلکو تپو کی تپه شروی ده اود
جنک په وخت دجکر مارو دلښکرو
په غلونه په دی لار شوی دی چه کله
کله لاد تپی کوونکو ستر ګی په دی
خاوره سری شویدی او درنکا رنک
کلکو نو ددی بشکلی هیواد نه یې ده اود
وینو دتوبیدلو او دسرو اورونو دبليدلو

په جوړ کړيده.
د ده هیواد زپوره خلکو تل دتپی
کوونکو په مقابله کښی دفاع کړيده
او د خیلو وینو او سرونو په قر بانی
په د خیل خاوری ننک او نا موس
ساتلی دی.

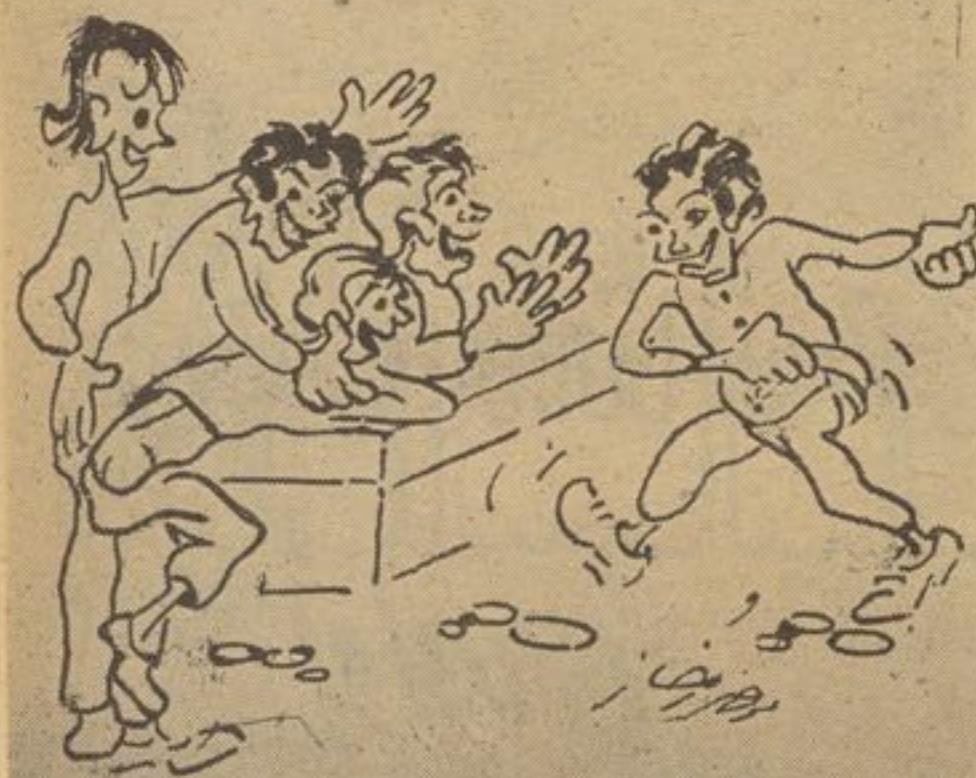
کله کله دخه مودی دیباره دې دو
او جلال مظاہر لیدل کېږي هم یې
تسلط هم پاتی شویدی مګر زمونږ
دېښتو ده دا زادی
په د خیل خاوری ننک او نا موس
ساتلی دی.

هه دعشق دلیو نیو د ذنخیر
دچایر یا د راز تائیر اټوله امنه
هم ددوي په طبیعت کښی دجمال
او جلال مظاہر لیدل کېږي هم یې
په د خیل خاوری ننک او نا موس
ساتلی دی.

هه دعشق دلیو نیو د ذنخیر
دچایر یا د راز تائیر اټوله امنه
هم ددوي په طبیعت کښی دجمال
او جلال مظاہر لیدل کېږي هم یې
په د خیل خاوری ننک او نا موس
ساتلی دی.

ریشلیو نبود؟
معلم ما با همان لحن حشمتنا ک
صدا کرد:
— غلط...

ورفق ما بجای خود میخکو ب
شد، آنوقت معلم صاحب رو بین
کوده گفت:
— تو که تمام روز شو خی میکسی
جواب بدده... یک سوال ساده ازت
می پرسم، در جنگی که بین ناپلیون
ولارد و لینکلن در واٹر لو صورت
گرفت چند نفر از عساکر ناپلیون و
چند تن از سر بازان طرف مقاومت



او به جای حساسی از قصه رسیده بود و به اثر سر و صدای زیاد معلم
صاحب متوجه هاشد

لکنت زبان گفت: بقتل رسیدند، دلم مانند سیر و سر که
صاحب... شاید خودش بجوش آمد من که از هر چه حساب
آبیاری یاد داشت معلم فریاد زد. والجبر بود تئور داشتم. از بخت بد
درهمضمن تاریخ هم از من جواب

— غلط
نوبت رفیق سو می رسید، حسابی میخواست آهسته گفت
معلم انگشتتش را بطرف اوراز کرده صاحب چه فایده داره که بدایم

چند نفر از عساکر ناپلیون یاطرف
مقابلش کشته شد، یاد آوری و

دانستن تعداد تلفاتی که بخاطر طر
قدرت نمایی دو مرد خودخواه جان

سپرده اند بچه درد مامیخورد؟

معلم که بی بعد بر افروخته شده
بودواز کلانکاری من پیشتر عصبانی
شده سیلی محکمی بین گوش شدم
نوایخنه گفت:

— بی تربیه ها... تنبیل ها... درس
نمی خوانی و کلانکاری را هم یاد

دای. وه واه... فردا مسوو لیست
این آبو و خاک بدست این قسم اشخاص

سپرده میشه، شما که درس نخوانین و
نوت های خود را از بر تکینین فردا

با کدام دانش به این مملکت خدمت
بقیه در صفحه ۴۸

معلم تاریخ داخل صنف شد، همه
از جا بلند شدیم و طبق عادت
رسیده بود و به اثر سر و صدای او
همیشگی معلم ها چند بار دستش را
نکان داد که یعنی «بنشینید بنشینید»
بعد ازینکه معلم ما بکس خود را
بروی میز گذاشت دستها نش را بهم
مالیده گفت:
— قبل ازینکه بدرس امروز را آغاز
کنیم از درس های گذشته می پرسیم
وای بحال کسی که در سهای
گذشته را نخوانده باشد. من و دوسره
نفر از همصنفان بازیگو شم در آخر
صنف نشسته بودیم اسد هم صنفی
ماقصه فلمی را که بتازگی دیده بود
برای ما تعریف میکرد اونه تنها
توانست جواب بکوید، ما هم نمی
فهیمیدیم که برایش نقل بد هیم.
هیروی فلم را عمل اجرا می نمود
ماکه سراپا متوجه او بودیم گاه
کاهی یک نگاه دزدکی بطرف معلم
وقتی که افراسیا ب خود ش

می انداد ختیم، تا اگر متوجه مجلس را به دریای جیحون انداد
ماشود بتوانیم زود دست و پای خود چه کسی اورا نجات داد؟
را جمع کنیم. اما از بخت بدرفیق رفیق ما قادری غم کرد و بعد با



در آخر صنف چه گپ است؟ شما هر چار تان ایستاده شوید
هله زود

- هلو ، بفر مایید ، منزل دا کتر شهر خارج نشده بود که نز دیک وانیاک .

اشاره ترافیکی بنا بر علت سرخ صدایی از آنطر فیجووا بداد : بودن علامت ترافیکی ناگزیر بر آن من داکتر هایدن ، نو کر یو ال شد تاموترا را متوقف سازد .

شفاگاهه گلیتر فال هستم ، می باران باعهان شدتی که می بارید خواهم با داکتر وانیا لاصحبت کنم . ودانه های آن مرد ازید وار به شیشه خودم وانیاک هستم ، فر مایشی های موثر میخورد ویاتشکیل رشته باریکی از آب به پایین سرا زیر حست .

- ببخشید که درین وقت شب میشد درست در فر صتیکه علامت مراحم شما شدم .

رنگ سبز اختیار کرد و به دا کتر اجازه حر کت داد مردی بالباس

- بچه پانزده ساله بی هنگامیکه کنه وبالاپو شن سیاه در حا لیکه تفنگ شکاری پدرش را که در زیر بالاپوش چیزی را حمل میکرد گوشه اتفاق بوده برش داشته تصادفا در واژه عقبی موثر را گشود و بروی دستشش به ماشه تماس کرده و سیت عقبی قرار گرفت .

مر می از آن خارج شده که این مردمی پرسید : داکتر وانیا کجا خونسر دی

هم بسر خودش اصابت کرده ، مسیر تان کجا است ؟

حالت خیلی بد است ودر وضع ناگواری قرار دارد ، اگر زحمت همین طرف رو برو .

خوشبختانه را هی که منه میروم روبر است .

موتر حر کت کرد و بدو نآنکه خوب حالابو جود من چه ضرورت میان ایندو دیگر کلمه بی ردو بدل است . شما داکتر دیگری را که نزدیک شما و شفا خانه است بطلبید .

شما داکتر جرا حی هستید و مرض ماهم به عمل جرا حی ضرورت دارد تا مردمی از سر شن بیرون کشیده شود .

من زیاد تر از ده میل باشفاغانه فاصله دارم .

درست است ، درست است ، داکتر سرا غی از داکترا ن دیگر بدست تیاوردیم ناگفته تمامند . پدر این

بچه بولی تدارد ویک شکار چی است . از اینرو بشما بول داده نمی تواند .

هیچ مهم نیست فو را حر کت میکنم ، خدا حافظ .

خدا حافظ .

داکتر وانیاک گوشی تلفن را رسرا جایش گذاشت و باعجله از اتفاق خارج شد تا بشفا خانه برو د - و

وقتی در حوالی رسمید باران هنوز هم با همان شدت می بارید واز همه جا بوی گل ولای بمشام میر سید . او در حالیکه زیر لب زمزمه میکرد که چه شب طو فانی است

به او نفرین می فرستاد واز شدت خودش را به موثر شخصی اش که بارندگی تقریبا تمام لبا سها یش در گراج قرار داشت رساندو گلید

میکرد نکریست و بعداز لحظه یی داکتر وانیاک بابی میلی از جایش در حالیکه به چیزی می اند یشید و برحاست و قبل از آنکه به تلفن جواب درمومتر راگشود کتا برآشانی کرد و باره یه یک گوشه اتفاق آنعا که چند بدهد صفحه کتا برآشانی کرد و تا آرام چو کی گذاشته بودند ، آمد وقتی گوشی تلفن را برداشت گفت :



ترجمه و تکارش : ابراهیم سایق

از هنا بع انگلیسی

تصادف عجیب

داکتر وانیا کو وقتی نان شبش و روی یکی از آنها نشست . داکتر وانیاک در حالیکه صفحات را صرف کرد ، کتابی از الماری کتب خود برداشت و در حا لیکه کتاب رایکی بعد دیگر بر می گشتند آنرا میگشود بظرف ارسی اتفاق وزیر لب زمزمه کرد : روان شد ، پرده را پس زد واز آن و بعد صفحه را گشود ویاها یش آبها که از ناود آنها سرا زیر شده را برابر یهیم نهاد ، هنوز بمعالمه بود گوشش فرا دادویه تما شای دانه سطور بعدی نیز داخله بود که های در شت باران که در آینه تماس زنگ تلفن منز لش بصدای آمد . داکتر وانیاک بابی میلی از جایش در حالیکه به چیزی می اند یشید و برحاست و قبل از آنکه به تلفن جواب باره یه یک گوشه اتفاق آنعا که چند بدهد صفحه کتا برآشانی کرد و تا آرام چو کی گذاشته بودند ، آمد وقتی گوشی تلفن را برداشت گفت :

و با کمال بیصری از پیرا هه یسی
دوباره بشفا خانه بر گشتم و اسی
شما هنوز هم نرمیده بودید . . .
نمیدانستم ، نمیندا نستم گناه
مرگ پسرم بگرد من است ، بدارم
بکشید نگذارید دیگر زنده بما نم
ورنج بکشم ...
هنوز گپهایش تکمیل نشد هبود
که فریدی بسر آورد و نقش
بر زمین شد .

(بایان)

رابع شدیدی می فشرد بسی
آهستگی گفت :
که اگر شفاخانه نرود زندگی آن آه ، این همان احمقی است که
چه کنم . بول نداشتم و در عین
حال بدراکتر هم ضرور تاحسا س
میشند ، من بعد از تلفن داکتر
هايدن بشما ، آدرس شما را گرفتم
و برای آوردن شما آدمد واما در راه
نفعمیده موثر تان را ربود متأبا
عجله شما را بشفا خانه بیاورم .
وقتی هایدن گفت :

ساین مرد پدر همان بجه است .
من گفتند شما سوی شفا خانه
مرد ناشناس در حالیکه گلویش حركت کرده اید ، منوم بسر عنت

باره بخانه خود بر گردید . به مردی افتاد و ناخود آگاه فریدی
شفاخانه برود و با خود در جداول بود زد :
که اگر شفاخانه نرود زندگی آن آه ، این همان احمقی است که
بچه در خطر است و اگر برود به موثر را زبود .

داکتر وانیا ک در حالیکه از شدت
چه صور تی .
چون در آن وقت شب هیج وسیله بی عصبانیت می لر زید بجه مسد
بیدا نمیشد تا اورا بشفا خانه ناشنا سن نکریست و متوجه شد
برساند بالاخره تصمیم گرفت تا که اشکها دور چشمها او حلقه
پایی پیاده بسوی شفا خانه حرکت کت
بسیه ودانه دانه فرو میریزد .

داکتر شاید موثری از راه بگذرد ردواد
کند . شاید موثری از راه بگذرد ردواد
را تاشفاخانه برساند .

پس از طی فاصله بی در یک
قسمتی از آن جاده خلوت و تاریک
غرفه تلفنی تو جه اورا بخود جلب
کرد وانیاک با خود اندیشید که
بوسیله این تلفن بیکی از سینیشن
های تکسی اطلاع بدهد و تکسی بی
بطبلید .

هنوز ساعتی نگذشته بود که
تکسی بی مقابل غرفه تلفن که داکتر
وانیاک آدرس داده بود تو قفس
کرد .

داکتر وانیاک وقتی بشفا خانه
رسید ساعت دوازده شب را نشان
میداد .

دهلیز شفا خانه خلوت و آرام
بود ، صدای پای داکتر وانیا ک در
دهلیز می پیچید و او باشتاد بطرف
اتاق عملیات در حالیکه بسطح راه را
مینگریست قدم بر میداشت ، یکبار
متوجه شد که داکتر های دین مقابله
ایستاده و بانگاه های مایوس کننده
وایر از ملامت به او مینگرد .

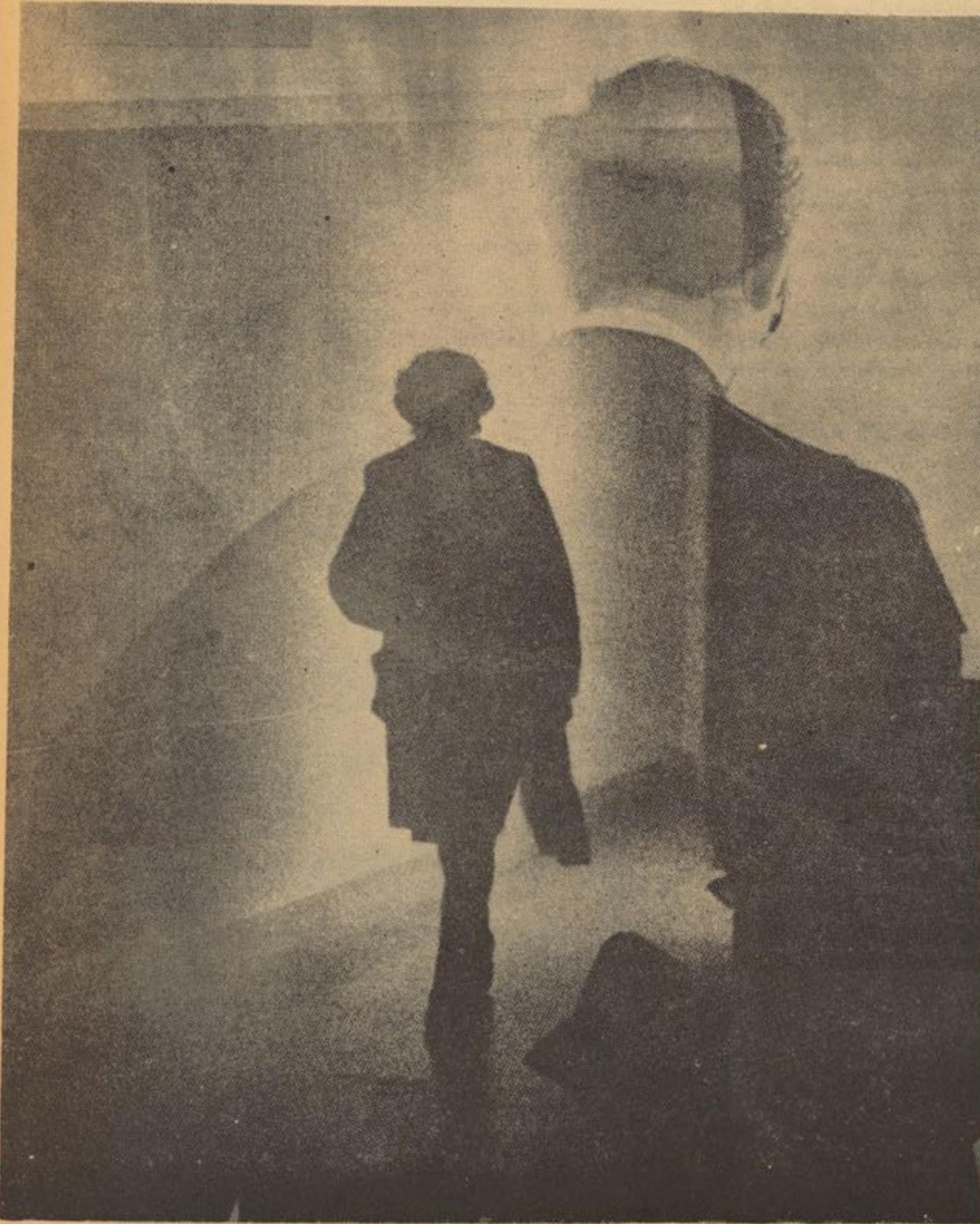
داکتر وانیاک گفت :
چه شده داکتر ؟! چرا اینطور
یعنی نگاه میکنی ، حال مریض چطور
است .

آمده ام تا آخرین سعی خودم را
برای نجات او بخر ج دهم .
متاسفانه مریض یک ساعت
بیش

هنوز داکتر صحبتیش را
تکمیل نکرده بود که وانیا ک میان
حرفشن دوید و گفت :
- اووه ، خدای من !

- آری ، آنهم در انر کم تو جهی
و دیر رسیدن شما .

آنها در دهلیز برای افتادند و
بدون آنکه چیزی بگو یندبه اتاقیکه
مرده در آنجا بود ، رفته و پس از
دیدن او وانیاک چریان راه را به
داکتر هایدن گفت :
اندو هردو بظرف اتاق انتظار
رفتند ولحظه بی بعد و وقتی پای درون



فرار ییکه دو سال پولیس را فریب داد

بیووس بید
زئی که ظاهرا به هرست شیاهت داشت
در جار راهی نیوپارک تایپن فلم می زد با
ر سخن علیه بیو لیس ملأومت کرد و
و پیش را نشان نداد در مرحد مکنیکو
بر ملا سه هزار (فیسب نهاد) بظاهر اینکه
هرست فرار نکند مورد معافیت فریادگر نشد
بیو لیس فضای ارجمندو هادمه شد «مجله



مژده ای پیغمبر شد او را زنایم نوکسه
رد نگری تکریه داد و همین به بالان در پایان
نه و نظرکل از کاتلون حمل مسلح
پیشان ریاض مسلح نه ۲۵ سال زندان
بردازد و ممکن در حالتی که او سردار
حکوم به حبس ابد شود درین نکته
بای خاست و با هیجان منت گشته
کس را که سهیول انقلاب اجتنبا نمی
داند گذشت.

قطع جاذب ۹۲ تیری در نیویارک که در
کروه ویدمن بود استثنای می گردید
میان تعطیلی پانز بیولس نهاده شد به این
روزه پانزه کالی بیولس ۳۴ ساله که در
بب تکاری در گرینویچ هنرهای بوده اند
آنست بعد از این پانز مورد شکاف
برفت و از تو دوری گردند .



مرتبہ مکالمہ تحریر



الوئام بالذكى ذر هرت هنكل بالذكى عكس عرف

خواه	بلندگرد
بود	تو بیت بیل و امیلی هاریسون دوستان
رسید	ها ویس هنکاییکه یاکی بدرور
گذاشت	فریاد کرد (دوستان چلو ر
حکم داشت	پالید) بود دسترس
نه	نه پانک بلند گرد. ها ویس پس
کمال	سلاح غیر قانونی محکوم استواریان
گر	۲۵۶ داده تسبیح کار است



سندھ میں اگر تاریخ و فکار

دغایع گفته نویف کرد و دست دراز شنیده بانی
را فتورد .
بعد تبوت پاتری هرست رسید «عطاچیان
در ایالات مردمخ سفر میکردند لا از لندن دیگر
فقط راهکه از جانب ایالات متعدد امریکا علیه
با رسپتا کمپبل هرست الامه شده بیست
در هری شاهزادن و پیغمبر دادن و نوک هرست ۲۶
ساله بجهه کاملاً پیش شسته بود . او اولین
کسی از خانواده انس بود که بعد از گرفتاری
بدیداش اند ایشنا ووستان نزدیک
بودند و هنگامیکه هرست داد رازید انتقامها پیش
روان شد .
درین گرفتاری جیش اسماز سپس
اصطلاح (ارد رو آزادی خوستان) یا ایلان
ات «عام انصاف این گزوه که در حادثه
در اولکلاند خاکستر بودند گرفتار یا گشته
شد .
وقیکه آنها در سامت یعنی در پایی میسل
نکمه بر بیرون بار قدرال درسان فرانسیسکو
د اندریزیده از روی اسرار فقهی هرست
گرفت . اولین کسی که بایمودور حکمه طراز
ریکابن است که در سال ۱۹۷۲ رسپس از
بوم شدن در طرح یک گذاری در تغیر

جهانی قوای بعمری در عوکس برگشته باشند. مدت تغیر گرده است - آن
عنوان کا لفربا نا پدیده گردید، مطابقات
آسما موي های خرمایی تبره انس دا گولانه
گرده و ان را درست سرخ نهاده بلکه کفس
ال بخصوص مس در آسا پستان سال ۱۹۷۱
ضیغ شده و چهره دخترانه انس دا ازدمت
هم بوده اند. آون و درف رئیس محکمه
داهه است. رویتش به شدت لامر شده است
ولی او جان بستر نهی اند که بد دختر
بس اوراهه محکمه برگشته ارجاع گردد.

گرد و معاً گرد (دوستانه موظف عصمه) نیست زنده باد گریلا) ها رسیس و دی از بهینه خانه سان هایلوو - ۳ هیل در جنوب فرسنده شد. و قیکه آنان را برند ایلی هاریس منتگره گرد اش را پلنت گرد. یائی در زندان سان هایلو خود را (هماره تبری) خواند. نویس خالیان و کیل مدافعتش به غیر نکان ن گفت که یائی از او خواست است که این ریام را بعدم بر سانده که ((بهه کس بکو بید من خو رس هست. آزاد و قوی و شاد باش راهه تمام خواهه‌ان و برادران بیرون هستم)) نوزدهان اورایه آنکه ۷۴۰ فت است و پیک چیز که دیواری خارج شما بینی گردند. یانکه نخواسته بود پدر و مادر نیس را دائم هاتبود به فکر آنکه آنان یائی و ایلی

سونی مکالمہ میں

د که دست به بانک بزدی زده پدره مادر
باشی را (خوکه ها) و دو سنت را
بند دسته کل زرد رایا خود غر فتو نیمه
لند. بناد. جان عادی به نظر من اند که
سب به دیدنشن به زبان ماتیو آدمیا اونیم
را بخطاب کقصبه ساره ترا فلیکی به محکمه
سانت کپ زدند. گزارش رسید که ملاقات
تام خلی سرددید و ولی پدر عازم شفتش
کفرده باستند. چاکت رابری لکه دارو یتلنون
س لسوالی بسره چرس استین دراز
که از این دیدار راضی نبند. «ما یاهم خلدیده»
نه بود اور هنگام محکمه بسم مکرده و
بانی من خواهد خانه. ساید)

حق می چوید .
باش که بشرودی و درف فرار داشت
مولان ترین شبه در اولیع یولس فارسی
امیرکاست بلکه بر خود سر ترین دشمن
کنند ترین شبه من باشد . اندوند یول
سال گفت صدایش را آنقدر یابین اورد

و مهر به قتل شش نفر از هنرمندان
بدیکی دنبال دیگر اند .
بدر و قادر با شکفت و تعجب زیده کسه
نه باد خست سرمه تری و ارام که آینده
لایک را برایش پستانگو بی همکر دند به
جانی خود سر بدی شد . بسیاری مردم
اینگونه کهاد و ران نقاط مختلف دیگرده
و خودش با همراه ازین هنرمندان مطیعگار بشه
گلستان دیگری شاه میرزا .

میرا دستی پنجه می برد
هر کس با یاری خواهی خوانده است و نباید
بیورا ۳۶ ساله عقیقار شدید ساخت
بیویس شدرال از درون خانه سینه
دو هنرمه که سه هیل از ایثار نهاد او لی
له داشت دو هنرمند دیگر یاری بینام هاش
سلام هاروس ۲۰ ساله وزن زرد بیورا
که از این اتفاق ۷۸ ساله گذشت

و فنگه آنان دو ساخت بعده در پایی میز
نمکه بر بیرون یار قدران درسان فرانسیسکو
درینه
د اندیشه برده از روی اسرار فلسفه هرست
را رفت. بولین کسی که با شفاعة همکمل فرار
گرفت و نندی بیو شیوه رایانه هنر شناخته باش
بر یکنایی است که در سال ۱۹۷۷ بسی از
آنها سن در طرح یک گذرای در اعماق

حیاتی فتوحی بعیری در هو گیبس برگش
عنون کا لفربا نا پیدید گردید «ملدان
والی غلبه دارند که او و هرست ازان
کرد
ال بخصوص میں در نا پستان سال ۱۹۷۲
میں بوده اند میون و درو رئیس حکمہ
سازمانہ محکمہ برگش ارجاع کرسد در
واری
ایک محکمہ دار کے مکتب دربارہ من محکمہ



محدود بایس درلوس بالخانی که معلم انستی یعنی گفته شد

دلیل برای این جرم که تکوچنای از هم بود و به مشکلی می نداشت اینها را بهم بینندادند. این اتفاقات جدا کانه افته دوی هم اینهاست شد. یک فو لکس و این سرخ. اسلام انتشتر که درین از موزده هادر پاسلو ایا گشته شد و منطق پوسن در سان فرانسیسکو.

محله پیش نایابان این دلایل برآ گشته وجود از هم باهم بیرون باقیست و به ایال ان یاک مادرور اف - بن سان بولس هرمال و بولس- عقلن به اراده از زنده شاه غیر ایاد اعلان جد متزله که در حالت شیر ایان فراسکو فرار داشت سلا رفته. در ورن رانک تک کردند بدین طور از مازنده برده تمام نفو مزون های ام نگا شان داده



دست آزاده تگان



۳۲۳

حادثه ایکه رشته عشق را بزید

اورسلا اندرس و دوست عزیزش (فیبویتیزتی) که از هدتها باهم صمیمی بوده و گفته میشده که باهم ازدواج میکنند سرانجام در یکی از شب عاییکه آن دو در (کلوب شیورتینگ) مونت کارلو دلبرانه باهم میرقصیدند ناگهانی میانشان بهم خوردواز هم جدا شدند و رشته عشق آندو یکسره بر زده شد.

اگرچه نصادر می که منجر به جدا نی آن دو گردید خیلی مجرمانه ولی بی سرو صدا صورت گرفت ولی با این وجود هم خبر نکاران حقیقت موضوع را کشف کردند با این تفصیل گه (اورسلا ستاره سویسی در نظر داشت پرا ی اکمال کار فلم خود عازم بتکاک شود در حالیکه «بیو» آرزو داشت بوطن خود «ایتالیا» بی گردد و اصرار و ابرام اورسیلا برای تغیر اراده او مسوی و منور واقع نشد بطوریکه حتی میانجیگری «فرانسکو برآکا» دوست صمیمی آن دو برای استقرار صمیمیت آنها جایی را نگرفت.

«فرانسکو» گفته است هیترس د صمیمیت این دو تغییرش دانمی نگرفته باشد در حالیکه وضع ظاهری همین حقیقت را باز کوئی می کند.

ساسا گابور وازدواج هفتم



ساسا گابور

حکم محکمه این اولین باری بود که وارد خاک انگلستان میشد. «ساسا گابور» که نشش بار ازدواج نموده است بقول منابع خبر اکنون در دایره ازدواج نزد امریکائی و عنگری و آن دیگر شیک بولیس صاحب اقتدار انگلیسی بود. او همانا «ربیارد بیست» صاحب منصب انگلیس خواهد بود زیرا او بهمین ملحوظاً وارد انگلستان شده است.



مارلین مونroe در آستانه ازدواج

ناچند سال قبل جین هانسفیلد ستاره در سینمای غرب بود که با خطاب به سکسی میگردند و نقش های راکه در سینمای غرب بجامانده همه آنرا سینما دوستان فراموش ناندندنی می بینارند.

این اواخر دختری از مبار میان عرض وجود نمود که ایکی راجانشین «جین» خوانده اند. این دو شیزه «کولبا» (کوس) نام دارد که سازندگان فلم هریک به تلاش های خستگی نا یابیری میخواهند هندرفتایت او را برای بازی در فلم خود جلب نمایند. بعصران می گویند شبات «کولبا» نود درصد باجمن است اما دیده شود قدرت تمثیلی او او چه بیانه بسیار دارد؟

ترجم: مهدی دنگوی

سقاره انگلیسی در آستانه ازدواج سوم

«مارلت را ملیتیک» یکی از ستاره های بنام رسیده انگلیسی. اخیرا تصمیم گرفته که از سوی عزیزش نیز جدا شده اند یه ازدواج سوم بدهد (شارلوت) که ستاره زیبا و خوش ریخت سینمای انگلستان است مخصوص مغاز لحاظ ریخت فتنگ یا های خودنشهرت بخصوص دارد از همین و همکار است که (را بر بان سود) کمپ عاشق و دلباخته او شده و قرار گذاشت بزود ترین فرصت با هم رسمی ازدواج نمایند «شارلوت» که با این ازدواج سویم ازدواج خود را تکمیل میکند بیست و سه سال عمر دارد و شوهر اولی او بک لباس فروش انگلیسی و شوهر

دوبله جین هانسفیلد در سینما



دیوانند بشکست بزرگ

عالي مواجه شد امست

شدن در فلم او نشان دادند . چنانچه در این عشق، عشق خود را با آخرین قدرت و تلاش میان همای مالتی و پریم نات و سه بازیگر دیگر یاری های کوچک فلمنش حاضر نکنند گرد و بروی برد های سینما بنمایش گذارد آنطوریکه موقع بود از فلم او استقبال بعمل نیامد و طوریکه دیوانند تقابل از عرضه فلم خود به تغیر سخن میگفت، دیگر گفته برای گفتن نداشت و سخت خود را ناتوان و بیخاره می پنداشت . مخصوصاً از رهگان در صدمه مالی خیلی مضطرب و بر یشان مینمود حق هم بادیوانند بود زیرا فلم او معاو جه بیک سقوط غیر منتظره شد و سه برجها رم حصه بول مصرف شده فلم به قصر دیوانند

شده اند که در فلم (جان من) بدون حق از حمه معامله شد .

دیوانند که از این ناحیه بغايت امر ظاهر شوند . این امر تا حدودی هایه امیواری دیوانند مایوس و متأثر شده بود تصمیم داشت دست از تیه و ساختن فلم بردارد و لی دوستان اورا تسلی نموده آمادگی خود را برای کان ظاهر بیازما دید .

کره زمین است مجدداً روی بردۀ ظا غر شود . گفته می شود همسر او راضی شده (هودسن) دوباره به سینما برگردید .

فلمن را که بعد از يك مدت طویل نشان آنرا راک هودسن بعده گرفته است (رامبریو) نام دارد که در آن اکتشاف تکنالوژی (رامبریو) نام دارد که در آن اکتشاف تکنالوژی تصمیم گرفته زندگی ، کلارک گیبل هنریش نایاب شده که نهایت و غایت حد تصور است بعثت پیش بینی شده هدنظر گرفته شده است .

دو خبر داغ از هالیود

(کلارک) انتخاب نموده زیرا (جیمز) نوادرصد شاهد به (کلارک) دارد وی قبل از فلم (دکتور دهکده) ظاهر شده بود که زمزمه مردم در مردم شباهت قرین او به (کلارک) ذهنیت پیرو دیو سرها را در این دایرسه مشبوع نموده است .

عمچان (راک هودسن) هنریش زیبای هالیود که مدت مديدة از جهان سینما گذار رفته بود اخیراً حاضر شده است در گیکی از فلم های داستان آن همیشه به آینده



پیغمبه پیشنه واحد بشیر

پیشنه هنر پیشه افغان فمداری فامزد شد

پیغمبه پیشنه هنر پیشه تیاتر الفسان نتداری چندی قبل با جوان مورد نظر خود رسماً نامزد شد . پیشنه هنر پیشه ایست که هفده سال قبل در کابل در یک طیاره ۶ میل عنوانه چشم بدینا کشوده است . مادر او میرمن ذوغونه خواننده دادیو افغانستان و حالت اش میرمن ناهید آواز خوان محبو ب کشور است .

خود این هنر پیشه معتقد باین است که عزمت بودن مادر و خاله اش بالای روحیه ای او بی تالیر نماند ویر طبق اصول قانون تواریخ و تاریخ رعیت زیست خویش بجهان هنر تهایی شد واز اینرو چهار سال قبل در این حلقه وردیف هنر پیشگان شده ویرای اولین بار در سال ۱۳۵۱ در نما یشنامه کیمی قرود بروی سینما نتداری ظاهر شده است .



کلارک گیبل

بمنه تماشا گذارده شد . گهیکی از دیدنی ترین شیوه های نقاشی بشمار میاید . این است که روزانه در خود یک پیزار و پنجصد نفر از این آرت جدید هنرمندان دیدن می گذند

در این مجموعه کارهای باشکال یو و توت لتو گرافی . پیکرور ها ، ساخته های از شیوه های مصنوعی و حتی الهمیم نیز ترمیل هیدان هواپی فرانکفورت «ام مایس» موجود است .

نقش ها و جلوه های گرافیک

شـعـر . . .

خـاـك

نا همچو شرد بال گشودم به عوايت
و سعت زمکان گم شد و فرصت ز زمانها
بس دیده که شد خاک و نشدم عزم دیدار
آئينه ما نيز غبار یست از آنها
(پيدل)

شـمـب

اگر چشم هاي تو نبود
ترابه شبی تشبيه هيکردم بی ستاره
اگر آواز هاي تو نبود
ترابه خوابين تشبيه هيکردم بی رویا
(لنكستون هبور)
شاعر سیاه پوست اوریکایی

دد پرده دلسم خون کن واژ دیده فرو بار
برگ و برت ای نخل خزان دیده، فروبار
سرهایه اشکی کن و نالیله فرو بار
اچ فیض تو در یا شده دامان من امروز
مگذار حزین قاعدة صفحه طرزی
از ایر قلم گوهر سنجیده فرو بار

دامـنـ وـدرـ یـا

زـخـمـ

دوش بود اندر خراباتم گدار
جنه و نی دیم که میناند زار
چون شنیدم ناله آن هردویار
برمن آهد گریه بی اختیار
ساغر زدین به من داد آن تکار
من بنوشیدم به یار گردگار
دست بردم تا بگیرم دامش
بابکيرم خرمن گل درگتار
بانگ برمن زدگه هی دورشو
کل نه جینی تا نبینی زخم خار
شمس تبریزی که هست است ازازل
ست خواهد بود تاروز شمار
(مولانا)

دـمـهـمـیـ تـهـمـتـ

چندستا غوندی ممتاز زما صنم دی
به نصیب می تل فرباد آهوسم دی
چن تهمت می سنا دینی په سرواخیست
خبر شوی په ماقول عرب عجم دی
داستا غمینه یو خل تلوی نه زره نه دی
ترهقی چی لرم ساه او صورت دم دی
بیلتانه دی جاسوسان را پس کری
چن نوم په خوله اخیستی ستادغم دی
له ازله می سنا غمده تصیب شوی
خکه تل له ماسره هل به هردم دی .

به تندی می فلک تل به زو گاگرخی
خوار صورت می تری دلاندی هم برهم دی
بیلتانه دی هسی وخت به هار اوستی
چن توان می شرین زوند په ما یو دم دی
زیوی می پهشان تل دیتیمانو
چن داغلی دی په ما دیلتون غم دی
چن «امیر» سنا دماین لغفه نه مری
داداشق یه روز گارونو خکه گرم دی

من خـوـ دـمـ

من خویش داندانم هانند هیچ چیز
جز من خودم

از زهر خویشن ،
بیوسته میظورم

برخویشن به دست خودآتش همیزنم

و زدود تلخ و گرم خود
اعصاب ششه را
سیراب میکنم .

ژـرـفـ

حرف گوته ، حیات زود گذر
لحظه هست درره دو عدم
لیک این لحظه برازاسرار
ابدیت بزاید از هردم
دربرش خلته جاودائی ها
به تپادش تپه راز زمان
دل او همچو قعر دریا ژرف
بینه اش چون سپری بی بایان .

م . فارانی

هر گـئـ بر گـ

به رهگذار باد نغواهم که تلخ ویرانم
- چوبرگ های خزانی
ز رعدو ساعده هیچ حکایتی هنما .
هرابه خویش گذار
که درسکوت خودم ، من :
به شیون درخت
- که برمرگ برگ هیگرید -
صمیمانه گوش دهم . رفعت
داداشق یه روز گارونو خکه گرم دی

لرگویی ادب:

د حسن بازار

عفوردخ جی دی دحسن بازار سویش
دینایست گیر به ستایه تندی ووپرس
دسبین هنخ دیدن دی ولی فیمت که
خه تونه دینیر نده، جی به خوپرس
چی دینی یاران لایسی گورستان نه
دارهان لاس بهدی هله و پله هروپرس
دمع حسن دی چمبل هسی روپسان گر
چی آخر خوبه بی قدره لکه پروپرس
ست رگی دی نرگس پهدود زیبا شولی دلبره
دمخ گل بعد هنرمان پهنازو زوپرس
بادشان به بی ارمان و که یونه
تیر ساکله مونده بمهلک و گروپرس
«پونس»

شجره تو

زمن میرس چرا شعر تو نمی گویم
که شعرویش و طرب جمله درنگاه تو بود
بانستانار تو دیگر سفید شد چشم
زیس نشسته بخا ک سپید راه تو بود

ز من میرس که افسانه گشت قصه شعر؟
فсанه تو زهر افسانه ایکه درده است
توردخ نهفتی واژمن دریغ کردی مهر
چچای شعرگه شبدم بکام جان زهر است

ز من میرس بیرس از نگاه خانست
که فنته ها بدل و جان ناتوانم زد
به نیم غمزه دل و دین دیود از دستم
ز یک گوشمه چه آتش به آشام زد

تو خود نمونه شعری تو بیتر از شعری
که شعر وصف نگاه ترا نمیداند
زبان شعر ندارد شکوه بخندت
که چون نگاه تومد داستان نمیخواند

هزار شعر سختگو نهفته در چشمت
هزار گوهر ارزنده در لبان ترت
زم حکایت اشعار تازه باز میر س
که هرچه بود فراموش شد قسم بست
کابل ۹۱-۱۳۵۴ (روشنی)

زتاب عشق تو آنگونه دوش تن میسوخت
که هر نفس ذتف سینه پیرهن میسوخت
درون سینه چنان در گرفت آتش عشق
که آه در چکرو ناله در دهن میسوخت
حديث عشق تو در نامه گت میکرم
سبندوار، نقطه برسر سخن میسوخت
که همچو شعله فانوس در کفن میسوخت
ز سوز سینه (مخفي) شد این قدره معلوم
که همچو خس هژه اش دگریستن میسوخت
ذیب النساء مطفر

حس

دکتر اسدالله حبیب

ر ۹ نهمی

باد سبکخیز سرد نوجه کنان خواست
خاک به دیوارهای کوچه در آویخت
دد پس ابر سیاه شیشه مهتاب
خورد به سنجی مگر شکست فروریخت

بر در چو بی خشک بوسه همی زد
دست سپدی بسان شاخه مر مر
گاه که می یافت ز درگوشن آزار
بین دو پستان گرم می یافت بستر

گوش به آوای دل خسته همی داد
دفتر آشناگی سینه همی خواند
لرزش یک قلب هراسان شرگین
بازه سوی در چو بیش همی راند

در برو آغوش او هنوز به گرمی
بوی یکی هرد نا شناس شنا داشت
بر لب و آن گونه های شسته تبدار
نقش لب و بوسه های بخ شده جا داشت

ز ۹۱ ده

زنبورهای خاطره ات ،
وقتی نیشم می زنند
من گیاهی میشوم
- در عطشناک ترین رویش هست
ولبریز آرزوی باران ها ...

وقتی به خویش می اندیشم
تو بادم می آیی
دو وقتی توبه بادم می آیی
ترسم از خویشتن آغاز میشود .

کاش تو گلی می بودی
تاترا در میان گلستانی پر از شراب
بروی طاقچه می گذاشت
وازمیان زاویه گلبرگ های تو
پژمردن در خویش را تجربه میکرم .

پنهانیمه

ماله تاسره لرله سخنه مینه
بناییم مهه نه وی دامنه زهایه زده کی
مگر تابه زیروی نه دله مینه
خکه زه غواصم چی تایه تکلیف نه کی

ماله تاسره لرله غلی مینه
به چوپیاگی به حسد او محبوی کی
داسی پاکه حقیق سیپخلی مینه
خدای کری نوری و لری هومره پاگی کی .

دیوشکین الـ
دلیجان لایق زباده

نیمه شب بود و یکی اختر تبا
در نگه سرد زنی شست لش و
اگر خرامید و رفت و دختر مهتا ب
مست و بیغیر گشید بیرهش را

باز ز آوای در شکست خموشی
عیج صدا بر نفاست از پس دیوار
شرقه شد و زد پلیس ناحیه فریاد
واه گه شد روپسی بهدام گرفتار

ر فست زن روپیه و آنچه از او ماند
نشهر بد کاره بود و کسودک بیمار
پایی به زندان نیاد و برد به همراه
بسته بول گشیت و دامن مردار



پیوسته پنجم

با زده دفعه کم کم احساس بیخو صنگی
گرده و شروع به نوشتن بیام نموده است و
درست در همان لحظه شخمه از در ب
شیشه نی که با باغجه بازمی شود برا وارد
گردیده است.

گریز لد گفت: یا از دراصلی
او صدای پاراشنده سر بلند کرده
است.

میس ماربل مدخله گرد:
سامانین رابخاطر داشته باشد که
بروتیرو حس شنو این اش کم عیب
داشت.

آری درست می گویند او صدای با را
نمی شنید. باین ترتیب قاتل از یکی از درب
ها داخل گردیده از بیشتر سر به بروتیرو
نژدیک شد و او را بقتل رساند. بعد بیام
رادید و ساعت رانگاه گرد. آنوقت به فکر
دیگری افتاده روی بیام ساعت شش و ۲۰
دقیقه نوشت و ساعت راهم عقب بردا. واقعاً
اقدام هوشوارانه ای گردیده است گریز باش
شکل قاتل می توانست ثابت گند که در ساعت
وقوع قتل در محل دیگری بوده است بسا
اینطور تصویر می گرد.

میس ماربل از جایلند شده گفت: بپرس
صورت اکنون بنده مرخص می شوم.
وقتی گریز لدا اوراهشایعت گرده نزد من
برگشت، هنوز هنگری بنتظر هیرسید.

پرسیدم: آیا هنوز راجع به موضوع آن بیام
فکر می کنی؟

الدکی لریزیده جواب داد: خیر، ولی فکر
می کنم یکنفر از آن بروتیرو باید بشدت متغیر
باشد.

- متغیر باشد، چرا؟

- آری، هگر تمدناتی؟ دراصل دلایل واقعی
علیه ریدیتگ رسام موجود نیست او فقط
بلند شده و اینجا آمده و اگر اینطور نمی شد
هیچکس تمیواتست پای او را دخیل درین

حادثه قبول گند. امامتوق آن چیز دیگری
است. شاید یکنفر از اینکه آن ساعت شش
و ۲۰ دقیقه اینجا می آمد، اطلاع داشته از بینجت
روی گاند عده ساعت شش و ۲۰ دقیقه را
گرد و ساعت بروتیرو راهم عقب گشید. از نظر
میرسید. ناگران فرباد زدم:

شاید اصلاً در ورقه بیام ساعت قید
نشده بود. غالباً بروتیرو در ساعت شش و
ثابت گند در لحظه قتل جای دیگری حضور

و ساعتش هم مقداری عقب بوده است.
از نظر من این مساله مهم است.

گریز لدا گفت: چیز دیگری بخاطر من آمد
شاید ساعت هارا عقب گشیده بودند، لذا

ولی اینهم بیسوده است چه احتمال من.

من وقتی از خانه بیرون میرفتم ساعت
کاملاً صحیح بود چه نگاهی بساعتبزرگ
ونگاهی هم ساعت بند دستی خود اگرند
هردو بهم معیار بودند.

گریز لدا سوال گرد: میس ماربل شماچه
فکر می کنید؟

من بیام را از نظر وقت مورد دقت
قرار نمیدهم عزیزم آنچه برای من عجب
نمی نماید موضوع آن است.

من گفتم: کجا آن عجب است؟ بروتیرو
خواست بمن اطلاع بدهد که دیگر نمیتوان
منتظر من بماند.

یعنی در ساعت شش و ۲۰ دقیقه در حالیکه
ماری خدمه شما به او گفته بود که شماچه
اکثر در ساعت شش و سی دقیقه برومیگردید.
ازین معلوم می شود که مرحوم پروتیرو

بانشستن در اتاق کارشها انتظار تا نرا
حرفهای حیرت اورمیز نماید که انسان شاخ میکشد.
به عجله و کنجکاوی بسوی او نگریست
را گزه گرده بود، فرباد زد:

- انسانها موجودات پستی هستند. چنان
نهاد نکن که گویی یک موجود غیر طبیعی

باشند که میتواند انسان را برای
زیرا همسرم عادت نداشت به آسانی
عصبانی شود. وقتی احساس کرد من بسوی
او دقیق شده ام سعی نموده خنده ای برلب

بیاورد و در عین حال گفت: لب بسوی طوری
نهاد نکن که گویی یک موجود غیر طبیعی
را تازه کشیده ای و لب در هر حال

نمی خواهم درحال حاضر روی این مساله
توقف کنم. من تصور نمی کنم که تلوانی

با آن هیچیک قاتل باشد. تو قف ر وی
لیس هم بیمورده است و لب امیلو ارم
سرخ های موجود شود که بتواند بعدها

کند.

میس ماربل گفت: آن بیام هست و من
بسما گفتم که این نامه خیلی بنتظر من عجیب
نمی شد. آیا بخاطر دارید؟

من جواب دادم: این نامه لحظه قتل را
تصورت غیرقابل انکاری تشییت گرده است.

ولی آیا این ممکن است؟ خانم بروتیرو
در این ساعت تازه از اتاق کارمن خارج شده

و هنوز به آنلیه نرسیده بود. شاید بروتیرو
در لحظه نوشتن آن بیام بعد ساعت خود نگیریسته

و خوشحال می شدند یاففع می بردند.

میگواست اگر هانع نباشد اساسی آن
هفت نفر را چنین بگویند.

- کدام هفت نفر؟

- هفت نفری که احتمالاً از مردن بروتیرو
خوشحال می شدند یاففع می بردند.

ساده اینطور بنتظم من یک چیزی ازین
قبل گفته ام.

- آیا این یک حقیقت بود؟

سلماً حقیقت بود. ولی اسامی را نمیدهم
زیرا شما هم اگر دقت کنید این هفت نفر را

میتوانید بستا سیده من ازین بایت مطمئنم.

- غیرممکن است. طبعاً لیتس پروتیرو
بعد از هرگز یدرخیلی نرو تهدید می شود ولی

اینکه تصویر شود اوقاتی است. جفتگ است.

سیس نگاهی معنی دار به من افکند و آنکه
زیاد ذیفعه باشد بخاطر نمی آید.

مالجت بلا فاصله و ساخته کرد:

در حال حاضر باید ماهیت اصلی قضیه را از
زبان خانم بروتیرو بارگیرم ویدینگ بیاموزیم

من به دوکتور باید وکیل تلفون کشیده و گفت

خانم بروتیرو ابا خودبه اینجا باوره تایا نزد

دیگر دیگر اینجا خواهند بود. ولی دیدینگ

باید خیلی زو دتراز او اینجا حاضر شود.

تلفون را برداشته چند لحظه باجانی صحبت کرد

سیس نگاهی معنی دار به من افکند و آنکه
زیاد در همین اتفاق باید کار کنیم.

گفتم: اگر مایل باشید من بیرون بروم.

سلاک به معنی قبول فوراً در را باز گردام

مالجت از دنبال من صد از داد:

- وقتی دیدم رنگ گریز لدا سرخ شد
حقیقاً دیگار تعجب شدم چشمانتش هم بنتظم

اشک آلد جلوه گرد. در حالیکه مشتباش
را گزه گرده بود، فرباد زد:

- در داخل اتفاق بیرون ای گریز لدا میس
ماربل بین خود شان مصروف ذهن آزمائی

بودند. باورود می گریز لدا تسبیح بر ای
اورده گفت:

- احتمالات راندیش میکردیم. میس ماربل
شما میتوانید گروهای جنایت را باز گنید.

زن بیر سری جنبانه جواب داد.

- هیدانم بر من می خنده ای و اوردن حوادث
وقایع اسرار آمیز را باخاطر اوردن حوادث

مشابه میتواند بخوبی حل کند.

من گفتم: هیدانم چه میخواهید بگویند.

خیلی خوب بگویند بینیم حادثه قتل بروتیرو
چه چیزی را به خاطر شمامی آورد؟

- پهلوی مشکل مو ضوع هم همین است

زیرا یک تعداد حوادث مشابه در ذهن انسان

خطور میکند و تشخیص اینکه کدام یک

با حادثه فعلی مشابه های بیشتری بیس
میر ساند وقتی می خواهد.

- میخواستم اگر هانع نباشد اساسی آن

هفت نفر را چنین بگویند.

- کدام هفت نفر؟

- هفت نفری که احتمالاً از مردن بروتیرو

خوشحال می شدند یاففع می بردند.



اگر طفل پس از تولد همچو حالتی داشته باشد سالم است



طفل توولد شد . طفل صحتمند و سالم .
 چه سر ذری فضای خا نواه را استیلا کرده
 است !
 اما مادر بادیدن طفل خود اکثرا غمین
 می شوند زیرا او طفلش را ایجتنی که
 تولد شده تصور نمی کرد او نزد خود نش
 باقیدارد .



طفل نوزاد که به موقع تولد شده باشد معمولاً مشت هایش بسته میباشد .

((کپ هیزند)) و با انسیای محیط اطراف خود و هاییچه های وجود طفل استوار بوده نبته است .
 آشنا می شود : آرزو دارد کسانی که از او عضلات گردن و شانه های طفل حتی در مواظبت می گذنند با چهره پر از لبخند بالو رقت خواب هم ضعیف به نظر نمی رسد .
 بر خورد نمایند . قبل از آنکه خواندوستی حرارت وجود طفل نور مال بوده در با طفل هموار شود بپرس است محیط دور و نو سان نمایان شد . تون فربان قلب و شش بیشن او هطالعه گردد چونکه ممکن است ها متوازن است .

طفل اعتماد بعضی اشخا ص را بپرس و طفل شیر خوار صحتمند که خوب نمود گردد باند دورباره امراض مقاومت نشان میدهد (نسبت به اطفالی که درست نمود طفل ندرتاً گریه سر میدهد . هر قدر سن نکرده اند) و سال طفل روبه از دیاد میگذرد علل گریه کردن او جدی تر می باشد . بدین معنی که یک طفل دو ماهه شاید بایک روشن شدن اتفاق ناریک تکانی بخورد و گریه سردهد دره و رتیکه برای گریه دادن طفل ده ماهه میگردد .

لازم می افتد چندگ کمکی از ران او گند . همینکه علل گریه گردن طفل بر طرف شد طفل از گریه می ایستد و دو باره چهره صحبت های آینده تقدیم به نماییم با تفصیلات و جزئیات آنها به خوانندگان بشناس و هر بان بخود میگیرد .

طفل از دیدن خذای خود خور سنته میشود و با اشتباه کامل به صرف آن همیز دارد . ((میز خذای)) اطفال شیر خوار منظم و مستقل است اگر نوع خذای این اطفال تغیر نمی نماید در مواد غایطه آنها پایه عرصه وجود است تا اوکن طفل آنها پایه عرصه وجود بگذاشد . در این انتظار چه امید ها و اضطراب ها بدرد نمی آورد . جلد طفل شفاف و یاگک

کردنک امرور

تبیه و تکارش : فریحه پر جوش اسحق



که در پهلوی تان نشسته ایجاد نگردد .
دسته‌الی را که بنام دستمال دست بادیگرد باید
بالای زانوهای خود بیندازید و در هنگام نوشیدن
باید لب های خود را بادستمال دست پاک
نماید تا هنگام نوشیدن اطراف گیلاس چرب و
لکه نگردد . پس از گذاخوردن هم باید لبها باتان
را با دستمال پاک کنید بعد دستمال را
به سمت راست بشقاب قرار دهیم .

عیچگاه پس از پایان غذا دستمال را به حالت
اولاً مرتب و چندلا نگیند . تان را هیچ وقت با
گزند نه بزید و نه بادندهان به یک پارچه آن
چک بزنید فقط هرو قیکه تان میل داشتید یک
توته آن را بادست جدا کرده و به دهان خود د
بزید . هیچ وقت بقیه گذاراکه در بشقاب هانه
بادست پاک نگیند زیرا این دورازآداب معشر است ، وقتیکه غذای خود را میل گردید فاش
وینجه خود را همیشه بصورت هوایی بر روی
 بشقاب بگذارید ، سوب را وقتی میل میگردید

اگر زیاد گرم بود به هیچ وجه آنرا بف نگیند
بگذارید تا کمی سرد شود بعد صرف نماید ،
بعداز خوردن سوب قاشق را بداخل بشقا ب
بگذارید بعضی اوقات میزبان میخواهد غذای
ناشاخته بی داخل بشقا باتان بگذارد ازاو
خواهش نگیند تا مقادیری کمی برای تان بیندازد .
اگر به غذای که میل صرف کردن آنرا ندارید
مجبور به خوردن زیاد آن نیستید ، اگر د و
سر ویس غذا خود را بی خدا بی ناشاخته
رو برو شدید نگران نباشد لحظه‌ای صیر کنید
تا دیگران آنرا صرف کنند بعدشما میتوانید
براحتی ازان استفاده نماید . وقتی قاشق یا
پینجه و یا گارداز دست شما بر روی زمین می‌افتد
لزム نیست که ازان دوباره استفاده نماید
میتوانید که از قاشق و پینجه دیگری استفاده
کنید ، این بود چند دستوری راجع به درست
غذاخوردن در مجالس مهمانی هانا این
دستورات را مراعات نموده و باراحتی کامل غذای
خود را صرف نمایید .

نکاتی که در غذا خوردن باید هراءات کرد

تبیه و ترتیب : (پ، ق)

غذاخوردن و پشت میز غذا قرار گرفتن مانند
بس‌امور دیگر نکات و دستوراتی دارد که مراعات
و توجه به آن لازم و حتی ضروری است که
نخستین مسئله محل نشستن و چگونگی
نشستن بالای میز غذاست . مهمانان باید منتظر
میزبان سرمهیز غذا حاضر شود بعد از آن
دلخواه و یا تعین شده بنشینند وقتی به جا
های خود قرار گرفته اولاً نباید آرنج ها بالای
میز قرار گیرد . در موقع بریدن موشیت یا مرغ
آرنج هارا بالاتگیرید تازه‌جمیع برای مهمان دیگری
می‌گیرید .

امتحان ، امتحان ، امتحان ... این کلمه‌های میشود و مجبورم امور هر یکی را به دلخواهش
روزهای بیان تکرار و شنیده میشود و تقریباً اکثر انجام دهم ودم برپاوارم . گذشته از آن باید
خانواده ها آماده پذیرایی از آن اند . اما چرا جنگ و جدال شانرا که ناشی از نا راحتی
خانواده ها ؟ امتحان که مربوط به شخص امتحان

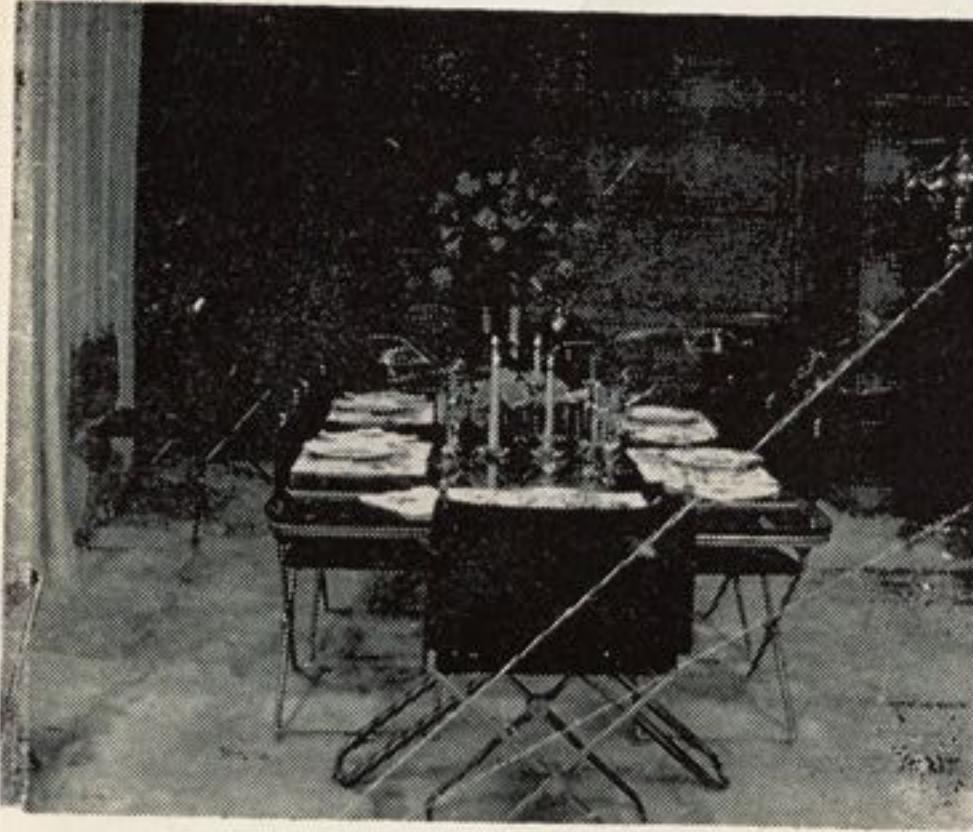
دهنده است نه فاصله وی . دریک مساله شخصی
خانواده چه دخالتی میتواند داشته باشد ؟
مانسانه با یک مفت که خانواده اکثر در طول سال سهل انگار بوده و اکنون میخواهد
در شب و روز امتحان ، بار دروس یکساله را
بدوش کشند و موفق هم شوند !

درحالیکه آنده شماگردن لایقی که در جریان
بغواندن و امتحان دهنده ، بلکه به این مفهوم
سال دروس شانرا یک یک تعقیب نموده و
بدقت آموخته اند ، آنها یکه دانسته اند مکتب
رفتن و تحصیل نمودن به منظور یادگیری و فرا
می‌گرفتن این اجراء نمایند چه آنها امتحان

دارند و درس میخوانند . دیگر وقت رسیدگی
به کار و امور خانه باقی نیست واز جانب هم
امتحان تاب و تحمل گفت و شنود دا برایشان
نگداشت ، چنانچه با کوچکترین بکو مگویی
اطرافیان آشفته شده داد و فریاد میکنند .

این واقعیت را گذشته از آنکه خود شاهدیم ،
نامه مادری بخوبی بازگو میکند . این مادر
نوشته است : ... هردو دختر و سه پسرم
به مکتب میروند و در صنوف مختلف مکتب درس
میخوانند . باور نگید از وقتی آنها به مکتب رفته
اند تاکنون ، هر وقتی نامی از امتحان برده

میشود لرزه براندام میافتد . امتحان از آنهاست
ولی بارش را من باید تحمل شوم . در جریان
امتحان اولادها ، کارو بارم به مراتب بیشتر
را فقط در روزهای امتحان مطالعه کنیم .





اینهم دو نمونه زیبایی از لباس های محلی و محلی خود هاکه از پارچه های خوش رنگ تبیه شده و دست دوزی ها به آنها جلوه خاصی بخشیده است.

هر قبه اهار اقبل از استفاده تعقیم کنید

هر تبان بهترین وسیله برای تکبداری اکثر خوراکه عاویخصوص رب بادنجان رومی است. خانهای خانه دار برای داشتن بادنجان رومی در زمستان، یا آنرا خشک میکنند و با رب آنرا گرفته به هر تبانه میریزند. تکبداری ازرب بادنجان رومی بعضی مشکلاتی بارمی آورد. چنانچه زیاد دیده شده گه بوتل یا هر تبان حاوی رب را بینکه زده واژ استفاده بازمانده است. این امرنه تنبا باعث دردسر شده وزحمات خانم راهدر میدهد بلکه اورا متغیر نیز میسازد.

برای اینکه ازین نقصه جلوگیری بعمل آید و بتوانید ازرب که به زحمت تبیه نموده اید مدت زیادی تکبداری واستفاده کنید باید علاوه بر اینکه روب راخوب بیجوشانید، بوتل و هر تبان راکه روب رادر آن میریزید نیز خوب تهیز کنید.

دترمیز کردن و تعقیم نمودن هر تبانها ابتدا باید هر تبانها را با سرپوش هایشان در آب داغ صابون دارخوب شسته و آیکش نمایند. سپس در آب جوش فروبرده برای یانزده دقیقه بیجوشانید. بعد آنها را از آب جوش گشیده آبش را بریزید و سر آنرا فوراً بستید تا گرد و غباری در آن جا نگیرد.

بدین ترتیب بتوانید با خاطر آسوده از آنها در تکبداری روب بادنجان رومی، ترشی، مر با و غیره استفاده کنید.

دخت آشپزی

این بار سفره را با هم این خوراک مقدی خوش مزه زینت بخشید. چه، اکنون که کنید و در رونق کاملاً داغن بریزید و بگذارید یک رویش خوب بیزد سپس روی دیگر شد فصل ها هی است و به مقدار زیاد به بازار آمده میتوانید آنرا هم بخته و بیان و هم خام به جرخ دهید. برای اینکه ها هی در ته ظرف نگیرد باید مقدار روغن زیاد باشد قسمی که ها هی آسانی خریداری کنید.

درینه ها هی در خانه اکثر به مشکلی بر میخوریم و آن اینکه ها هی در حین بیان شدن پارچه میشود. درست برخلاف بازار. ربابکچالوی جوش خورده، نوش بیان، نارنج برای اینکه ازینه ها هی در خانه نتیجه و هر نوع سبزی دیگری که خواسته اید زینت مطلوب گیرنید خواستیم ناطرز تبیه صحیح دهید، به سفره برده داغ سرو نهادیم. آنرا بشما باز گوئیم.

ها هی داشی

مواد لازم:

دو کیلو ها هی تازه، روغن به مقدار زیاد، یادنبه، سیر، مرج و نمک به قدر ضرورت.

طرز تبیه:

ها هی هارا هاند گذشته بریده بشوئید و همده شده، دوعدد تخم مرغ.

طرز تبیه:

ها هی هارا به درازا از شکم بریده بشوئید، هارا دراز را بیوست گرفته سیر و نمک و مرغ زده ساعتی بگذارید تا آبش کاملاً خشک شود. تخم هارا در ظرفی و بخته دنبه باقی هاند رانیزیه آن علاوه گرده در حرارت ۲۰۰ درجه مدت یک ساعت بگذارید. روغن را در ظرف هموار و بزرگی دیگر شده باشی و سبزیجاتی آش بگذارید تا خوب داغ شود. ها هی را که در بالا ذکر نمودیم تزین کنید.



سال کی حملہ سنو، او بل شاہ
موبہ خان باندی راغوی اوہ یواخسی
چیچلی زمونیر نو لو لیساره وو
پہھرو پنخو ورخو کی بی یسو وار
اجازہ راکوله چہبیره وخریبو.

یوهجاڑہ بی پہشیبو نو را کوله او
دیووی وضعہ عمدیہ خرابیوہ زہی
دغی بندیخانی کی دشیبو نرمایا
کلتو کلیوالو عربو او فلسطینیانو
منخہ میشہوم دوی د «حیران» د
سیمی استو کن وو چھا اسرائیلی
مقاماتونہ ریوبہ ورکری وو چہ سر۔

دالف الف ترجمہ

خوبی نویلے کرو

بیری لدغہ کلی خخہ تیر شویدی.
اسرائیلیانو ددغی سیمی خلور
کورونہ چہتر نورو بنه او بیتکلی وو
پہمتو الو خولی وو او بیا بی دکلی
تارینہ کلیوال دغی بندیخانی تے
راوستلی وو

وروستہ ترخلورو ورخوسپکاوی او
ناویہ سلوک خخہ بی پہ مونز باندی
بیکار بیل کر، خوبیا ورو سته یوہ
عالیب تہ منصبدار لماخخہ تحقیقات
بیل کرل هغہ وویل:
«یابايد ووایی چہ دغہ عن یضہ
چا ملکرو ملتونہ برابرہ کری او۔
لیرلی دہ اویا باید همد لته می شی
تابه ووژنم» سبا تہ بی بیا هما غہ
منصبدار راغی اوویی وویل «تاسو بہ
اعدام محکوم شوی یاست!» او بیا
بی خیلہ تو مانچہ اوویستله او زما
تندی تہ بی ونیوله اوویی وویل:

«خیل وروستی وصیت وکری...»
یو، دوہ، دری، او بیا بی فیر وکر خو
پہ تومانچہ کبی کولی نہو، بیا بی
راته وویل «گورہ چہ خومرہ چا نس
خخہ خیلو حجرو نہ بیول کیدل له
لری خدای مرستہ درسره وکرہ نو
پولو هغی سره وضعہ ترماہم
راشہ او هغہ اطلاعات چہ درسره
سخته وہ.

دنابلوس دیندیخا تی بہ دفتر کی
یو زہ مجبور کرم هر خہ چہ لرم
عفه دوی تہور کرم بی لدی چہ ماته
کوم سند یارسید راکری بیا بی هغی
کوتی تہ بولتم چہ هلتہ دولس تنه
سبایان وو هغی لہ ماخخہ پو بنتنه مقاولہ لیک داپہ ڈاگہ اعلانوی چہ
وکرہ چہ آیا دالفتح دموسیی غری هیث بندی تهدی جسمی یارو جسی
یم؟ ما خواب ورنکر هغی زماکالی فشار نہ ورکوی. بہ تیرہ بیا پہ
لہخانہ وویستل اوتر سو کانو، هغه وخت کی جہلہ بندی خخہ تحقیقات
خیبری او لفتو لاندی بی ونیولم مایو کیری او غواپی چہ اطلاعات تر یہ
خہ وکولی شول چہ خیلی گیمی د ترلاسہ کری خودا وار بیا هم
عملیا تو برہار لہ گوزارو نو خخہ تومانچہ فیر نکرہ.

خوندی وسامن خودگہ لوبہ نیمه کری او وروستہ بیا زہ یوی ودانی تہ
روانہوہ منھی پہوینو کی لیت بیت و بولتم، اویہ نہم نمیر کوچہ کی یسی
او بیا بی زہ یوی کوتی تہ بولتم چہ خای راکر... وروستہ تر دوہ دیرش
شپیٹه متزمربع ارتوالی بی در لود ورخو بی زہ دیندیخانی مدیر یت تہ
اویکی ۷۸ تنه بندیان برانہ وو شل وروغوبیت، هغی زما کالی او شیان
ورخی هلتہ باتی شوم یدی کو تہ بیرتہ راکول، سترگی بی را تو لی او
کی نالیچہ هم نہو، موزہر یوبہ یوہ پہلاسونو کی بی هتکری را واچو لی

اوہ برحہ
پہ لومری ورخ دیوہ منصبدار بہ خیل لاسونہ بورتہ ونیسم، سبایانو
و سیلہ لہما خخہ تحقیق وشو او یعنی می د لاسو گوتی درپری کیبلو تر
بغتون یو تصدیق هم هغی نہویا
کوزارونو لاندی ونیولی.
لہما خخہ غوبیتنه کوله چہزہ دھنی
او دغی صحنی دشنو دقیقو لبارہ
کتنی هم په هغی باندی خہ آغیزہ
دوام وکر، مایو خل خپلی گو تی
ونکرہ اوزما دشکنچی مانع نشول،
زہ دغی بندیخانی کی یو ویشت ورخی
پاتی شوم بی لدی چہ وکولی شم
لاندی سیمی دوہ پاچہ پاچہ سو کان
راکول، او بیا بی زہ پر حمکہ باندی
حملولم، زما لاسونہ بی شانہ ونیول
اویوہ سبایی زما په بیوو باندی
نشار راووی.
دوہ سبایانو لہ خنکہ زما پو بنتو
تلاغنی نیولی وی او بولہ پسی یسی
وعلم، دغه صحنہ دخلو یپنیتو دقیقو
لبارہ روانہ وہ، او بیا بی زہ دیندیخا
نی بی کوتی تہ بولتم اودوہ ورخی
بی هلتہ ماته دوجی را کوله سکرت
بی هم راکول، بلہ ورخ بی بیا هم
هماغه وضعہ راسرہ وکرہ، او دشپی
بی بیرتہ خپلی کوتی تہ را وستلم، خو
دوہ ورخی پسی بی دوجی را با ندی
و درولہ او سکرت بی هم نهرا کول،
مور یدی کوتی کی دوہ ویشت تنه
ووجه دکوتی ارتوالی شل مربع
مترو، او اتھ نالیچی بی پکی اجو لی
وی دا نالیچی هم اردن دیو لیسووی
بندیخانی تہ بولتم او ہلتہ اسرائیلی
فوخیان وو، هماغه منصبدار هما غہ
پو بنتی راخخہ وکری، خو ما بیا
هماغه خوابونہ ورکول اوجہ بیا بی
خپلی هماغه غوبیتنه راخخہ وکری
نوما هغہ ردکری، او بیا سبایا نو
زہ کالی وویستل، او زہ بی لوح لغیر
درساڑہ شاور لاندی ونیولم، او د
پنخلسی دقیقو لبارہ تر ساڑہ شاور
لاندی وم، او بیا بی زہ بی حمکہ
کی نالیچہ هم نہو، موزہر یوبہ یوہ پہلاسونو کی بی هتکری را واچو لی

دایو تو قیف وچہ لومری بہ یسی
بندیان پکی ساتل او وروستہ بیا
بی اصلی بندیخانو تہ لیپل، دیر
داسی خلک وو چہ بہ سیاسی دلایلو
او د تروریزم! بہ تور نیول شوی و
پنخلسی دقیقو لبارہ تر ساڑہ شاور
لاندی وم، او بیا بی زہ بی حمکہ
کی نالیچہ هم نہو، موزہر یوبہ یوہ پہلاسونو کی بی هتکری را واچو لی



پانسمان په خای دجرا حی عملیا تو
نندارتون ته بوتلل شو او په هغه
خای کي ېرو ستا تو نه یعنی
مايی ترینه وايستل دغه جرا حی
عمل دری ورخی وروسته تر شپږ
رکړی شویدی. په را ورو سته
ورختنی جګړی دیوه اسرا یېلی جراح
داکتر مردو خای په نامه تر سره
شو. درباس چه دعملياتو په اوږد دو
کې بې سده ووايی، یوه هفته ورو-
سته تردي چه بیا په سد شوم دډاکتر
مردو خای غړ می واوريده چه ویل
بي، خنګ ته دې وګوره دا دوه
بروستاته دی داوخوره درباس
حیله خبره اوږدوی او وايی «زماهیخ»
شي ته پام نه و.
(نور یا)

ت دی لادیر حیوانی او کر کھن را ورل شو. خود ینسی دعمیلات او (نور یا)



او په یوه لاری کې بى سپور کرم. نور په باب وویل چەدھە زوي محمد چە
 بندیان بى هم سربه سر اچولى وو. دولسنس گلن و داگست ۱۹۶۷م گال داگست
 مۇز پنخە گپرى پىدى لارى کى پاتى ۱۹۴۰م نىتە يداسى طال كېنى چە
 شوو. پىرلە پىسى بى وهلو تو كو لو دكۈر پەبرنۇھ کى ولاپو دىگىدە بە
 سپايانو زمۇز مخۇنۇ تەلغىنى راڭولى پەبرخە کى بە گولى ولکىد. بە بىشار
 وروستە بىيا لارى و خو خىدە او دا کى مارشلا لىكىدىلى وە. خو هەقى بايد
 وخت نوى شىكتىجى شروع شوئى. خېل زوي ژغۇزلى وای. هەقى بى بە
 سپايانو دىچىلۇ سىگر یونو بە اور او بەزه كېچە رۇغۇتون تەبىي ور سوئى.
 باندى دېندىانو وروخى او بى يتونە دوه كىلۇ متە بى مندىي كېرى. خو
 سوزۇل او يابە بى خېل سىگر یونەد لەھرى خوا دىزى بىرى كېيد لى. هەقە
 بندىانو بە لەندىي باندى سولول چە داسرا يىلى گزمى دىبوى دىيار لىس
 كىسيزى چلى لەخوا چاپىرە شوئى وە. اورونە بى مەھ شى.

او موږ یې به «رام الله» کې یوې بلی هغوي خپل توګونه ورته نیولی وو
خوهنې ورته ویل چه زوی یې بندیخانې ته یو تلو.

بیا وروسته بیتلاغلی سالم توضیح خطای لگیدلی دی، او روغتون ته بی
ورکوی چهاغه بی دلس زره ستر- بیایی. خوگزمه والاوو په سره سینه
لینک پوندو مالی ضمانت په مقابل ورگه وویل چه به روغتون پسی دی
کې خوشی کړ. خو خلور ورڅه، نګرڅي اوداسي دی وانګیری چه به

جگره کی تبی شویدی . او بیا بی عffe
روسته بی بیرته و نیو او شپه بی
دبیت اللحم په بندیخانی کی وه . او
تر عffe و روسته بی پنخلس دقيقی
وخت ورکه چه خپل شیان وا خلی
او د جریشو بندیخانی ته لار شی
به دویمه ورخ عffe دبریج بندیخانی
تبه بوته او د نوی کال په لومری ورخ
هدو خهدارو درمل و نشول . او تولو
عمان ته ورسید .

لکه چه بسکاری داسرا ییلیا نو یوبنستنه ترینه کوله چه ولی دهارشلا
دترور خونپری کابوس لادخپل انجام دمقرراتو به خلاف له کوره خخه
تکی ته ندی نزدی شوی اویه اشغالی سیمو کی دغه خونپری ترور لاندی
بشهپر شوی. دهری ورخی له تیریدو سره ویره او کر که خپلدار وونکی
اودهعه خایه سره صلیب قا هری ته حد ته رسیمیری .
بوتله .

پهرا وروسته وختو کي دملگرو-
ملتو مخصوص کميسيون په قاهره
کي دعربي آواره گانو له جملی خخه
له ٤٢ تنو سره مرکه وکړه . (دغه
کميسيون دملگرو ملتو ددری غږي
هيوادو، یعنی سيلون، سومالي او
يوګو سلاوي له استازو خخه جوړي
شوي و دغه کميسيون دهقه تصميم
سرهسم هلتنه ولېرل شو چه ددغه
مؤسسيه له خوا ۱۹۶۸ د دسا مبر
په شپاړ سمه نیټه ونیول شو. دغه
کميسيون وظيفه درلوده چند
اسرا یيلو له خوا په عربی نیول
شویو سیمو کي دهفو تیر یسو او
تجاوراتو په باب خپرنه وکړي چه د
اسرا یيلی قوتونو له خوا تر سره
شویدي .

ددغه کمیسیون وظیفه داوه چه سر بیره دعربي هیوادو په مرکزو لندن، ڏنيو اوعربي نیول شوی سیمی هم و گوری. خود هر وخت په شان دغه هیات تهم اسرا یيلی مقا ماتو

په العريش کي دبوهني يسو
بلتونکي ميرمن حكمت الدibe نو-
موري کميسيون ته دخبلو عيني کتنو



شعر، آفریده جان و آینه زندگی کامل

صریر شاعر معاصر کشور درمورد شعر ابراز نظر می‌کند.

وبه تجربه‌ها و نتیجه‌های از جتماعش چیست؟ دست می‌یابد. یکی از دانشمندان - اگر ملتقت شوید بیشتر گفته جامعه شناسی می‌گوید: (انسان) در شد که وظیفه اصلی شعر، اجتماعی قصر و در خرابه دو نوع مختلف است و همان رهبری بشر به آنین های شعر در کانون هستی ملل دنیا از نظر شما رسالت شاعر کدام فکر می‌کند). ۱. گردر یک اجتماع زندگی است که در جامعه امروزی مساله فقر و گرسنگی مطرح است، نیز صدق می‌کند البته شعر دیروز بازهم بتذکر مؤجز بیشتر میرسیم. است؟

- پیوند شاعر با محیط بشری شاعر نمی‌تواند از زیر بار ایمن همیستگی زرف بارو ش زندگانی مسؤولیت شانه خالی کندو به شکل دیروز داشت و شاعر در آنکاه می‌توانست در شعرش سخن از سفر به زندگانی نموده باشد و هنر مند نیز مانند دانشمند در خلق و ابداع، منفرد همانند فرخینها و عنصر یها کامهای اشتراحتی و کار وان را بزنده دم از هنر برای هنر بزنده و بدون رابطه با اوضاع اجتماعی عصر خویش برای شاعرانه بکند و یا به نفع طبقه محدود و هندی، در همان عصر تازگی و بختگی داشت و عوامل انکشاف و ترقی زبان را مهیا ساخته بود مکر شاعر قرن بیست نمی‌تواند با شاعر دیگری مدعی است همینکه، جبر، هندسه، و ... میزند تا شاعر دیگری مدعی است همینکه، جبر، هندسه، و ... میزند عوامل سرعت چرخ ترقی و تکامل زیست اجتماعی رافراهم آورند. مژده اینکه شاعر نیز بازخواست از عالم حساس و ادرار مسافتی دور پیش از میزند در حالی که چنان نیست و آنچه بیش از ظهور زبان و کلمات وجود داشته تنهای شاره تجربه فردی خویش آئینه تمام شود. فقط بعد از ایجاد لسان انتباریست که بشر ابتدائی توانسته است باستفاده از کلمات پدیده های از احساسات و عواطف خویش را در محدوده نظم تبارز دهد. این گفته را می‌تواند نیز نظم نا میده می‌شود. قدرت بعد از ایجاد لسان انتباریست که بشر ابتدائی توانسته باشد. در هر اجتماع بر اساس تقسیم وظایف، کار اشخاص منعین و جدان نازار عصر خویش باشد. از لابلای این سخنان می‌توان به نوعیت شعر متعدد نیز بی برد. اگر چه بعضی شعر متبعده را متعلق به جنبه های سیاسی میدانند، اما به یقین شعر هنر تبلیغ و حربه استخدام هدفهای سیاسی نیست. بلکه شعری که وظیفه ملی و هنری خویش رادر حصه افراد اجتماع انجام داد مسؤولیت شاعر در آن رفع و تعهدش در برابر فرد و جا معادن اجر این مهتاب برداشت و بیکار روی آنرا عریان ساخت تاشاعر بار دیگر، از تقلید گذشته عابه نیز نک این زیبای فریبا گیر در نیاید. (بود ل)

باقیه در صفحه ۴۹

گسترش زبان در میان اقوام و ملل خود گرفته است. بعلاوه بطور خاص ازوظیفه شعر می‌باشد. اگر درین میتوان اظهار کرد که تاریخ نخستین باره به همین قدر اکتفاء نشودناگزیر شکوفه های شاخسار شعر دری را باید نظر مفصلی بر سیر تاریخ مصارف به سال ۱۹۳ هجری و بعض ادبیات و نقش آن در جهان انداخت. به زمان محمود وراق هرا تی دانسته وشیوه های مختلف ادبی و هنری اند و به خصوص شعر معروف و فجا معه ها و عصره های متفاوت را حظله باد غیسی را میدانند تاریخ بازخواسته های دید و اهداف شان ویا شعر دری میدانند و ازان تاریخ شرح اصول متفاوت ادب و هنر و به تا امروز تحویل آتی را که در ساحه ویژه اصل هنر برای هنر واصل هنر شعر دری و سبکهای آن می‌بینیم، برای اجتماع بر رسمی کرد و توام با آن چگونگی شعر دری و پیدایش آنرا تطور زبان را مطالعه نمود که بعداز واضح میسازد که شرح آنرا بیرون نتیجه گیری ازین سیر تاریخ و اندیشه از حوصله این گفتگو میدانم. های شعر در کانون هستی ملل دنیا از نظر شما رسالت شاعر کدام بازهم بتذکر مؤجز بیشتر میرسیم. است؟

- لطفا بگو بید که شعر کی و جدایی ناپذیر است و هنر مند نیز مانند دانشمند در خلق و ابداع، منفرد همانند فرخینها و عنصر یها توانست در شعرش سخن از سفر به زندگانی نموده می‌گوید:

- اگر چه می‌گویند شعر همزاد وسائل و شیوه های زیستان گوشنده بشر است مگر به عقیده من پیدایش است. اگر عالم دست در کار طرح با اوضاع اجتماعی عصر خویش بردازی، خود و به سود خود بپره برد از های به اصطلاح خرا سانی عراقی شاعر دیگری مدعی است همینکه، جبر، هندسه، و ... میزند تا شاعر دیگری مدعی است همینکه، جبر، هندسه، و ... میزند عوامل سرعت چرخ ترقی و تکامل زیست اجتماعی رافراهم آورند. مژده اینکه آن شعر است در حالی که چنان نیست و آنچه بیش از ظهور زبان و کلمات وجود داشته تنهای شاره تجربه فردی خویش آئینه تمام شود. فقط بعد از ایجاد لسان انتباری که نمای خواستهای جامعه ای خود می‌محصول آن نیز نظم نا میده می‌شود. فقط بعد از ایجاد لسان انتباریست که بشر ابتدائی توانسته باشد. در هر اجتماع بر اساس تقسیم وظایف، کار اشخاص منعین و جدان نازار عصر خویش باشد. از لابلای این سخنان می‌توان به نوعیت شعر متعدد نیز بی برد. اگر چه بعضی شعر متبعده را متعلق به جنبه های سیاسی میدانند، اما به یقین شعر هنر تبلیغ و حربه استخدام هدفهای سیاسی نیست. بلکه شعری که وظیفه ملی و هنری خویش رادر حصه افراد اجتماع انجام داد مسؤولیت شاعر در آن رفع و تعهدش در برابر فرد و جا معادن اجر این مهتاب برداشت و بیکار روی آنرا عریان ساخت تاشاعر بار دیگر، از تقلید گذشته عابه نیز نک این زیبای فریبا گیر در نیاید. (بود ل)

- هدف از شعر در جامعه امروزی و تأثیر مانکن های دیگری را به جامعه دارد که در آن زیست می‌گند

تو گه معر فی شی او زموب دمنی
با نکی به ارزبست باندی دیوهیدلو
دیاره هر چا ته زمینه برابره شی
به هر حال اوس چه دینستو
دین المللی مرکز بین المللی
سیمینار دغوندو سلسله نن پایی ته
دینستو زبی به ودی او انکشاف
ورسیده. هیله ده چه دسیمینار گیون
کوونکی دخبلو علمی او عملی تجربه
او دشريکو همکاری به اتکاء به دی
کنی کپورو او داسی فیصلو ته
دفغانی ولس د لر غونی تمدن
رسیمیری چه زموب کلتوری بالیسی
خیر ونکو محققینو. نری والو او
یی آزو لری.

ددریم منج پاتی دسر مقالی پاتی

او تو گه لکه خنگه چه بنای دلور-
تیا به لور گامونه نشی احیستی.
دینستو زبی به ودی او انکشاف
کلتور او ملی مشخصات عم چه
او دشريکو همکاری به اتکاء به دی
کنی کپورو او داسی فیصلو ته
خصو صیتو نه یکی نسبتی دی
رسیمیری چه زموب کلتوری بالیسی
خیر ونکو محققینو. نری والو او
یی آزو لری.
نورو علا قه مندانو ته به اسا سی

خیر به شور زور او غور زنکو نو
روانه ده.

دادواهه برخی داولس دروان زوند
اود زوندانه درجیان بسونده کوی او
دولس دذوق او قریحی بسی خرو-
بوی.

اوله برخه بی موین لیکلی ادب
یاد شعرو نو عمه سلسله بو لوچه
دعلم مطا لمی او تفکر به اثر منع
نه راغلی او لیکلی شوی ده.

بله برخه بی شفا هی ادب باد
ولسی شاعرانو دستندرو همه سلسله
دهجه دولسی زوند داحسانا ساتو
عواطفو رسو مو عاداتو اخلاقو او
عقایدو تر جمانی کوی.

دافغانیت او ملی احسا ساتو
حمدسه باید دینستو شاعری به دواهه
اوبرا خوالی او بله بی دایا سیند به
برخو کنی و گورو

د پشته و خیر نه

زیه رابنکول اورزمی زیور تیا گورو
اوهم بی به شعر او ادب کنی دسینتو
نوزو دیه کهار به وجه اها پ کنی
لاله زار جو پیری.

(بنیادم تر گل نازک تر کا نی
کلک) ددنه ملت ملت دی چه هم
دسر و گلو به رنک او همد سینتو
تورو پهش نک مین دی.

هدنه ملت چه دجنگ او ننک دگر
ته به دول او نغارو خی اود بسادی به
وخت توبیک پزی کوی.

به پهش ادب کنی پیستو شعر
دیوداسی بیهاند سیند به شان دی چه
لدورو مهمو منابعو نه راوخی یوه بی
دامو سیند غوندی به بوره زور تیما

اوبرا خوالی او بله بی دایا سیند به
برخو کنی و گورو

(ارک) به معنی آنچه بلند تر از سطح زمین
باشد (تکچ) به معنی ساختمان است.

پس می توان گفت که (میدان بزرگ) واقع
در انگلستان کنونی اولین ساختمان اروپا از
نگاه مهندسی است. عده عقیده دارند که

انگلیز اساس بنای این ساختمان ها عقاید
ملهی بوده است. و گمان میرود که این

ساختمان (میدان بزرگ) محل تجمع قبیله
برای اجرای مراسم مذهبی بوده است. درینه
های که دو ساختمان تعیین گردیده طوریست

که نور آفتاب را به شیوه رو حانی داخل
ساختمان عبور دهد. چنین به نظر میرسد که

اهمی این مطلعه آفتاب برست بوده و شاید
(میدان بزرگ) محل پرستش آفتاب و باعث دنای

بزرگی بوده باشد. آنچه مارا متوجه میسازد
این است که چگونه جذبه مذهبی انسان این

دوره مقاعد گردانیده تا صخره های بزرگ را
شکل دهد، به صورت عمومی درباره هنر

دوره نیولیتیک می توان چنین نظر داد که
طرز زندگی اجتماعی هزارین دوره راچه از نگاه

طرز دید و مفکر های تراش گردیده است.

هندر لابلای قرنها

حوالی ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م میباشد، این روش
در مجسمه سازی نه از نگاه ساختمان مواد بکار
برده شده بلکه از نگاه سبک تاسقوط امیراتوری
چه مهندسی هنریست که بر پایه تصور و
برخلاف مجسمه دوره سنگ قدیم که بسالای
سنگ انسان نیولیتیک اورا مجبور می ساخت
بنایافته بود علت وجود آمدن این مجسمه
مکوره های مختلف مذهبی بوده است و چنین
گمان میرود که عنده بین انسانهای این دوره
متداول بوده تا بایوسانیدن چمچه با گنج روح
رادار آن مخلوط نگاه دارند چه برای آنها سر
منعیت نقطه حیاتی انسان اهمیت داشته است
و سایر قسمت بدن جزفرعی وجود انسان دا
ارائه میداشته است. ازین رو سایر قسمت
بدن رادر زیرخاک مدفن میگردند در حالیکه
مخصوصا دربر تانی بقوع بیوست که از نگاه
اگر این چمچه از بناهای بدست آمده که گمان
میرود مقبره خانوادگی قبا یل مختلف بوده
باشد. گرچه انسان دوره سنگ قدیم نیز
اجسد مردمگان خود را در گنبدی میگردید
مکوره که آنها اوادار باین کار میگردید است

برای ماهیت خانوادگی قبا یل مختلف بوده
بعض معتقداند که به گاربردن اصطلاح مهندسی
برای این بنایهای دارند تغییر شکل داد.
درحوالي ۳۵۰۰ ق.م انشکافات دیگری در حاليکه
مخصوصا دربر تانی بقوع بیوست که از نگاه
از زش های کمی و گیفی نظر به انشکاف تاریخی
شرقیانه انشکاف بستر نموده متنزله گمیواره
مدينیت های کهن را اختیار گرد. روش مهندسی نیز
همکام با پدیده های دیگر تغییر شکل داد.

در حاليکه مخصوصا دربر تانی بقوع بیوست که از نگاه
اگر این چمچه از بناهای بدست آمده که گمان
میگردیده باشد. گرچه انسان دوره سنگ قدیم
این دوره تاریخی عبارت از معابد بزرگی است
که از سنگ های عظیم الجثه بنایافته است اما
(میدان بزرگ) از تقایقی از دوره نیولیتیک در انگلستان
از نگاه هنر مهندسی ارزش زیادی دارد، گرچه
بعض معتقداند که به گاربردن اصطلاح مهندسی
برای این بنایهای دارند تغییر شکل داد.
عقیده این عده اصطلاح مهندسی را فقط میتوان
برای عملی شکل دادن فضای داخلی به گاربرد.
اما روشن های جدید مهندسی این نظر را دارد
میگند روچه انسان را تغییر میدهد. یعنی دوره
گرددی انسانهای شکارچی مقاوه نشین باعث
آن میگردیده که به اسلام خود نسبت به بشر
زیارت پیشه و مستقر دوره سنگ جدید
بر تفاوت ترا باشند.

از نگاه هدف نیز نقش هنر در دوره نیولیتیک
ساخته ای این های دوره نیولیتیک بر تانی استوار
بر هنر مهندسی باشد. چه طرز
زندگی تغییر انسان را وامی داشت تا هنر را
آرکتیک از دو گلمه یونانی ترکیب باشند.



دیوار های سنگی میدان بزرگ درستون هیچ انگلستان این دیوارها که
۷۱۳ متر ارتفاع دارد از صخره های بزرگ سنگ تراش گردیده است.



اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی
مدیر مسؤول: نجیب رحیق
معاون: پیغمبر راحله راسخ
مسئلهم: علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹
تلفون ارتباطی معاون ۱۰
تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰
سو چبورد ۲۶۸۵۱
مدیریت توزیع ۵۹
آدرس: انصاری وای
وجه اشتراک:
در داخل کشور ۵۰۰ افغانی

فرستنده عبدالرحیم متعلم صنف دوازدهم ک لیسه حسینه

دوستی

هنگا میکه با دوستان بسرمیبرم دیگر هیچ آرزو بی ندارم
(لامعاً)

بهرین وسیله دفع دشمنان از دیاد دوستا نسبت
(سر هارک)

نایاب ترین چیز هادر جهان دوست صمیمی است .
(نا پلیون)

وسنی با مردم دانایا لا آرین سعید نیست
(ضرب المثل فرنگی)

د وستان فهمیده و صمیمی زندگی را بصورت بستانی زیبا جلوه می‌کند که هیچگاه نمی‌خواهیم آنرا ترک گوییم و هنگامی دوستی حقیقی

ق میباید که یاران قلب یک دیگر را بدرسند و شنا سند و این مشکل
ن چیز های جهان است . (یکی از حکمای چین)

در عز لت بسر بردن بهتر از عما شرت با دوستان نا بخرد است
(مثال قدیم)

وست حقیقی آنست که در غم و شادی ماشريك باشد خو شبختی
ضایع و ظیع از رنجها مارا بدوش کشد.

(بیکن)

دسرور زوی ڦبایه

مِنْحَةُ رَاحِي

قو لنج خهشی دی او خنگه

جهاز تهداخلوی چه یه دغه خای کی
ددوی دازار سبب گر خنی خینی
کو چنیان طبیعت له نظره دنورو
کو چنیانو په نسبت پیر حسا سر
وی، دوی به زیات کار کرو اود
ذکا وت له مخی به ور خنی چاری
سرته رسوی اود هفو هلکا نو په
مقابل کښی به چه آرام او هوسا وی
زیاته زیا کوی ددوی داعصا په
انقباض او ناراحتی هفه و خت زیاتیزی
چه ددوی میندی داعصا په، نارو شنی
اخته شوی وی اودا موضوع به
دیوه زنخیر به تو گه دنکار په حال
کښی وی دده گه راز حسا سه او
قو لنجی هلکانو دعالج په لیاره داده
چهد خوب اورا حت په وخت دوی
دخوب په لارو چارو بلند شی، په
اوه دی نه ویدیزی، بلکه ددوی دخوب
عادتونه دی داسی وی چه اړ خو نه
اوشنایی تکلیف ونه وینی په دی
برخه کښی سپارښتنی او لارښمونی
کوم کار نه شی کولی بی له دینه چه په
عملی تو گه په اقدا ماتو لاس بوری
شی او ثابته شی چه دده نارو غی
تولی ریښی له هنځ نه وتلي دی خنکه
چه قو لنج به خپل ذات کښی یوه
داسی



فرستنده نریا عادل الیاس

نگاهداری زبان شو ط

اول دوست یادی است

اگر خودرا از دیگران برتر نمیدانید
این گز و این میدان، ثابت کنید که در
جامعه از دیگران عالیت را در دوستی
محکمتر و مفید ترید دراین تصویر است
برتری شما را خواهند شناخت و
شمارا عزیز و محترم خواهند دانست
تنها نشستن و خودرا ستو دن چه
فاایده دارد؟ هر روز در ضمن کار و
تفريح و ملاقات هادر هر جا که به
اشخاص برخوردید آشنا یا نازه
بگیرید و سعی کنید که باز بان یا
بوسیله انجام خد متی دلشان را
بدست بیاورید اگر روزهای اول
این عمل دشوار باشد در اثر عادت
آسان خواهد شد و ازین مجاہدت



معرفی یک جوان هنرمند



انور فرهاد «شفق»

نقاش جوا نیکه آرزو دارد در رشته نقاشی پیشرفت نماید و تمام سعی و تلاش ایست که در آینده نقاشی خوبی که بتوانند خواسته و مفکردهای را که از مردمش، از اجتماع عش و از طبیعت وطنش سر چشمه میگیرد نقاشی نماید و به مردم عرضه نماید.

قلاش زنان جهت پیروزی

نماینده افغانستان برای ایجاد شرایط لازم کاپو و نلاش عارضه های مختلف زندگی جمهوری افغانستان را ایجاد کردند. این مقاله از تامین وتساوی حقوق زنان با مردان در دور از اجتماع و کارهای زنانه، انتشار اخبارها، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انسان را پوشانیده و عقب پرده های تکاه اش داشته است. ورنه افغان چون گذشتند ها خون دزنهای بیکار بازندگی و جهاد در راه پیشرفت در عروش عمجهان خانواده از اعیان تنظیم درست حیات فامیلی تربیه و رسیده محروم از علم و دانش نمیماند، از تعليمات عالی سالم اطفال و تقدیم فرزندان صالح و شایسته دویلی برادران خود بهره مندند شود و به جامعه و چه درخدمت گشوده همواره موثر استعداد هرگونه آموزش دادند. در گانون خانواده عنصر خوب و مهربان و مهربانی، اجتماع امروز مابه این تعادل احتیاج دارد و باشیتیانی از حقوق زنان و دختران افغان و تثبیت سهم آنها در تطبیق تحولات و انشاف بنیادی نظام مردمی ایجاد یک مسلسل اقدامات سریع و مهند را در جهت بینادی و رهنمایی زنان می تواند و در حقیقت زن معوری است که خانواده و جامعه و حتی تمام بشریت در اطراف صدراعظم ویانی نهضت نسوان در بیان آن می چرخد نقش زنان در هدایت و تعیین هدفمند خطاب بمردم چنین گفتند: دولت سرنوشت ملت ها همیت حیاتی دارد.

قولج خهشی دی

موږیه دی باور لروکه چیری بدی
برخه کښی دداکترانو نظر یاتو او
نه یوهییری اوئه بی کوم در مل منځ
هدا یاتو ته دخلکو یا ملنده و پرول
شي په دیر لې وخت کښی به په دغنى
نارو غى اخته کسان جوي شوي وي
اوبيا به دکومي ستون نزی احساس
هم نه کوي.

نه پا سکزاری

از بشاغلی محترم پوهنواں دکتور محمد یوسف هما که عمل جراحتی کیسه صفرای خانم را با توجهه مو فقانه انجام داد، تشکر هیکم و نیز از پوهنواں دکتور محمد کریم نصر که در تداوی آمبو لی شش مریضه مو فقانه سعی کرد، افکار سپاس می نمایم.

پو هنمل اکبر استاد پوهنخی ادبیات و علوم بشری
۱-۲۱۰



پوهنواں دکتور محمد یوسف هما
رُوندون



پوهنواں دکتور
محمد یوسف هما

راز پیشوافت



باين شکل مقاله ام راتا آخر نوشتم
و خوانم وبعلم صاحب برد

چطور میتوان از فردی آرزوی کار
و خدمت داشت در حالیکه اوندانسته
باشد وزیر ملکه ویکتوریا چه نام
دارد وطن ماذخایر گرانبهای طبیعی
دارد، ولی کسانی میتوانند ازین
معدن و ذخایر بهره برداری کنند که
بدانند تعداد تلفات نایلیون در جنگ
و اترلو چند نفر بوده است.
علت عقب ماند کی زراعت در
کشور ما ایست که دهستانان ما نمی
دانند جنگ پروس و اطربیش در کدام
سال و به نفع کدام طرف صورت
گرفت..

باين شکل مقاله ام را تا آخر
نوشتم و به معلم دری ماسپردم



معلم انگشتی را بطرف او دراز کرده گفت.
تو بگو وزیر ملکه ویکتوریا چه نامی داشت؟

بیس های که

نگران، کلینر، دریور و میخا نیک
به یکهزار نفر خواهد رسید، حقوق
تطبیق نشد و در سال آینده مد نظر ما
و گار گر بر داخته می شود، تشویق
و مفتیشین هدا یت داده ایم، تا در
انتقال شاگردان معارف به هر
یکمانه بی که باشند، بپردازند.
آخرین مو ضو عی که از دو دکتور
سمندری معلو مات خواستم،
بی رامون بر سوئیل تصدی علی بس
بود.

وی درینورد، میگوید:
بر سوئیل این مو سسه بشمول است.

- بعد از اندکی تفکر جواب می واقعی سیر تطور و تکامل خویش را دهد.

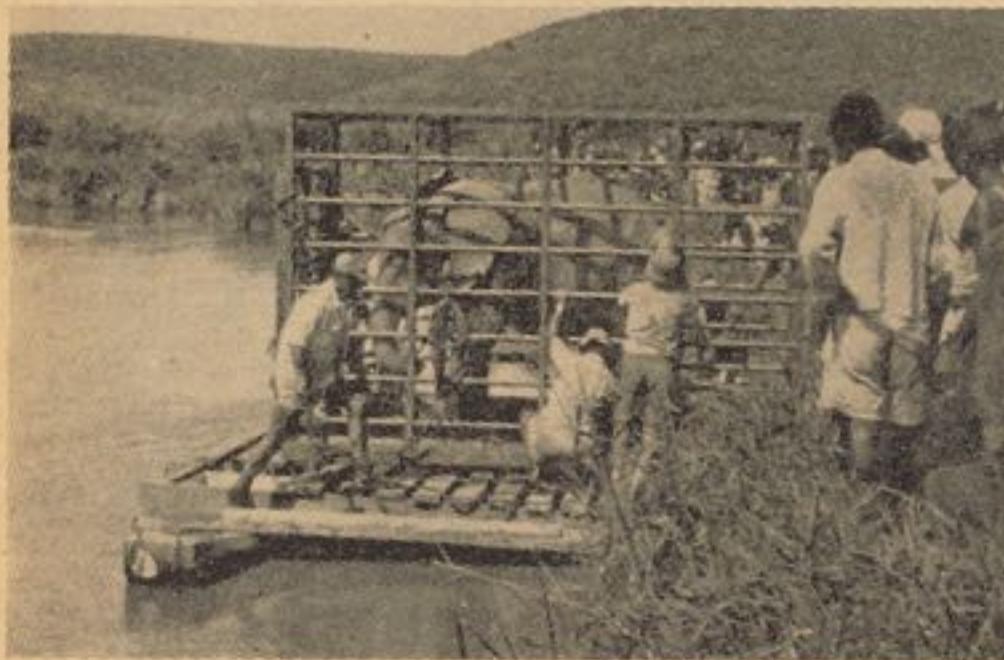
ازدیاد شعر و نویسنده کان در رفته عام می گردد و از خدمات جامعه مقاد زیاد دارد اما با اختصار اجتماعی این گروه، جامعه انسانی و به صورت عمومی می توان گفت که به جمیت و سمتی که کمال مطلوب ازدیاد شعر و نویسنده کان، در انسانی است رهبری می‌شود. شاعر جوامع بشری دو سود بزرگ‌تر و نویسنده هر چند بیشتر شود همان دارد. یکی اینکه کنله های بشری، قدر باندا پس از اینها زندگانی بیش از بیش به حقایق زندگی اجتماعی مبارزه صورت می یابد و آرمانها و ارزش‌های واقعی انسانی نیز پاسداری کامل از فرهنگ و هنر بی هی برند و دیگر اینکه هنر، و ملی بعمل می‌آید. ادبیات به ویژه زبان در اثر کاوش‌ها اینهم یک تموئی از شعر آقای وجستجو‌های شاعران و نویسنده‌گان نیک محمد صریر.

در آغاز بهار زندگانی - جهان در دیده ام رنگ دگر بود بسر اندیشه زیبا و بکری - عوس بورو دلی گرم بیر بود خم بیجی که دارد وادی شوق - به بیمودن به چشم بی خطر بود نه هر گز بر مراد دل رسیدم - نه در سعی و تلاش من نمر بود پرید از شاخسار پیکر من که سیمیر غ شبایم نیز بپر بود نمودم نعره مستانه ام ضبط که از شهر خمو شانگنر بود شب و روزم به یکریکی بسرشد بسا صبحم زشامم تیره تر بود زبان دیگران هم داشت سودی و لی در سود من بیداضمربود نه زین دو جسم و جانم را خبر بود مکر قوت من از خون جکربود ز شهد زندگانی بیشتر بود بناءً گاهم دوشه روزی هنر بود هنر هم در دل من بی اثر بود مگر آنهم چو عطر تیز بی بود مرا خجلت ره آورد سفر بود قضاوت بخت و تقدیرم سپر بود. به چشم عقل و همی مختص بود بنای هستیم زیر وزیر کرد به سینه مرد ذوق جستجویم

شده بود و مبلغ ۱۲۰۰ مارک فیس شکار فیل را بی داخته بود از زاده شکار غیر مجاز فیلها مبلغ سی هزار مارک بدست آورد.

قتل عام فیلها

بفروشن میرسانند. چنانچه یک توریست شهر دوسلد ورف آلمان که بر سبیل سیا حت وارد کنیا



بعد از طی ینجصد کیلو متر فیلهای خردسال به محل مصنوع نقل داده می شود. حیوان شناسان، عقیده دارند که حیوانات موضوع دو باره به محل اصلی خویش برخواهند گشت.

شعر، آفریده‌جان

شاعر شهیر فرانسه درین مورد، باشاعر چه فرق نظری آمیخته باطنز دارد. شعر شناخت انسان از شرایط آن کس که نخستین بار روی یار را به گل تشبیه کرد شا عرب بود، واقعیت‌های کنزان و ویژه است. در وان کس که بار دیگر چنان کرد احمد حاليکه شعر مفهوم و سیمی و شناخت بود. این گفته بود که در نهایت شدت خود رو شنگر هدف شاعر واقعیت‌های زندگی است. شاعر امروزی میخواهد پیشقدم است و همیشه میخواهد امروز در جا می‌باشد. یعنی شاعر امروز باید شرش را از نظر محتوی و شکل موافق به مقتضیات انسانی و این حقیقت تنها بحال ریست امروزی بسازد و چون در، شاعر امروز صدق نمی‌کند. بلکه شاعر دیروز نیز همینطور بوده است چنانکه حافظ می‌گوید: بیا تا گل برافشانیم و می‌در ساغر اندازیم - انسانی امروز باشد. البته این تازه آفرینی و نو آوری بایست بر اندازیم. این صلای او نمایانگر پیش گامی اوست در زندگی، تازه طلبی و بالآخره رعیتی برآمی تازه و زیست هنر و ادب گذشتند پی ریزی گردد. گویا شاعر امروز باید تسلط کامل تازه روزی چند تازه کی دارد و بعد در ادب و هنر دیروز داشته باشد. تابا ترک اضافه ها به بدعتهای قابل پذیرش و پیروی جا می‌باشد. با تحولات زندگی مفهوم مش را از دست میدهد و اما شعر بدون شاعر مانند این شعر حافظ تائیر و خاصیت گردد.

- صفات و مشخصات شعر خوب چه رامیدانید؟

- صفات و مشخصات شعر خوب به نظر من فقط شعری را باید ترجیح داد که نمایانگر احساس و ادراک،

حقیقی شاعر از واقعیت‌های زندگانی او باشد و بکارت طرح و کلمات جالب داشته باشد. قالب نو و یا کهنه

فرق نمی‌کند از قدیم گفته اند: (سخنی که از دل بر می‌خیزد به دل می‌نشیند) سارتر ر جهان و برتری،

و خوبی شعر را در آب دید گزی شا عرض از شکست میداند. «الفرد دو موسی» بهتری و خوبی شعر را

بسته بمقدار رنجی میداند که شا عرضی کشد، زیرا غم و اندوه، را استاد انسان آموزنده می‌گوید.

بهتر صورت می‌توان گفت، که شعر خوب و اجد ویژگی‌های از قبیل وزن (مطلوب از قالب‌های معین بیشینیا نیست) بلکه ایجاد وزنی‌ای تازه،

ایجاد کلمات، رعا یست، انتخاب کلمات، صنایع مهم شعری و تصویرسازی،

تازه جویی در محتوی و حتی شکل می‌باشد. امید می‌کنم این گفته‌ها جوابگوی پرسش قبلی تان در باره

شعر مقید به وزن و قافية و شعر مفادی را بار خواهد آورد؟ آزاد نیز باشد.



بدون شرح

پیش بینی؟

در جشنی که بر تاریخ شاوا به مناسبت نود سالگی خود در منزل ترتیب داده بود، یک روز نامه‌نویس جوان به شاوا گفت:

- امیدوارم که سال آینده هم بتوانم شما را ببینم شاوا بلا فاصله جواب داد:

کمان میکنم خواهیم توانست یکدیگر را ببینیم! چون شما به نظر من جوان‌سالمن هستید!

در س شرافت

مردی به پسر خود تصریح می‌کرد، در معاملات و تجارت همیشه سعی کن به مشتری خود از راه دوستی و شرافت پیش آمد کنی!

مثلثاً دیروز یکی از مشتری‌ها چهارصد افغانی به من داد. یعنی می‌خواست ششصد افغانی بدهد. مگر هزار افغانی داد!

پسرش با بیتابی پرسید:

- خوب چه کردید?

گفت:

- هیچی، نصف آنرا خود گرفتم و نصف دیگرش را به شریکم دادم!



آشپزی

مدون‌ترین پیش‌بند برای آقا‌هنجام

زوندون



حننده فروشی



به انتظار مشتری دیگر

خطر

در مجلسی صحبت از خطرهای مسافرت باکشته بود... مردی با اصرار نام میخواست ثابت کند که سفر دریا همیشه خطرناک است و چون دلیلش را خواستند، گفت: بهترین دلیل اینست که در سفر درکشته بودم که برای اولین مرتبه زنی را دیدم و با او آشنا شدم و سپس با او ازدواج کردم.



چه کاره هستی؟!

روزی شخصی به رفیق خود از راهی عبور می‌کردند دفعتاً دید که یکی از رفیق دیگر شان به آنجا مصروف دیدن اشیای چار طرف خود است درین وقت رفیق اولی شان

بعد از احوال پرسی خود گفت:

احمد جان به اینجا چه کاره هستی؟!

گفت چیزی نمی‌کارم که بکار

آید، گفت پدرت نیز هم چنین بود،

هر گز چیزی نکاشت که بکار آید!

دکتر صاحب زودتر دندان مرا
بکشید

دکتر به مریض: آ، رفیق درجه
فسار شما یکصد و هشتاد درجه است

قابلیت جوانی

اخیراً تابلیت هائی کشف کرده‌اند که انسان زا چندین سال جوان می‌کند این هم قصه ایست از آن تا بلیت ها... روزی پیر مرد هشتاد ساله‌یی به دواخانه مراجعه کرد و جعبه‌ای ازین تابلیت‌ها را خواست... متصدی دواخانه یک جعبه داد و گفت: هر دانه از این تابلیت‌ها گافیست که آدم را ده سال جوانتر کند، اما مواظب باشید که خشوشی شما از این موضوع آگاه نشووند!



صاحب خانه: بهر جای دیگر که برو یسد گزاره شما به این رقم عصبا نیت نمی شود

در شیرینی فروشی

شیرینی سازی خوش سلیقه بی، برای بچه های خوردن شیرینی های به شکل مجسمه ساخته بود تا بیشتر آنان را اطفال خوش کند و قیمت بهتری رویش بگذارد.

یک روز دختری کوچکی و از دمغازه وی شده و بر سید! - کاکا جان این مجسمه هایی را که با شیرینی به شکل مجسمه ساخته اید، چند می فروشید؟

فروشنده جواب داد:

- دختر جان! یکی پنج افغانی.

دختر گفت:

- خیلی خوب! یکی از آنها را بدم بید هید.

فروشنده بر سید:

- مجسمه پسر باشد یادختر!

دختر قدری فکر گرد و یعد گفت:

- پسر باشد! چون حتماً بیشتر شیرینی دارد.

زن‌ها امروز!

سه نفر زن جوان با هم مشغول صحبت بودند، راز خود را به بیکاران می گفتند.

اولی گفت:

- من تمام خالیکاه هائی که قبل از ازدواج داشته ام به شوه هرم گفتم!

دومی گفت:

- شخصی باید برای اینکار خیلی جسارت داشته باشد!

سومی گفت:

- به عقیده من باید خیلی حافظه هم داشته باشد!



وقتی که داکتر به ذره بین مریضش را معاينه کند

تشکر آقای داکتر که پر ابلمهای ازدواج مارا حل کرده

در میان آن نابینایی را دیدم که - ای برادر! شب و روز نزد کوزه بر آب برسر شانه و چراغی تویک برابر است، این چراغ به در دست داشت و به بسیار احتیاط دست گرفتن توجه معنی دارد؟

شخصی حکایت کرده اند که از تمام راه می رفت.

شهر سفر کرده و به دهی رسیدم من خود را با او رساندم و او را نکند و کوزه مرا نشکند

در شبی، که نهایت تاریکی بود، نگاه کردم و گفتم:

شجاع ترین مردمان

شیرینی سازی خوش سلیقه بی، برای بچه های خوردن شیرینی های به شکل مجسمه ساخته بود تا بیشتر آنان را اطفال خوش کند و قیمت بهتری رویش بگذارد.

یک روز دختری کوچکی و از دمغازه وی شده و بر سید! - کاکا جان این مجسمه هایی را که با شیرینی به شکل مجسمه ساخته اید، چند می فروشید؟

فروشنده جواب داد:

- دختر جان! یکی پنج افغانی.

دختر گفت:

- خیلی خوب! یکی از آنها را بدم بید هید.

فروشنده بر سید:

- مجسمه پسر باشد یادختر!

دختر قدری فکر گرد و یعد گفت:

- پسر باشد! چون حتماً بیشتر شیرینی دارد.

شجاع ترین

مردمان

از بخیل بر سیدند که:

- شجاع ترین مردمان کیست؟

گفت:

- آن کسی که آواز خوردن غذا به گوش او رسد که در خانه اش چیزی می خورند و زهره اش نترکد!

هرگز راست گفته ای؟!

از دروغگویی بر سیدند:

- هرگز راست گفته ای؟

گفت:

- اگر گویم آری، دروغ گفته باشم!



بدون شرح

قیمت زن؟

به جان رشتان بک گفتند:

- زن‌ها قدر و قیمتی ندارند!

تویستنده مشهور جواب داد:

درست است، ولی همین ک-

انسان یکی را انتخاب میکند قیمتش

شهر سفر کرده و به دهی رسیدم

من خود را با او رساندم و او را

نکند و کوزه مرا نشکند

به سرعت بالا می رود!

منطق کور

و بیوند نزدیک با تهم شایعات ترازیدی هاو
ومالیخولی های بازاری دارد، از تباطی که
موسیقی را کراصدای اغتراف یک نسل ساخته
است.

اهنگ های اوجدا از تمام خوانندگان
بند اوایل موسیقی را چون: سام کولا
البوس بر سلی، چک برای روی اورسیون و
یدی هولی میباشد. و حتی از لحن خم زده او می
توان فریاد باب دیلان وان هوریسن و باند را
شنید. موسیقی او ترکیبی از آهنگ های
لاتین سول وجاز بسیار عالی می باشد. لحن
اهنگ با توقف های کوتا و درهم میشکند و با
سرعت هم آهنگی خود را بازمی یابد اشعار
غنایی آن بیشتر نمای معبد دارد اسپرسنگستین
بسیاری مواقع با این اشعار خواسته عایش
را ابراز میکند.

چنانچه میگوید:

(رمضان) این شهر خشن استخوان عایت
را بروز میکند.

این شهر دام مرده و قربانگاه است.
ناگه جوان هستیم با ازان فراز کنیم.
کدام نی چون من و تو برای گریز تو لد
شده ایم.

خرگس سعی میکند بداند او را کجا میگرد
و به کجا میرود؟

برای اولین بار اودر اواسط سال های
نهضت در سواحل جرسی برای هواخواهانش
که محدود بودند آهنگ سرداد.

بعددو الیوم ریکارد هایش بنام های
ملاقات در (اسپرسنگستین) بارک و وحشی بیگناه و سی
قرار جاده ای بر تعداد تماشا گرانش افزود.
این الیوم عبارت از تجدید شد و مردم از یک
ریلان جدید (حروف میزند). بعد از اسپرسنگستین



بروس اسپرسنگستین در حال اجرای کنسرت

شنبه ۹۰ موسیقی راک

در پس کوچه ها

اسپرسنگستین دو سال روی
موسیقی راک خواند و این نام با مسمی
البوم جدید ش بنام (تولد برای فرار) کار
آغاز کرد و کمپنی کلمبیا به اطمینان اینکه همه کس
کرد و کمپنی کلمبیا به اطمینان اینکه همه کس
آن هیجان در بیان کنسرتنس فرار
میکارد هایش را خواهد کرد ۱۵۰ هزار دلار
خرج کرد.

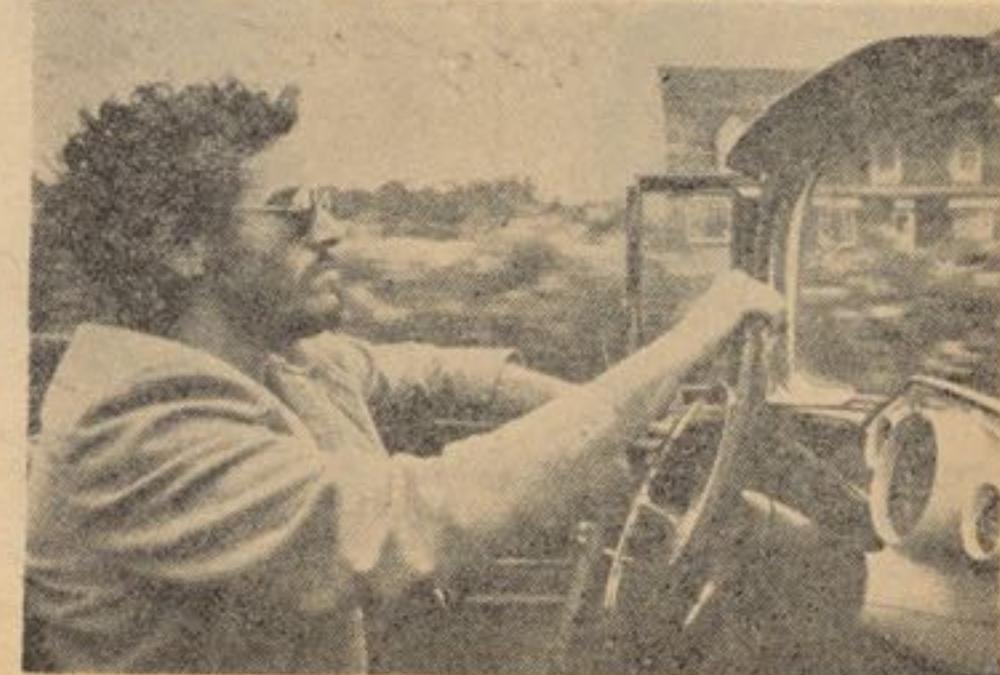
این الیوم اورا به مقام درجه یک رساندو
ملکه در خشانی از انگلستان نیست او که
نکت کنسرت ها بیش از اعلان با سرعت به
همیشه جاکت جرمی همراه بازی برای هنر
به آن میگند یک جهره در خشان از موسیقی
در حال هرگز نیوجرسی، زادگاه مو سیقی
سده اس در لوس انجلس هزاران جوان برای
شند نشسته باشند و با سکستنند. طی جا ر
روز گانسر تشدید تر روز باز سرنسیت
ستیز او نهایش تکان دهنده هنری به عمل
اورده تها شاجران را چنان عیجان زده ساخت
که همه بی خاستند و به پایکو بی شروع گردند
عنکبوت سراییدن آهنگ در انتظار مردم، حتی
سراپند کان مجرب و بخته مفطر و پریشان
میشوند، ولی اسپرسنگستین با افرادی دیوار
وار و حشیش توانست تا نظر همه را جلب
کند.

تماسا گران لوس انجلس که از ایام
خوانندگی نه سال داشتم فکر نمی گردم کسی
وجود نداشته باشد که البوس بر سلی بودن
را به دل نیز و رانده باشد ولی اونه احسانات
ونه فوق العاده است. موسیقی او ابتدا بی است

موسیقی راک (رازیز) خواند و این نام با مسمی
آمد ولی این شخص با همان جهره مخصوص
هزاران نماشچی دلمده را برای شعله های
اتش هیجان در بیان کنسرتنس فرار
میکرد. اویک پسر طلایی کالیفر نیاین و با
این الیوم اورا به مقام درجه یک رساندو
ملکه در خشانی از انگلستان نیست او که
نکت کنسرت ها بیش از اعلان با سرعت به
همیشه جاکت جرمی همراه بازی برای هنر
به آن میگند یک جهره در خشان از موسیقی
در حال هرگز نیوجرسی، زادگاه مو سیقی
سده اس در لوس انجلس هزاران جوان برای
شند نشسته باشند و با سکستنند. طی جا ر
روز گانسر تشدید تر روز باز سرنسیت
ستیز او نهایش تکان دهنده هنری به عمل
اورده تها شاجران را چنان عیجان زده ساخت
که همه بی خاستند و به پایکو بی شروع گردند
عنکبوت سراییدن آهنگ در انتظار مردم، حتی
سراپند کان مجرب و بخته مفطر و پریشان
میشوند، ولی اسپرسنگستین با افرادی دیوار
وار و حشیش توانست تا نظر همه را جلب
کند.

تماسا گران لوس انجلس که از ایام
خوانندگی نه سال داشتم فکر نمی گردم کسی
وجود نداشته باشد که البوس بر سلی بودن
را به دل نیز و رانده باشد ولی اونه احسانات
ونه فوق العاده است. موسیقی او ابتدا بی است

نمی گردم بریدم
کسی بزرگ میشود و بدون اینکه بیس
پارادیگر از فراز آسمان ها پائین
نخواهم شد
بروس اسپرسنگستین یکی از عهان عاست
و خودش درین هورد آهنگی بشکل ذیل
کردم
سروده است:
((بریال طاره ب ۵۲ سوار شدم و اورا
وهنکا میکه من گویند: «پائین شو
بلند میشوم»))
او راهی توان ((آخرین طفل بیگناه در
با اراده خشنی که داشتم



بروس به رانندگی علاقه دارد



تیم موسیقی راک دریس کوچه‌ها

در ۱۸ سالگی به پدرس شیاهت عجیب پیدا

می‌کند کرد «پدرم همیشه در حال تفکر بود» (البوم تولد برای فرار) بهمنزله پلی است بروس بارفلایش به جرسی باز گشت و بین یک اسیر یونگستان شاعریس کوچه‌ها او لین نغمه هایش را دریس کوچه‌های شیر و چهره‌اصلی خودش را عمق‌بیشتر را دریش بزرگ نیو یارک سرداد او سعی کرد انسان را دومی الیوش میتوان دید: در آهنگ «نغمه سعیه هایش را خودش پسراید» (با مو سیقی سرگش ویلد پلی) او همیخواند که او هر دی میخواستم بفرمایش بدهمانم که وجود دارد) است که سقوطش را بادمی آورد خداوند ایشان را از گلو له های توب نجات بده) شروع به تشکیل گروه موسیقی کرد و آن بول کمی در کافه‌های پس کوچه های بادست می‌ورد در همان موقع با استیوان زد گیتاوست آشنایی پیدا کرد «ما هردو هر آهنگی که بدست مامی آدمی زدیم بروس هفتاد پنج تا ده آهنگ می‌سازیم خت یکی گفت امتباه هنگ می‌سازم و من ساخت»

ولی هنوز برو س به آینده موسیقی اطمینان نداشت.

باری میخواست به تحصیل ادامه دهد ولی قبایه ظاهری اش را اداره‌جیان مکتب نمی‌پستدید نه.

اسیر یونگستان بادمی آورد که:

((پدرم رانند بود او خوش‌داشت دا خل کروهش نام های مختلف روی خود گذاشت

موترس و رانند گند او دیگران را هم به واژاد مختلف را بیدیر کت جواب داد خودش می‌کند: ((من با هیلیون ها گروه دیوانه، با

هنوز کودک بود که یارو مادرش اثایه مردهان دیوانه و حرقان دیوانه و ارشان اشنا

خانه شان را جمع کردند و به گاما لیفر نیا شد مانها در هر چایکه همراه بیشتر آهنگ کوچیدند او به خوبی روزهای نکبت یاراین میتوانستند که از جمله اسبری پارلاجای بسیار دوران را بادمی آوردو گیتاری ۱۰ دالری که مطلوب بود.

بان غمیش را می‌زدود.

باقی در صفحه ۶۰

حضور مردم را می‌داند: در حالیکه دربر خس حالات اجازه می‌دهد که ناصر حد در هم گمیختن آهنگ پیش برود عیجوقت هم آهنگی را از دست نمی‌دهد در الوم (جاده‌ای) به خصوص آهنگ سا کسوون کرانس کلمون چیره چدیدی از نسل نویی بینم.

او از همرا هاشن که روی صحنه موسيقی فرار دارند می‌خواهد که پیرویش کنند. بسیاری اوقات تغییر از آهنگی به آهنگ دیگر بر قرار می‌نمایند: «وقتی که با بروس همکاری کنید باید به هرجایی که انسان را می‌کشد رفت بخار. همین تنوع است که آهنگ حتی تادو ساعت دوام می‌کند..»

بروس خودش می‌گوید ((من به خاطر موسيقی زندگی می‌کنم و همه جیز است)) اسیر یونگستان سعی نموده تا به اصل موسيقی نفوذ کرده و هیجان وحشی موسيقی را لازم که طی سال‌های اخیر بی‌هزه شده بود باز نماید. این حبس در سال‌های هفتاد گاهش یافت و در ان سال‌ها به استثنای چهار های جون: یاول سپتامبر، چکش برون و لینداور نستاد موسيقی را لازم خواهش و سرمه را دنبال گردیدنچه دسته رولنکستون بخار نداشت آهنگ های نو در سفر امسال شان چنگی بدل نزدند. ولی اسیر یونگستان سعی نمود از همایده‌ها ای اصلی موسيقی را لازم داشت نوکرده و آن را جوان نگه دارد. اواز افسانه‌های فرهنگ مردمی سال‌های ۵۰ که تماشگر اندوه و تنهایی مردم است عاید می‌گیرد.

البوم معروف به نام (تولد برای فران) قادر تهند است. این چهار راهنم و نیس کمیز دیگار دیگری کوله‌با کش کرد و غمیله دارد که (تایک نسل دوام می‌آورد) گز چه در اینجا عذر اواز این کش فقط آن بود که چهار جدیدی در موسيقی فولک به مردم



بروس در استبری یارک

بو لند بو لیسی داستان

دژ و ند پیمده

دمت بار ژباره

بساغلی داکتر بخشنده غواصم داجه
خودا تعهد کوم که چیری زه دخبلی
ماگزه صدمه ووینی دانسان به اعصابو
بیمنی سره کوم خای نه تلم نود
باندی تالیر نهشی کو لی؟
خو لحظی راته خیر غوندی شماو
به په مو ترکنی نه سیرپرو بیا به
دموتیر نوم پهخوله هم وانخلم.
بیایی وویل:

به دوازو صور تو کنی دافتضیه
دامکان و پده خودادنی ذلیل نه شنی
کیدلی مو نر زیارباسوجه مو نر دموبر
ساده چه کیدل دیوه غرضی واقعیت
به خیر لاس نه راویو.

- هو دیره معقو له خبره ده همدغه
نظر زماسره هم بیداشو.
کله چه درو غتون نه ووتنو نو
مرستیال می راته وویل:

- اصلا تند درد سره عادی شوی
یی او دغه راز خبری ستا ڈی-ری
خو بشیری تهراته بیکاره غون-سی
بیکاری به عفو خبرواو کارو کنی
چه پتا هیش ارتباط نه لری خانه
سرگردانی پیدا کوی.

خواب می ورنه که او زما پولیسی
خارنه په شدت سره زیاته شوی او
شیشم حس به می راته زمزمه کو له
بیمه کری. ماهم دمدام دباره دغه راز
کارونه کری دی اودخبلی بشخی به
کته می خیل روند دایمی بیمه کری
وهد «هلن» میرمن ده.

خو لحظی چپ پاتی و بیا بی ورو
غوندی و خندل او وی ویل:
زما په نظر یو دیمی نما ینده
بايدد هر خنه مخکنی خیل خان
بیمه کری. ماهم دمدام دباره دغه راز
چه ددغه ساده جریا ناتو ترشایه زیه
پوری واقعات پراته دی دمرستیال نه
می اجازه واخیسته او دیمی موسسی
تهروان شوم هغی خانگی تهورسیدم
جه «شارل» بکنی وظیفه اجرا کوله
لام چدده په برخه کنی خیر نی
سرته ورسوم دده مر بوطو امرا نر
شارل یو وظیفه پیزندو نکی سری
معرفی که اودده دکار. گذا ری

بايد خانه مخکنی خیل خان
بیمه کری. ماهم دمدام دباره دغه راز
کارونه کری دی اودخبلی بشخی به
کته می خیل روند دایمی بیمه کری
وهد «هلن» میرمن ده.

خوبنده غواصم چه دی سوال
حرن خانه ورکوم آیا ستا می
میرمن هم بیمه و
هودغه راز تر و نونه ددوازو خوا
وونه داجرا په گرخی او میره هر وخت
خیر نو له مخی دی نتیجی تهورسیدم
جه شارل په خیله وظیفه کنی پوره
ابوالی و او همدغه نسبت و چه
عمکا رانویی و رسه حسادت او بیمی

بیدا کری و او چایه ورته په بیمه
سترگه نه کتل او دیمی هم ویلی وو
چه شارل دخبلی میرمنی سره یوشای
دخان په گته خانونه بیمه کری وو به
خبلو خیر نو کنی راته نابته شوی
جه شارل دخبل دو تر دیوی تایپستی

سره هم دمینی تارونه خفلولی وو
خودانه معلو میده چه دموتر چیه
کیدلو په بیمه کنی به د شارل
مشو قه هم شامله وی او که نه؟
خکه په داغه وخت کنی داستی

خلك پیر کم بیدا کری چه دخبلی
میرمنی سره دی خیانت ونه کری.
به داسی حال کنی چه دخبلی
به داسی حال کنی چه دخبلی

کنی سرد بدن دنورو غرو په نسبت
دویره اسانه ده به دغه راز خودانو
خو لحظی چپ پاتی شو او بیا بی
دویره اسانه ده به دغه راز خودانو
او همدا سی می وکول کله چه هغی

داجه میر بانی مو کری او ز ها
زیات تکلیف وینی که هر خو سره
نه می به زره پوری نتیجی نه وی ای هم
لاسه کری ددوی دو تر نه دنلو به
وخت کنی می بیا هم رو غتون ته
کرم جه ررمی له رو غتون نه و باسی
کری.

ده خلند نظر زمین خوا ته متوجه
شو او بیه له کومی مقد می نه یی
هار او زخم کوم اثر بکنی نه لیدل
وویل: - تاسی خوک یاست او دلته خه
دی او که چیری زه بده یه بیمه کی
له منخه تلی وا نوزما دیمی بیسی
زمائیخی ته ورکول کید لی، چه هغه
به په راتلونکو وختو کنی دزیا تو
یسوس خاونده وه خو بخت ورسه
یاری ونه کره .

خوبنده غواصم چه دی سوال
دریاری نه متعارف شو مونز هماله
ولاپو او دراته نابته شوی چه ستا
یو لاروی ددغی بیمه په برخه
کنای نه وه .

داجه نه می شوای کولی چه بیمه
بخیونکی اطلاع ورته ورکوم ده
دجال دخربی نه مخکنی برستاری
احوال راکری و نورته می وویل:

یو هغه لب خه زخمی شویده خو
درلوده، همدغه نسبت و چه له یوی
خوا دیو لیسو دیلتنی موضوع عات
او له بله خوا تپیانو ته زما خاصه
بامله نه دی نه ای کری و مجه دخبل
مرستیال سره یو خای دنیانو دبوره

برستاری دباره رو غتون ته لار شم
وویل: کنه چه هغی
کوتی تهورسیدم چه دموتر چلوونکی
بکنی بستری و هغه بیه حر کنه
دحال خبر مو واخیست یو جهان
صدمه کوم به داسی خایو کنی د
تشکر کوم به داسی خایو کنی د
دوغیدلو دباره زیاته امیدواری بیدا
کرم جه ررمی له رو غتون نه و باسی
کرمی.

ی و باسی خو ما به دی گپسی تینکار
در لود چه دیو خه وخت دباره دی بیا
هم پهرو غتون کپسی پاتی شی زما
راو گر خولی شم خکه چه دهه
تصمیم مانه معلوم دی او خه شی
چه واپی یه هغی باندی تینکه در بیوی
سره ددی چه دشارل حال بندشی و نو
بر ستارانو غو بسته چه درو غتون خخه
ای و باسی خو ما به دی گپسی تینکار
هغی تهووایم خوددی رعده نه شم
در کولی چه هغه بهزه دخیل هود نه
راو گر خولی شم خکه چه دهه
منظور یدی برخه کپسی داؤ چه دهه
احوال چیز پنه تر نظر لاندی نیو لی
شم.
(نور بیا)



صفحه ۵۵

برور دنه کپ او هله راهه خب سر
راور سیده چه «هلن» مهه شویده.
نعا میری، سمتا سی میرمن روندی
پاتی کپرسی خوقیا فی بی زیات
توبیر بیدا کپری دی دومره بدر تکه
شویده چه انسان بی دلیدلو نه بدروی
کپسی زما اشتبا هکا نی لا پسی
ریاتی شمی او کله چه می داموضوع
«مارتیس» ته مخکپسی کپسی ده خو
لحظی چپ پاتی شو او بیا بی وویل:
اویس می لب داد بیداشوی دی چه
نه په ربنتیا سره لیونی شمی بی زه
نه پوهیزم نه ولی دومره دی موضوع
نه په فکر کپسی شمی بی داچه ته
خان سره وویل:
تاسی وویل چه قیا فه بی بیخی
بدله شویده؟ او روندی بهلا پاتی
شمی.
زربنتیا چه زه هم پوره نه پوهیدم
بسایی چه زه خپلو بی لیسی هلو خلو
دی کار ته مجبور کپری و م.
چه زیره بشده، فرض وکره چه
ستا گمان واقعیت ته رسید لی وی
نوخنگه کولی شی چه ددی خبری
مرگ سبب بی وکر خی او کله چیز
واقعیت پیدا کپری.
تر اوسه لاکو می نتیجی نه نه
زه رو غتیا پیدا کپری.
یم رسید لی خو به هر صورت باید
به دی برخه کپسی دشارل بی بنیه شامله
نه هغی زیات تاکید کپری دی چه
د «مارتیس» سره زما خبری به همد غه
خای کپسی سرنه ورسیدلی او بله ورخ
زه بیا هم دشارل پو بشتنی ته ور غلم
بهار خطا بی سره بی وویل:
شميرل کپرم زه خود هغی میره بیم
سمانه ولی دخبلی میرمن دلیدنی زه ورته داد ور کولی شم که هغه
اجازه نه را کپری؟ هیله کوم چه تاسی
هر خومره بد قواره شمی وی بیا هم
راته واقعیت وواپی زه په دی بسا ور
او دازه یم چه هغه باید به هر حال
په همدی ورخ تایو بوتل شر بت
هم دخان سره وری ویه داسی حال
کپسی چه هغه می دمیزیه سر کپسی ده
ورنه می وویل:
زه مدلم په حق ویلو عا دی بیم
او که تاسی ته ساخت هم تما میری
مجبور یم چه در ته ووایم به دغه خبر و
زیات افسوس کوم داخکه چه هغه
باندی بی رنگ تور واو بنتو او
به خبله هم خو خلی یاده کپری وه چه
شونبی بی وچی شمی ور وی وویل:
دچاسره لیدل کتل نه غواپی خو
خبری وکپری زیار باسم چه دد
زیات مقاومت نه کار واخلم بشنه خنگه
هلن روندی ده؟ سمله سی می خواب
چه ددر اوزاریو یه نوم زما خخه
ورنه کپ خو لحظی غلی شوم او بیامی
خه غوبته وکپری او ویل ویل:
تاسی هم باید زیار و باسی چه زما
ورنه وویل:
نه هغه لانه ده مره شمی خود
مرگ به حال کپسی ده.
چه زما بشخه په هر حال کپسی وی باید
په دی خبر و باندی بی تکان و خور
ویی گورم او ستابی نه زما هیله داده
چه هغه ته هم ووایی چه را باندی
و دمغ تور والی بی نور هم پسی
زیات شو زه پوهیدم چه وضعیت بی
گراندهه او دا هم ورته زیاته کپری
ساخته گی نه دی نو وی ویل چه
هر مشکل له منخه وتلی شی ورته
ستا سی نظر خهدی؟
دا خل می په تنده لمجه ورته
و وایاست چه دهه نه لیدل به دمداد
وویل: دیز داسی شواحد شته چه دباره مانه تکلیف را کپری.

زن و اجتماع

نویسنده: صمد نادر

توانسته از عبده و ظایف و مسوولیت های زن ساخت ارزش زن کافیست بگوییم سنگین بدرآید چنانکه عملای درگار زندگی و سازماندهی آن سهم گرفته است. در جامعه های ایران اولین بار در سال ۱۳۳۸ در امابرای درگ و شناخت بهتر موقع زن در دوران حکومت داری شاغلی محمد داده نهضت زن رویکار آمد، وزن توانست فعالیت های ارزش خوش را از جوکات محدود خانه برآور کند و تاسخه زندگی اجتماعی توسعه بخشد. با وجودیت شرایط ناهمگون جوامع دستخوش تغیرات و تحولات زیادی گردیده اند و درین میان هرگز از انجام و ظایف خوش با وجود مشکلات فراوان سربار نزد است و قدرت سازندگی خوش را در اجتماع غر زمانی که فرست را به تکوتین و جویی تبارز داده است.

در جوامع بشری از دری بازغیر و عادت نامطلوب و غیر منطقی سدی در راه زن و دوچ سازندگی او شده و مانع تبارز شخصیت و اهلیت اور درست های مختلف اجتماعی بوده و زندگی اودر چیزی دیواری این رسوم محدود بود اما با اینهم قدرت ابتکار و نیروی خلاقه وی درین محدود منکوب تکرید و زن توانست نیرو و اهلیت خود را باگردانیدن چرخ زندگی بخوبی نشان دهد و ابراز موجودیت کند.

او روزهم در بعضی جوامع زن بجای اینکه دوش بدش مرد در گله شو ن زندگی اجتماعی و اقتصادی همگام و تشریک مساعی نهاده بپسندید و بگارند نیروی بزرگ و تم بخش برگزیده است علی آنرا باز هم میتواند نیرو و نارسانی های اجتماعی و فقر معنوی و بعفونی رسوم خرافی جستجو کرد.

روحیه قوی وارد معلم و عزم خلل ناید بر از قیود داشت که نسبت به زن



امروز زنان افغان در گله شنون و شفوق زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی وغیره همکام با مردان مصروف فعالیت های مشغول و حیاتی است.

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تبلیغ و ترتیب از: در

زن خوب و مادر مهربان باشید

چیزیکه اسباب دش و تکامل را در یک جامعه دنبال نمایند و بدانند که یک هیرمن خانه به فراهم می سازد عمانا بلند رفتن سطح دانش تمام افراد آن جامعه متعدد و متفق بودن آنها در میتواند افراد منزل را تقویت نمایند. هیرمن است که یک هیرمن خوب و باتدیر نسبت کسب تعلیم و تربیه مثبت و معقول اطفال خوبی ورشد و اکتشاف سویه علمی آنها می وعده از خود تبارز میکند و آنها را در راه علم و دانش تشویق و ترغیب نموده و در بیلیوی داشتن تعلیم، تربیه و اینز موائز میداند، نسل خود گلدار و فداکار در راه خدمت بهردم و اجتماع بیار آورده و منجیت یک عفو وطن خواه و اجتماع پرست به جامعه تقدیم میدارد یک هادر خوب میتواند نخست از همه با اطفال صمیمانه رویه داشته ویگانه را زشنو و محروم واقعی آنهاش درین صورت میتواند به هرام خوش خایق آیدواعا اگر هادری به راز اطفال خود کوش می دهد و آنها را به طور درست در کارها رهنمایی می کند و سیپو استباعات چیزی آنها را نادیده می گیرد. در آینده اطفال شان کار فهم، عاقل و باجریه بار آمده و هرگار راعا لانه انجام می دهنند اگر یک خانم خانه بمقابل اطفال خوبی وسوس پر عطوفت را در پیش میگیرد طبعا اطفالش چه خورد وجه بزرگ هر راز خود را باوی در میان گذاشته و به مقابله سبو و خطای خوبیت از مادر استمداد و همایونت می خواهد اگر هادری آراسته به این اوصاف و خصائص خجسته باشد واضح است که اطفال خود را از گودال بدینه نجات میدهد و آنها را به راه های مستقیم و معقول رهبری و رهنمایی می کند.

طفل بهینه هادر بیشتر از غذاء پرور دارد عای اجتماع علیه شکستن سد عای جبالی و پسمانی و ظریف خرافات و تعصبات قد علم نمایند. واژروی یک آیدولوژی معقول و منطق آنها را تهمک فعالیت رهنمایی نمایند، روح مطلب اینجاست که جوانان چه زن وجه مرد ازین ناحیه مسوولیت و مکلفت های خطیسری دارند مخصوصا مادران درین باره اندکی غور نمایند و جای خوبی را مادر را همراه و رفیق زندگی محسوب نمی کنند.

صرفه جوئی سعادت

خانواده را تضمیم می کند

زنان روشنی زندگی است موجو دیست
افریننده، بهترین ذیور برای زنان دانش است
به پهلوی این دانش باید واجد سیرت عالی
باشند، زنان همواره کوشان هستند حس خود
خواهی شان ارضا گردد ولی نیر وی دانش
نمایم تواند به ایشان حس غیر خودخواهی
نیز ایجاد کند، خودی و خود آگهی
حالتن است فروزنده و برازنده که ایشان را
خود و حقیقت خودآگاه می‌سازد، برای شان
وقار و عزت نفس می‌بخشد دارنده صفحات
پس لازم است زن عوایط عقیم خود را
در آرتب اجتماع آینده نگامارد.



دختران امروز که مادران فردای کشواراندجه بیشتر اگر از همین اکتوون خودرا به زیور علم و دانش آراسته سازند.

دھنٹ بار ڈیاڑہ

وَلِيْ دَبَّسْحُوْ عَمَرْدَ نَرَاْفُو

په نسبت ز یاد دی؟

به او سئنی نپی کښی چه د علم او
نسبت زیاتی دی نود عدام دباره به
کنالوری له برکته درونداهه به تولو
سلو کښی یو پنخو سی ازو هرو
هزارو کښی یورون بدلون را غلی دی
شخی به شمیر کښی راخی او به
حوك دانهشی منلی چه پنخو ته دی
سلو کښی نه خلو ینست بی دتارنه وو
پنخوا به خسرو پو ضعیف او لطف طبقه ده.

جنس ووایی او که چیری به نمایی کی
سعیف او کمزوری جنس موجودوی
و بنایی چمد نارینه ووبه طبقه کی
لیدل شی نه به بخشته طبقه کنی
موبر ددغی مدعای دیبوت دیباره به
دل داسی قانع کوونکی دلیل نه وی
وجود. دمثال به دول که جویری د
رانسی هیواد به نظر کنی و نیسو
وبه همه هیواد کنی به هر سلو
جوتون کنی یو سلو شین کوچنیان
نه نمایی ستر گی خ لاصوی
خوداچه دنارینه طبقی دمر گ او
پینی معا ملی پکنی دنخو به

ذوق ثما

اچازه بدهید دراین هفته شمارا به رمز از قبیل کرایه منزل، برق، تیلفون، آب صرفه جوئی که از خصایل پستدیده هراتسان وغیره را ماهانه مستجد و دریک پاکت چداگاهه قرار دهید همچنان مصارف روزانه خودرا که عبارت از گوشت، نان، سبزیجات، میوه جات وغیره مناسب است چندانه سنجیده و دریک پاکت دیگر بگذارید فرضاً دریک روز مصرف شما ۲۰۰- افغانی و درروز دیگر ۱۰۰- افغانی است شما مصرف روزانه خودرا بصورت تقریبی ۱۵۰- افغانی حساب کنید همچنین یک مقدار بول را برای خروج مدرسه و لوازم اطفال باید تخصیص داده‌گاه پس ازین سنتش مقدار بول باقی مانده آنرا برای لوازم متفرقه و وسائل تفریح درنظر گیرید، فرضاً شبی را در منزل ازدواستان می‌ماند بودید وجه معین شده همانروز را پس انداز کنید و باز مصارف روزانه ازوجه معین شده کمتر می‌شد بول اضافی را در صندوق پس انداز تان بگذارید، بدین صورت می‌توانید از بودجه معین شده تاحدی صرفه جویی نمائید بدن اینکه بخود دیگران سخت بگیرید.

ازمسعود فارانی

ذن

زن ستاره ایست که در قلب کره تو فانهای عظیم جمیل در طول قرون
خاکی در خشید، مر وا رید های وی را دست و با بست و از حمیل که
باشان زندگانی انسانی را جمیع خود ساخته بود بدور نگاهش
کرد و چون حمایل در گردن سیاره داشت اما باز هم او از تلاش نهاد
ها آویخت و آنگاه نامش را اجتماع و در راه آبادی کرده خاکی وویران
گذاشت.

این حمایل در آغاز بی رنگ جهله بشری^۱ جایش را به آسمان
و ماده جلوه می کرد. ولی آهسته روشن دانش سپرد و آنگاه این
آهسته از چشمها عواطف مظہر مهربانی ها و بنیان گذاز
انسانی زن رنگ گرفت و رشته محبت انسانی رادر طارم ملکوتی
های ناگیستنی آدمی به میان آمد
کار در راه آبادی اجتماعات حصه
افق روشن شد و هر آن به زیبائی
دادند باز هم بسیاره ماعصر شگوفانی
و عظمت اجتماع کار کرد تا اینکه خود را خواهد دید.

قلاش ذ دان جهت پیروزی

این موضوعی است که زمانه آفر ۱ به خط زرین
درکار نامه های بزرگ تیت تاریخ گیرن کشور
خدمت به وطن دست به کار شود .
مانمود و برای اوئین بارددپرتو احساس رهبر
انقلاب ها، زن افغان دره ر دوره و باداشتن شرایط
مختلف زندگی در ترقی و تعالی کشور و در
بیشبرد امور روزانه اجتماعی و فامیلی سهم
فعال داشته و دارند ولی گاه این جدوجهد و این
یابد و ظلم هارا بشکند و بدور افکنند و
نقیه در صفحه ۴۸

حبيب الله غفوری

با اندام زیبایش

بساغلی حبيب الله غفوری که جوان خوش
پساده دارد این اندام خوب است در روز مسابقه شرکت کرد
تو سه باری میزبانی نمایش نمایش شد اور حالتی که خنده
به لب داشت به نمایش دادن اعضا مختلط
وجود خود در سه مرحله آغاز نمود که بعد از
ختم نمایش و ارزیابی جدول نمرات نامبرده
در کلام سوم مقام دوم را بازیگر شد که این
موفقیت برای او در جشن مسابقات بیان اول
خیلی ارزشمند و قابل قدر المعنی شده است
می‌شود.

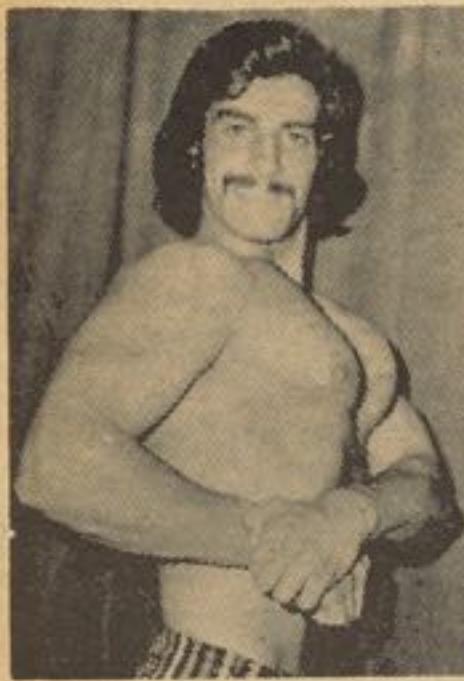
این فیلم مان جوان که گرم در اوج غرور و
شادمانی خود قرار داشت ناهمان خوش و
شادمانی اش دعوت خبرنگار هارا چشم گفت
و شوید در مرور موقوفیتش قبول نموده به
جواب پرسشی گفت: ذوق و علاقه زیاد به
ورزش البتہ به صورت عموم داشتم زمانی
متوجه شدم که وجود برای فراگرفتن این
ورزش خیلی مساعد است و از جانبی رفاقتیم
استعداده را درین ورزش زیاد ترمیدیدند و عمر
نشویق میکردند.

باید علاوه کرد درین ورزش کسی مربی
و استادم تبود جز ذوق و استعدادم
او قبل ازینکه این ورزش را دنبال کنده بشه
از جریان مسابقات ورزش دیدن میکرد این
دیدن هماهنگ و استعداد او را اشناه تر ساخت



کاندیدان قیم منتخب

پهلوانی



کمیته اولمپیک برای مساعد ساختن زمینه مسابقه آن عدد پهلوانان را که خیال عضویت را در تیم منتخب پهلوانی داشتند یک سلسله مسابقات را با اشتراک پهلوانان تیم منتخب روز دوشنبه ۳۰ قوس فراهم نمود و شانس مسابقه را با آن عدد پهلوانان داد تا آنان با تبارز دادن اهلیت لیاقت و استعداد شان قناعت خود را حاصل کنند.

روی است او لمبیک قبل از اینکه راه اساس دایر ساختن یک سلسله مسابقات به بحث تیم منتخب تیم منتخب نمود و آنان طبق بروگرام هر تیم، تمرین شان به صورت درست و اساسی تحت نظر متخصصین داخلی و خارجی از سر گرفتند. انقضای تیم منتخب پهلوانی در دوین جشن جمهوریت کشور پاپهلوانان کشور های اتحاد شوروی و ایران که در مراسم تعظیل دوین جشن جمهوریت بنای دعوت کمیته اولمپیک به کشور آمده بودند یک سلسله مسابقات دوستانه را نجام دادند که نتایج مسابقات شان قناعت بخش بود.

کمیته اولمپیک درین اواخر فیصله نموده تا آنکه پهلوانانیکه خیال عضویت را در تیم منتخب پهلوانی کشور دارند شانس مسابقه را با آنکه پهلوانانیکه قبل انتخاب شده اند تذییز بدهد.

روی این مذکوره کمیته اولمپیک روز دوشنبه یک سلسله مسابقات پهلوانی را بنیان گذاشتند تیم منتخب واعظی تیم منتخب در سالون ورزشی عقب آمریت نشاد تون ها آغاز نمود.

بساغلی غفوری و راه میدان های فتبال را بهتر تبارز دادن استعداد شود در پیش گرفت و مدتها این ورزش را دنبال کرد و کرد کرد کرد این استعدادش چندان تبارز نکرد او ناگزیر شد به مشوره و تشویق دوستان و مساعد بودن وجودش راه ورزش زیبایی الدام را پیش گرد و استعدادش را ارزیابی کند مشق و تمرین این ورزش را با علاقه مندی فراوان شروع کرد در مدت کوتاهی شود را در روزیکه پیش از این ورزشکاران زیبایی الدام قرار داد.

درین مسابقات آنکه پهلوانان سه همگفتاری داشتند که از تگاه وزن و تکنیک و تغذیه فن پهلوانی در روزیکه قبل انتخاب شدند قرار همچنان کمیته اولمپیک قبل از آغاز این مسابقات برای تهییم نمودن ورزشکاران که اشتراک میکردند خصوصیات این مسابقات را خبرداش است درین اقدام صرف به خاکه انتخاب خوب در وقت کم صورت گرفته است زیرا داوطلبان همچو مسابقات خیلی زیاد بوده اینکه وقت کافی نیست تا تمام پهلوانان در چند روز متواتر باید عالم مشکلات مقابل یکدیگر قرار گیرند درین مسابقات به گسانی شانس شرکت داده شد که از نظر وزن سایه ورزشی تاکنیک و تغذیه ورزشی پهلوانی جیزی اندوخته باشد.

همچنان عیات موظف بادرنگل داشت شرکت پهلوانان گاندید تیم منتخب اهلیت، لیاقت و استعداد آنان را نیز ارزیابی نموده در صورت امتیاز بیشتر حق شمولیت را به تیم منتخب پهلوانی به عوض پهلوانانیکه قبل انتخاب شده اند داده میشود.

فرایزد خیال ندارد نگر اتر لک گوید

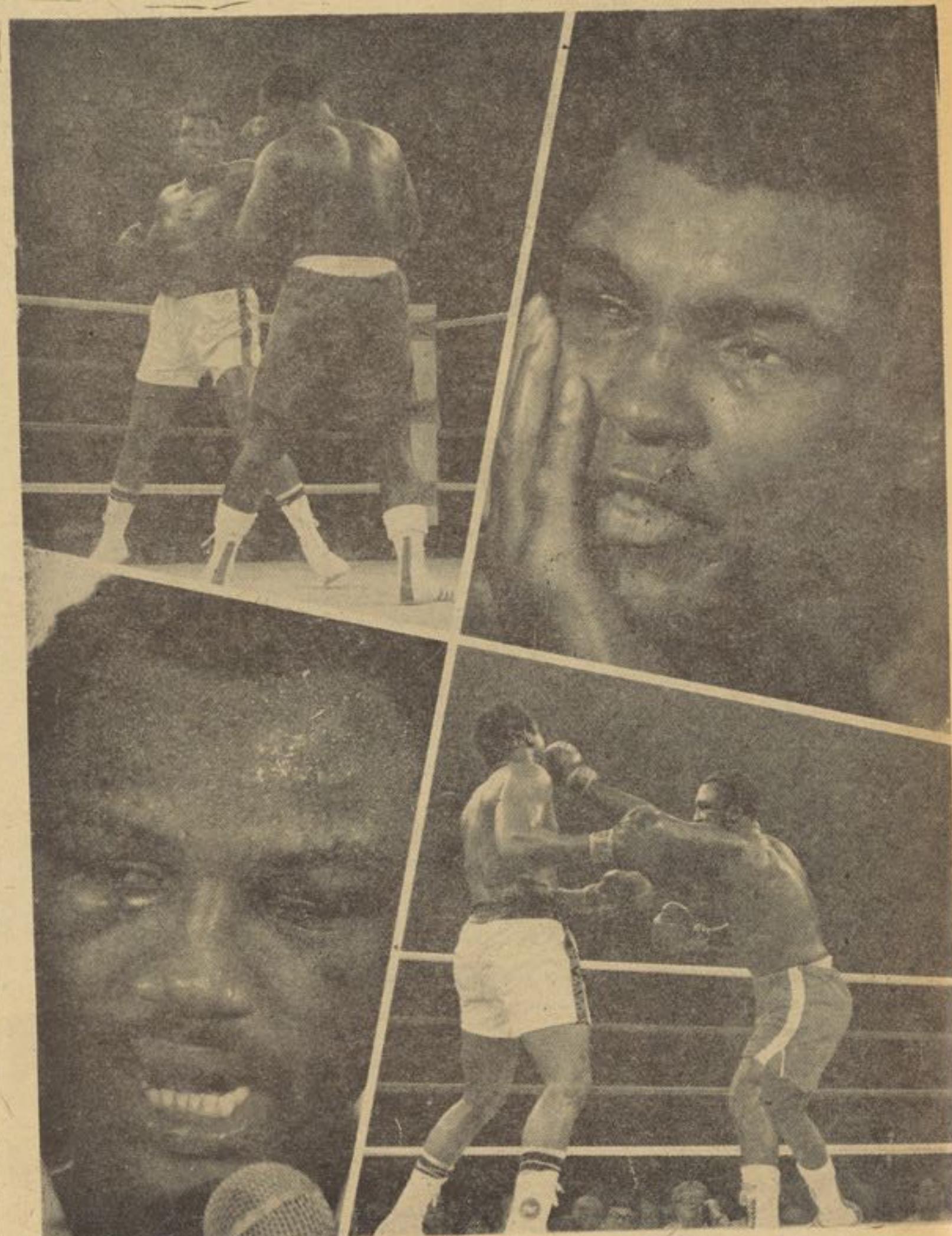
جاپان مایل فیست
میزبان مسا بقات
سال ۱۹۷۸ آسایی
شود

کمیته اولمپیک جاپان اخیراًاعلام داشت کمیته اجرائی قد را سیمو ن بازی های آسیایی در ۷ و ۸ دسامبر درینکی از کشور های جنوب شرق آسیا تشکیل جلسه میدهد تا محل برگزاری هشتادمین دور مسابقات در سال ۱۹۷۸ را تعیین کنند. کا تسو جی از جا پان و عضو کمیته اجرایی فدراسیون بازی های آسیایی گفت: جاییکه باید مسابقات برگزار می شد به کشور های عضو اطلاع داد که پیشنهاد های میزبانی برای برگذا ری این مسا بقات تا سی نوا مبر از سال شود.

قرار بود مسابقات آسیایی ۱۹۷۸ درینکی از کشور های جنوب شرق آسیا برگزار شود ولی آنکشور به علت مشکلات مالی از برگذا ری این مسابقات معدود خودرا به کمیته اجرایی فدراسیون بازی های آسیایی پیش کرد. کشور جاپان که عضو همین کشور است پیشنهادی درین مورد اخذ داشت که باید مسابقات آسیایی رادر سال ۱۹۷۸ برگزار کنند، آنان علاوه بر اینکه قبول نکردن اضافه نمودند که مسابقات آسیایی ۱۹۵۸ را برگزار نموده بودند. از برگزاری مسا بقات ۱۹۷۸ معدود خواست.

ضربات مشت حریف نارا حت شده بودم زیرا در زینک یک بوکس و قتی مشت میزند باید مشت بخورد.

فرایزد درباره احتمال انجام مسابقه دیگر باعلی گفت: مردم مایلند که مسابقه چهارم رانیز تماشا کنند خودم نیز به انجام چنین مسابقه علاقمندم.



به تعقیب شکستی فرایزد گفته بود که حاضر است چارمین مرتبی فرایزد که سلامتی باز باعلی روبرو شود. وی رادر خطر میدید به او تو صیه شده او خیال ترک گفتن بوكس راندارد فرایزد گفته است من خیال ندارم نموده بود که از ادامه مسا بقه خود خود را شکست خورده و ما بیوس پندارم داری کند. اش بر محمد علی در سال ۱۹۷۱ - آرزو مندم به مسابقات بوكس و تمرینات فرایزد در باره این تفہیم و تو صیه جهانیان را به حیرت انداخت، و خود در هر شرایط ادامه دهم. هر بی اش گفته من به تشویق او سپس در سال ۱۹۷۴ با امتیاز، از فرایزد در مسا بقات که با علی احترام می گذارم زیرا آنان از مشت علی شکست خورد و لقب جهان را در فلیپین انجام داد صورت او به خورد نم ساخت نارا حت شده بودند نیز از دست داد وی به خبر نکارا ن کلی هنورم واغشته به خون شده بود البته خودم هم از اثر وارد شدن

شیخ موسيقی

بروس بیاد می آورد:

((بروس آمر کز هنری جالی داردد زیر
مبتلا بودم. اینجا انسان را بیادیور یو ل
بیش از به شیرت رسیدن بیتل های انداخت))
عوض ۱۰ دالر که کار را ز ساعت است و به همین دلیل اگر
جزی که بخواهد تکنند هیتواند انجام بدده)
اسپر ینگستین از ساعت ۳ بعد از ظهر نا
صیح دوام می یافت آهنگ هینوا ختند.

با این عایده هیچ کسی تروت جمع کرده نمی
توانست در سال ۱۹۷۰ اسپری پارک مرکز
تجمع جوا نان عصا نکر بود خود اسپر ینگستین

میگوید ((این محل رو به ویرانی میرفت و ما
هم بآن یکجا بزمین فرسو میرفیم)) فقط در
کافه های محفر، اینان میتوانند آهنگ های
ساده را بتوازنند خودشان میگویند ((در ان

وقت از موسيقى نفر تداشتیم در روزنا مه
ها بخواندیم که موسيقى را لجند مسخره
است برای ما جهان ناملوس به نظر می آمد
مواد مخدوه استعمال نمی کردیم و سعی نه
دانستیم عادت بد کسب کنیم .

خشن خشن لباس هاری را شنیدم
مثل اینکه با آهنگ را دیو بی میر تصدید.
آهنگ فراق شنیده هیشد که من هستم و تنها
ترا بخواهم هرا از خودمان

نمیتوانم هجران و تنهایی را تحمل کنم)
دیگر بای بروس در سالون های بزرگ

موسیقی بازشده و گاهی بدون دلیل نمی شنید
جنانچه یک هادی بیش کانسرتی که قرار بود در
استديوم ده هزار چوکن ماری لند که تک هایش
فروش شده بود بسراید قطع کرد سیل بو ل
بسو بش روان شد او هفته ۳۵۰ دالر می
گرد و این مقدار را این واعظات گروه نیز
دریافت میکند.

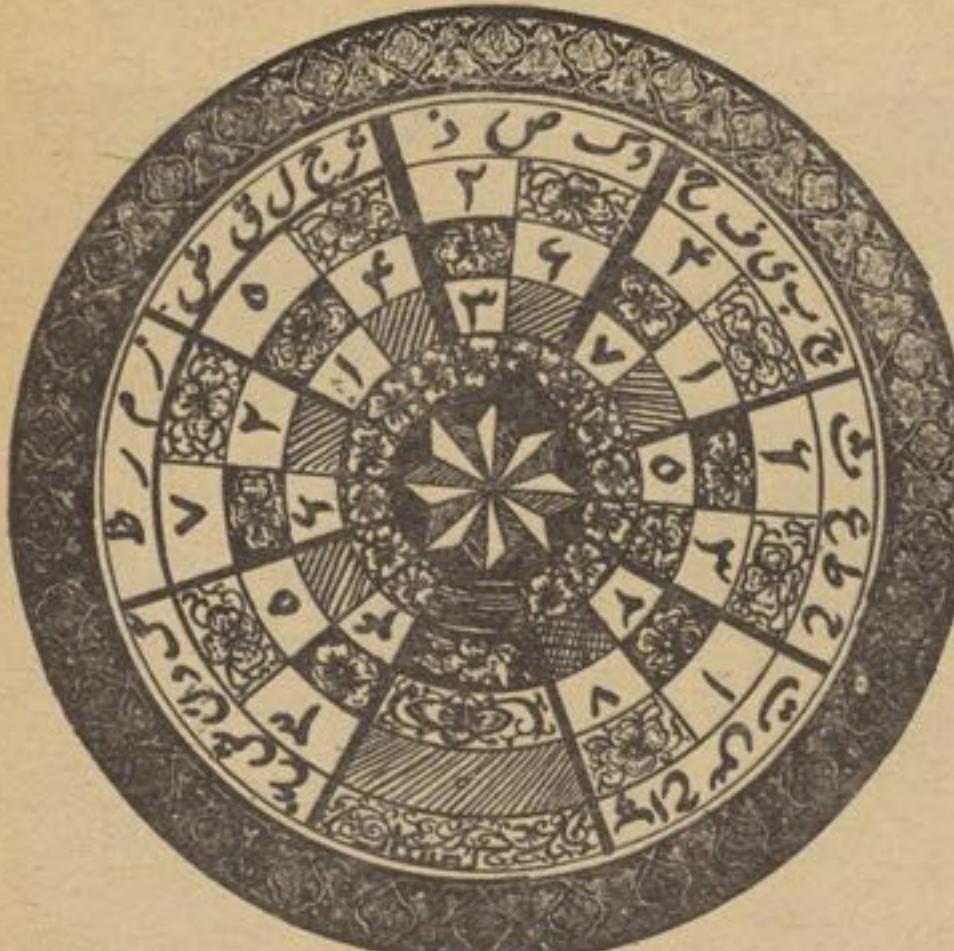
بدنبال اوسال های قرض و بدینه وجود
دارد که آنرا باید بپردازد.
او در هر دیو چندان علاقه ندارد همانند
میگوید : (در تمام سال های زندگی سوادگارم
اویگاهه کسی است که توجه کمتری در مورد
بول دارد) او بسیاری مواقع در ایار تماش ساده
ای دریغش شرفی هنها نزدیکی میکند او
به لباس و آرایش یابندی چندانی ندارد به
کوش چیز حلقة طلایی اویزان گردد و شکل
کولی هارا برویش میدهد.

این اینکه اولین الیوم ریکارد های
اسپر ینگستین نشر شود شهر تبریز
دست و پای شد دراین موقع آهنگ معروف
ازی ویلیام به نام (خون، سرشک و اشک) نشر
شد و بود واو به همانند تذکار داده که ((این
های بازنده اندتوه هم . روزی برایت تیلفون
خواهم گرد و بیاد خواهد داد و روز دیگر که
همه چیز را از دست بدھی این تو را بسوی
نیستی میکشاند))

ولی اسپر ینگستین واپل هم دیگر اخوبی
شناختند و موافقه گردند که بروس و گرو هش
برای کس دیگری نسراید . بعداز کمی تلاش
واولین بار ظاهر شدن در شیکاگو نام برو س
باعناین کلان در روزنامه نشر ند هنوز
فامله زیادی ضرور بود که طی شود .

برای دو سال اسپر ینگستین سرا سر
کشور را زیر پای گذاشت و شهر تبریز طی
دادن گنتر های مختلف به همه جا رساند .
با آغاز سال گذشته بود که جان لاندو کاشف
گروه رولینگ ستون بر مجموعه ریکارد های
بروس نقد جالبی در روزنامه ها نوشست . و در
آن تذکار داده که ((آینده موسيقی راک، اند
رول به وجود اسپر ینگستین بستگی دارد))
دروازه های گمینی ریکارد سازی کو لمیا
برویش بازشده و اسپر ینگستین پس از نهاده
نلاش مجموعه (تولد برای فراد) را ساخت .

فال حافظ



در هر روز از هفته که میتوانید فال بگیرید به تصویر بالا نوچه نموده یک حرف از حروف
ام خود را انتخاب کنید و آنرا از دایره بزرگ پیدا نمایید . (فرق نمی کند که حرف اول
شاد یا لام باشد یا مثلاً اینجهم) درزیر همان حرف متنش فرار دارد که دارای خانه های سفید
سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد تبت شده است از آن سه عدد هر کدام
را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنکه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته
مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظتگرین سخن دریافت نمایید .
مثلاً روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که می است انتخاب واز جمله سه عددی که در
زیر فوس مربوط به این حرف دیده می شود بیست و هشت را اختیار نموده اید . باید به بیت
هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعت کنید و بخوانید لسان التفیب بشما
جه می کوید :

جمهوریت لبنان

این چنگ در حقیقت یک چنگ اجتماعی بوده
است که در آن سوسیالیست ها که از طرف
مسیحیان مارونیت حمایه می شوند در حال فعالیت
بوق العاده دیده می شوند و ۶ ماه می شود که
اوسع عمومی این کشور را شفته ساخته اند
زاده ای تقاضت بوق العاده بین مکنت و عربیای
نادر میباشد . گلوله در جاده های بیرون و
تبریز طرابلس مسلسل بصفه درآمده و همه
خصوصاً شهر زیبای بیروت را که حیثیت یک
بازار تجاری آزاد و مهم را در شرق آسیا داشته
واز همین لحاظ شهروت بین المللی را کسب
کرده بود دستخوش حوادث ناگواری ساخته
است و آنرا یک شهر متروک و مخربه ای
مبدل کرده .

خساراتی که از این ناحیه بیکر اقتصادی و
صنعتی لبنان در شش ماه اخیر توجه شده
است از همینها بوند است که تجاوزهای
این چنگ و خوئیزی بیش از ۴۵ هزار نفر را
بیکار، هر آنچه تجاری و صنعتی لبنان را مندم
وعاطل ساخته است . و هنوز هم در شهر
اشفتہ بیرون تصادماتی بین دسته های متخاصم
ادامه دارد .

پایان

پنجم

شنبه

- بندۀ عشقم واز هر دو جیان آزادم
۶- ظاغر گلشن قدم چهدهم شرح فراق
که دوین دامگاه حاده چون افتادم
۷- سایه بردل دیشم لکنای گنج روان
که من این خانه بسودای تو و بران کردم

- طره را تاب هده تا ندهی بر بادم
۴- یار بیگانه مشو تا نبری از خوبیم
غم اغیار مفسور تا نکنی تا نادم
۵- فاش می گویم واز گفته خود دلشادم

- ۱- زلف بر باد هده تا ندهی بر بادم
ناز بشیاد مکن تا نکنی بنیادم
۲- من مخور باهمه کس تانعورم خون چکر
سر هکش تا نکشد سر بغلک شریادم
۳- زلف را حلقة مکن تانکنی در پندم

- زان شب که من از تم بدعادست بوارم
۶- هر اعیدیست بآجانان که تاجان درین دارم
عوا ران کویش را چوجان خوبیش دارم
۷- خدارای رقیب امشب زمانی دیده بر هم نه
که من بالعل خاموش نیانی صد سخن دارم

- وز دور بوسه بسرخ میتاب می زدم
۴- گرچه افتاد ز نلکش گوهر در کارم
عجتان حشم گشاد از گزمش میدارم
۵- امروز هکش سر ز وفا من و اندیش

- ۱- ندارم دستت از دامن به جز در خاک و آن دم هم
که بر حاکم روان گردی بگرد دادن گردم
۲- دیشب به سیل اشک ره خواب میردم
نقشی بیاد رو تو بر آب می زدم
۳- روی نگار در نظرم جلوه می نمود

یکشنبه

- هر چه آغاز شدارد نیا برد انجام
۶- ازبات خودم این نکته خوش آمدگه به جورم
درسر کوی تو ازیای طلب نشتم
۷- هر چند عرق بعر گناهیم ز صد جبهت
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمت

- که برو و سله بصد شعبده بیراسته ام
۴- خوش بسوز از غم ای شمع که اینکن نیز
هم بدین کار کفر بسته و براخ استه ام
۵- ماجراهی من و معشوق هر یا بان نیست

- ۱- کجا روم چکن چاره از کجا جویم
که گشته ام ذم وجود روزگار ملول
۲- بدرد عشق بسازو خموش باش حافظه
دوز عشق مکن فاش بیش اهل عقول
۳- شر هم از خرقه آلوده خودم ایست

دوشنبه

- بهر شکسته که پیوست تازه شد چانش
۶- یار باین نوگل خندان که سپرده به همتش
من سیارم بتسو از جسم حسود چمتش
۷- گرچه از کوی وفا کشت به صدر حله دور
دور باد افت دور فلک از جان و نش

- ذانکه آنچه جمله اعضاچشم بایدو گوش
۴- دلربایی همه خوش نیست که عاشق بکند
یاسخن سجده گوای هر دانا یا خموش
۵- چو بر شکست صبا زلف غیر اشانش

- ۱- غیبم هکن به رندی و بدنامی ای حکیم
کاین بود سر نوشت ز دیوان قسمت
۲- شب صحبت غنیمت دان و دادخوشی بستان
که مهتابی دل فروخت و طرف لاله زاری خوش
۳- در حريم عشق نتوان زدم از گفت و شنید

سه شنبه

- این عهد قول و غزل تعییه در منقارش
۶- ایکه در کوچه همشو قه ما میگذری
بر حذر باش که سرهی شکنند دیوارش
۷- آن سفر کرده که صد فاشه دل با اوست
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

- کل در اندیشه که چون عشوه گندر کارش
۴- دلربایی همه این نیست که عاشق بکند
خواجه آنست که باشد غم خدمت کارش
۵- بلبل از فیض کل آموخت سخن و دنه نبود

- ۱- زکوی میکده دوش بدوش می بردند
امام شیر که سجاده می کشید بسادش
۲- سحر ز هائف غیب رسید مژده بکوش
که هست گوش دلش هرم یام سروش
۳- فکر ببل همه آنست که کل شد بادرش

چهارشنبه

- بیریده اند بر قد سروت قبای ناز
۶- بروانه دا ز شمع بود سوز دل ولی
بی شمع عارض تو دلم را بسود گذار
۷- درین مقام هجازی به جز پیاله مکیس
درین سراجه بازیجه غیر عشق میاز

- سلیمان باچنان حشمت نظرها بود یامورش
۴- ای سرو ناز حسن که خوش هر وی به ناز
عشاق را بناز تو هر لحظه صد تیاز
۵- فرخنده باد طلعت خوبت که در ازل

- ۱- صوفی سرخوش ازین دست که کچ کرد کلاه
بدو جام دگر آشته شود دستار شس
۲- دل حافظه که بدبادر تو خوگر شده بود
ناز پسورد وصالست هجو آزا رس
۳- نظر کردن بدویشان متافی بزدگی نیست

پنجم

- که گرد نرگس هستش سیه بسرمه ناز
۶- دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود
تا دل شب سخن از سلسله مسوی تو بود
۷- دوش وقت سحر از غصه نجات دادند
و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

- که بین مجلسم و ترک سر هنیر کن
۴- روندگان طریقت ده بیلا سیرند
رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز
۵- چه قته بود که مشاهده قضا ایگیخت

- ۱- به عزم توبه نهادم قدح ذکف صد بار
والی گر شمه ساقی نمی گند تقییر
۲- هیل رفتن مکن ای دوست دمی یاما باش
بر لب جوی طرب جوی و بکف ساغر گیر
۳- حافظ آراسته گن بزم و بگشواعظ را

جمع

بنا غلی محمد امیر «امیر» صنف اختصاصی در روندون موجود است.

پیغله هاری نین

نوشته های درمورد راز موقت من، و مزا حمین روی بازار دارند که در حال حاضر از نشر مضمون شان معدتر خواسته و با مید همکاری های شان در آینده هستیم.

بنا غلی عبد الفتن نقی

طی نامه ازما خواسته اند تا در موزد «گرانفو رو شی» مضا مین در روندون نشر کنیم تا نرخها در بازار کنترول شود البته بنا غلی غیاث، زلمی و فریدون نیز این خواهش را از مجله روندون نموده اند.

باید خدمت این دوستان عرض کنیم که در گذشته در بیرامون این مقاله در روندون به نشر رسیده و روز نامه ایسی هم درین مورد مطابق برابه نشر سپرده است.

دوازدهم لیسه حبیبه.

طی نامه مینویسند که اگر در مجله روندون چند صفحه آموژشی درمورد مطالب که جوانان با آن احتیاج دارند اگر در مجله کشوده شود برای جوانان مفید و موثر خواهد بود.

نظر بنا غلی امیر مقبول است مادر آینده سعی خواهیم کرد در-

بیرامون نیاز مندی های جوانان مطالibi به نشر بسیاریم که البته در گذشته ها هم اینکار بطور جسته و گریخته صورت گرفته است

ولی برای پاسخ گفتن به این مسئله صفحه اختصاصی در مجله خواهیم داشت چون در شمار صفحات اختصاصی ما فروده می گردد چراکه برای جوانان دو صفحه



محبو به جباری هنرمند تیاتر

بجواب نامه های شما

قبل از اینکه بجواب نامه های این میگیرد، یعنی بر عکس های مجله هفتاد پنجم خوب است در مورد عکس مجله، صفحات بدون انتقاد چند کلمه خدمت خواهند گذاشت این صفحه بعرض بررسا نیم. انتقاد کردن در واقع قضاوت کردن است، برای ارزش یا بسی و بررسی نحوه کار و طرز اندیشه و فکریکنفر که درین صورت انتقاد باشیم باایستدر چهار چوب خاص و با در نظر گرفتن شرایط مخصوص صورت بگیرد. ایراد گرفتن از طرز کار یکنفر مشکل نیست زیرا به آسانی میتوان بر معایب و نواقص کسی انکشت انتقاد گذاشت، به خصوص که «انتقاد کردن» یا بهتر بگوییم ایراد گرفتن از یاک دید بدینه صورت گیرد.

فقط وقتی میتوان طرز فکر و چگونگی کار دیگران را درست از زیبایی و انتقاد کرد که انتقاد از روی حسن نیت صورت گیرد و تعصب گنار گذاشته شود.

غرض اینست که یکتعداد از خوانندگان مجله روندون اخیرا نامه های برای مجله فرستاده اند و در نامه هایشان قبل از اینکه در مورد بهتر شدن مجله روندون نظریات و پیشنهادات داشته باشند البته

تیز تیغ انتقاد را بر مجله متوجه ساخته اند، انتقاد داتیکه نه شرایط کار مادر آن مد نظر گرفته شده و نه اصلاً این انتقاد دات از روی حسن نیت است بلکه فقط ایراد گرفتن تعصب آلوهه است که امر بخشن هم نیست.

متلا چند نفر از خوانندگان مجله در نظر داشت شرایط دوستایی دارند که هم از همه شان دعوت می کنیم تایکبار بر خود زحمتی روا دارند و شرایط کار مار از نزدیک مطالعه بفرمایند این نکته هم برای دوستان پوشیده نمایند که مجله روندون بهتر از بسیاری مجلات خارجی چاپ میشود.

دولتی مطبوعه



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library